تحلیل تاریخی زمان پیشوای بزرگ عالم تشیع
مرحوم آیة‌الله حاج میرزا حسن شیرازی

تحریم تنباکو

اثری محققانه از :
محمدرضا زنجانی



تحلیلی تاریخی زمان پیشوای بزرگ

عالم تشیع مرحوم شیرازی

تحریم تنباکو

بقلم

محمدرضا زنجانی



مؤسسه انتشارات فراهانی

تهران بازار بین‌الحرمین ۵۳۰۴۶۵

تهران بازار کاشفی ۵۶۲۵۴۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

یا مُبْتَدِأً بِالنِّعَمِ قَبلَ اسْتِحْقاقِها لَكَ الحَمْدُ كَثیراً كَما اَنْتَ اَهْلُها وَ مُسْتَحِقُّهُ : ای خدای بخشندهٔ مهربان چون من نادان و نا توانی را کجا سزد پیرامون ستایش وثنای تو گردد ، وَ اَنْتَ كَما اَثْنَیْتَ عَلیٰ نَفْسِكَ .

مرا بااین عجزو قصورهمان باید که پیوسته روی نیازمندی به درگاه کرمت آرم چشم امید واری بساخت رحمتت گذارم باشد که بدین حال تباه وروزگار سیاهم ترحم فرمائی بااین همه آلوده گیهای نافرمانی که تودانی بسویم نظری بلطف فرمائی که اگرکنی همه دردمن بیکی نظاره دواکنی .

ای دوای جمله علتهای ما وارهان مارا ازاین نفس پلید .

فانی استغیث و اسئلك یاذالجلال‌والاکرام بمعاقد العزّ من عرشك و منتهی الرحمة من کتابك بمفاتیح الغیب الّتی لا یعلمها الّا انت ان تصلّی علی محمد وآل محمد الفلك الجاریة فی اللجج الغامرة وصلّ علی ولیّ أمرك القائم المؤمّل والعدل وحفّه بملائکتك المقرّبین وایّده بروح القدس یارب العالمین اللّهم اعزّه و اعزز به و انصره و انتصر به و افتح له فتحا یسیرا و اجعل له من لدنك سلطانا نصیرا .

و بعد چنانکه بر ارباب دانش پوشیده نیست همانا این معنی ازخصایص مسلمه دین اسلام است که بر حسب تقاضای حکمت بالغه و رحمت واسعه الهیه که محافظت دین مبین اسلام را درعهده لطف دارد درسر هر مائه (یعنی درهرصد سال) بایستی البته دین قویم اسلام را رونق و شکوهی تازه و اسلامیان را از نوشرف و افتخاری بی اندازه حاصل آید این معنی حقیقت خود دین قویم و مستقیم اسلام راد ربرابر ملل عالم برهانی باشد عیانی ، وازاینرو برعهده مسلمانان رأس هر مائه (یعنی صد سال)

تکلیفی لازم است که شرح نصرت وظفریراکه برای اسلام در رأس مائه از نور وی داده در ستون تواریخ ایام ثبت و ضبط دارند تا اسلامیان را در هرزمان اثبات حقیقت این دعوی ممکن تواند بود و همانا از آغاز ظهور نیرعالمتاب اسلام تا قرن سیزدهمین هجرت هوشمندان اعصار بمقتضای تکلیفی که در عهده داشتند وقوعاتی راکه گواه صدق این دعوی بود موتجدید نصرت وظفریرا که براسلام درهرصد سالی از نو رخ مینموده است مشروحا ومفصلا درضمن سیر تواریخ اسلامیه ذخیره گذاشته اند شکرالله مساعیهم.

اکنون نوبت کار با ما مردمان قرن چهاردهم استکه باید بر حسب تکلیفی که در مقام حفظ شرف وشاْن اسلام درعهده داریم وقایع این قرن راکه متضمن تجدید و شوکت و شکوه اسلام است درضمن تواریخ روزگار این عهد و عصر یادگار بگذاریم لهذا اداْی این خدمت بزرگ را کمر همت بر میان جان بسته باکمال ضبط و اتقان مینگاریم که واقعه فتنه خیز بزرگ که درعقد نخستین وعشر اوّلین قرن چهاردهمین بوقوع پیوست و تجدید نصرت وظفر یکه

درصد را این قرن براسلام و اسلامیان بیمن وبرکت وجود مسعود مبارک حضرت حجة الاسلام غوث المسلمین رئیس الملة وعماد الدین سع الشیعة والمفزع للشریعة آیة الله العظمی آقای حاج میرزا محمد حسن شیرازی ادام الله تعالی ظله العالی علی رؤس المسلمین وشید الله تعالی بمیامن وجوده الاقدس ارکان الدین بظهور رسید و شرف و شوکت اسلام را بر ملل بیگانه آشکار گردانید ·

همانا براستی میتوان گفت آفاق اسلامیه را تاکنون تراکم این گونه ابرهای تیره وتاریک فتنه بار خیلی کمتر نمودار بوده و ازآن میانه ظهور این چنین نجم عز و اقبالی برای اسلامیان خیلی کمتر رخ نموده است ازاین برعهده اسلامیان حتم و لازم است که فریضهٔ دعاگوئی این وجود مسعود مبارک راکه شکر این نعمت بزرگ بیش ازپیش اهتمام دارند بنمایند چه براستی اگر لطف عمیم خداوندکریم جل شأنه وعظم آلائه وعنایات خاصهٔ حضرت ولی امر وامام عصر عجل الله تعالی فرجه وصلی الله علیه وعلی آبائه الطاهرین نعمت بزرگ اینچنین وجود مبارک را ذخیره

چنین روزی نداشتی وحسن توجه و اهتمام جنابشانرادر د فع چنین غائلهٔ بزرگ بفریاد رس اسلا م واسلا میان نگماشتی که‌پیش بندی سیل عالم آشوب چنین فتنه عظیم را برای زرین‌وعقل متین تصمیم عزم فرمایند و بتقویت و تسدید غیبی حصن منیع و بنیان رفیع اسلام راسدّ مستحکمی درجلو گذارند و اسلام و اسلا میانرا سالیان درازی از مصادمت فتن خارجیان آسوده دارند هرآینه لطمهٔ امواج پیاپی این فتنه بزرگ بنسیان قویم هزاروان‌دی ساله اسلام را که بمیامن کوشش اهتمام پیشوایان دین وسلا طین — مسلمین شکرالله مساعیهم ۰

درملك محروسهٔ ایران بدین پایه استوار است چنان ازهم پاشیده که البته پس ازیك چندی درهمه خلق‌ایران‌اسلام‌ایمان درست خیلی کمتر دیده شد ۰

علی کلّ حال‌شرح این حادثهٔ عظیم که سیل موج خیزو شور انگیز فسادش ازفرنگستان برخاسته مستقیماً روی بمملکت ایران‌و دارالملك ایمان آورده داشت چنانست که ازچندی باین طرف

که ایران راباب مراوده بافرنگستان بازرو سیم مراودهازهرد وسو آغاز شده بیش ازپیش نخستین بهره وفائده که ایران از این مراوده حاصل آمد .

اینبود که بسبب شیوع و تداول امتعه فرنگستان که از هر جنس اسباب مایحتاج عمومی مردم ایران بایران نقل داده شد ازبازارتمامی رشته های بزرگ وعمدهٔ صنایع مملکت رونق و رواج میکاهید و کم کم هرچندی دائره تجارت خارجه درایران رونق گرفت ،تا آنجاکه بسیاری از شعب بزرگ وعمده صنایع ایران که سرمایه‌توانگری مملکت بود یکسره ازکارافتاد وخلق کثیری‌ازمردم ایران‌که صاحبان صنایع بودند بالمره‌ازکار افتادند .

درثانی به اینوسیله بزرگان ایران‌راتدریجاازترقیات صناعیه و تنظیمات ملکیه وسایر هنرمندی‌های خارجه آگاهی کامل‌حاصل شده اوضاع پریشان ایران راچون باآنهمه سازوسامان خارجیها سنجیدند نسبت نقص کامل بکمال مطلق دیدند لاجرم این‌معنی که با غیرت وطن پروری نمیساخت بزرگان غیرتمند ایران رابصرافت

ترقیات وطن انداخت تدبیر فراهم شد تا سباب این آرزوراچون باهم اندیشیدند در ضمن تحقق اسباب وموانع اینکار بدین مقدمه رسیدند که بااین حسن عنایات طبیعت که آحاد نوع انسان را در قابلیت هرگونه کمالی یکسرو یکسامان داشته باید البته منشاء این اختلاف حال که میان مردم ایران وفرنگستان مشهود است همانا خاصه غیر طبیعی هرطایفه باشد ۰

و پس از تحقیقات مقتضیه ایشانرامعین و مسلم شدکه سبب عمده و منشاء اصلی این اختلاف نسبت وهمان التزام بملت است که خلق ایران رابااین حسن استعداد خداداد ادگی در تنگنای قیود و تکلفات شریعت عاطل اسیراین دل مکنت غیرطبیعی داشته و مردم فرنگستان چون درپناه آزادی مطلق ازقید هرگونه وارسته اند لاجرم لازم افتاده که یکدل و یکجهت با سرفارغ وخاطر جمع معارج ترقیات بی اندازه باشد ۰

این شدکه ازاین کلمه ملت راکه سبب اصلی خرابی کارایران فهمیده بودند نفوذ و موقع پیشین ازدلها برفت وافکارفرنگستان

کمضامن ملك و مملکتش میدانستند هر روزه درنظرمردم رونقی تازه یافت وبتدریج مقام خارجیها درایران خیلی بلند ، بدین وسیله کار فرنگی مآبی‌را درایران رواج افزوده شد واز عظمت و مجد و قدرت اسلام بکاهید تا آنجاکه بزرگان ایران رااز همکاری‌بامردم فرنگستان باکی نبود .

سهل است که نوبت کم کم بمعلومات وجدانیه و مسلمات فطریه رسید الحق آنجاهم قیامت کرد چنان افعال واطوارزشت وناپسند بیگانگان در نظر بزیبائی جلوه گرفت که مسلمانزادگان ایران باآن وجدان های پاك تبایع افعال‌و اطوارسبك مغزانهٔ فرنگیان رااز خود نیز بخلافت پیرایه‌ها بسته باشوق وشعف هر چه تمامتر شعار خودگرفتند .

سهل است کمایهٔ‌مباهات خود دانسته بدان قبایح نیز برمردم مملکت افتخار و مزیتی جستند وباهماین هم باز فرنگی مآبی دست ازمسلمانان برنگرفت تابرطبایع ایشان استیلا یافت حقیقتاجای حیرت و نگرانی است که طبع مسلمان‌زادگان‌را با آن

نازو نزاکت باکد امین وسیله میتوان بخوراك گوشت خوك وخرچنگ الفت وآشنائی انداخت.

باهمه اینها هنوز جای تعجب اینجاست بقول کسی گوئیم تقلید و تشبه بفرنگیان من کل الوجوه درسیرت ممکن تواند بود.

چنانچه اول دلیل برامکان وقوع ولی درصورت وخلقت مادر زادی چگونه میتوان تقلید وتشبه نمود حال اینکه اولاد ایرا ن متولد گشته‌اند سته فرنگی مآب رامیبینم درصورت با بچه فرنگستان یکیست.

بالجمله آمیزش خارجی باین حد ها درمسلمانان قناعت نداشته کار مسلمانان رابجائی رسانیدکه درضمن تعرضات به علمای اسلام افکاروخیالات بیگانگان راکه جز تعمیر آخور نتواند نمودعلوم و معارف حقیقی خواندند و علوم و معارف اسلامیه راکه چشمهٔ هر نیکوئی است وسرمایهٔ جاودانی برای نیکبختی و سبب پیوستن بعالم قدس است.

اوهام جزئیه گفتند و بحث و تحقیق مسائل علوم متعالیهٔ

اسلامرا مشاجرات لاطائل وابحاث معکوس النتیجه نامید ند ۰
وبالعکس تصور گرفتن خیالات فرنگیان راخروج از تنگنای مشاعر حیوانیت بفضای واسع عالم انسانیت واکمال غایات حرکات جوهری دانستند واخلاق واداب ستوده انبیاء را علیهم الصلوة والسلام ازآن روی کهمبتنی برالزامات ملّیّه وتفرقه داشتن مؤمن راازکافروپاك راازپلید است اخلاق سبعیّه وحالات وحشیه نامید ند و رسوم وعادات فرنگیان راچون مبتنی برآزادی مطلق ورهائی از قید هرالتزام است حالات حمیده واخلاق پسندیده گرفتند ،و احکام و حدود شریعت الهیّه را برخلاف صلاح نوع دانسته و منافی آبادی بلاد و آسایش عباد دریافتند و قوانین ونظامات بیگانگان را سراپا مطابق احکام وجدان سلیمه و سلیقهٔ مستقیم یافته نخستین شرط آسایش عباد آرایش بلاد شمردند چنانچه دریك چندی پیش ازاین یکی از جماعات فرنگی مآب ایران که بر حسب آن فطرت پاك و طینت تابناکشان بد اندیشی وعداوت ملت اسلام آنان را باشیراند رون شده باجان بدر رود ۰

مقالهٔ خبط و خطابه آمیز طولانی و مفصلی درخصوص اینکه گفتار ترتیب داده با دارهٔ روزنامهٔ گرامی اختر فرستاد که در ضمن آن روزنامه درج گردد و بآفاق عالم نشر گردد شاید که بوسیلهٔ این خطابه و مافیها لاطائل آن اذهان عمومی اسلامیان از التزام بتقیدات اسلامیه که برحسب عقیده این گروه غوایت انبوه سر منشاء حقیقی نکبت و بد بختی ایران است کم کم منصرف گردیده ۰

مردم ایران بتدریج ازقید بطالت بشاهرا مترقی گرایند بعضی هواخواهان اسلام نیز ازآن حسن نیتی که بملت پرستی مدیر محترم این نامهٔ گرامی داشته برای تنبیه خاطر ایشان که از مقصد ومقصود این مقاله پرو از کینه کیش بد اندیش غافل نمانند مکتوبی در این خصوص باد ارهٔ روزنامه فرستاد صورت این مکتوب را برای آگاهی آیندگان از اوضاع اسلامیت درصدر این نامه عینا مینگاریم ۰

عین نامه

خدمت مدیر ومنشی محترم روزنامهٔ گرامی اختر زحمت عرض می

د هم منکه یکسرچهار سالست د ر عتبات عالیه بخد متگذاری طلاب ومشتغلین اشتغال دارم د راین روزها بتوسط بعض تجار محترم بغداد باقتضای مناسبی اتفاق افتاد وفصلی راازروزنامهٔ گرامی که معنون بمقالهٔ لزوم تشکیل انجمن دانش بود مطالعه کردم حقیقت د رنظراول همینقدر بعید شمردم ۰

که این مقاله از منشئات خود منشی محترم روزنامهٔ گرامی باشد اگرچه منشی این خطابه الحق د رمقاله سازی وخطابه پرد ازی صاحب خیلی امتیاز است بلکه میتوان گفت د راین فن د ارای مقامی بلند وارجمند یست که امروزه کم کس را بد ان د سترس است وبپاد اش این حسن خد مت بعالم مد نیت اظهار د اشتم از جانب عموم هواخواهان مد نیت وخصوصا دولت پرستان ملت د رخورهزارگونه نوازش وستایش است غرض د رثانی که تأمل کردم از جهاتی چند که معروض میدارم وهرهوشمندی بعد ازتنبه یقین خواهد کرد وتصدیق خواهد نمود د رست مطمئن شدم که البته باید از د شمنان وبد اند یشان د ولت کسی این مقوله گفتار و بیان را ترتیب داده واظهار د لسوزی به وطن و ابنای وطن و حسن

خد متگزاری بد ولت وملت اسلا مرا بهانه‌ساختهکه ضمنا به مقاصـد فاسد خود پرد ازد ،صد افسوس که د وستان غیرتمند ساد ه لـو ح پاك ضمیرباقتضای نیکی فطرت وپاکی سیرت بنظرد قت غور ر سـی نکرد ه و بچشم خرید اری نظر ند اشته ازظاهرش کهد رصورت د ل سوزی و خیرخواهی‌ملت ود ولت است فریبخورد ه‌واز روی حقیقـت د لسوزی وبقصد خد متگزاری بملت ود ولت بکمال مسرت و ابتـهاج د رصفحات روزنامهٔ گرامی د رج وبآفاق عالم نشر مید هند تا کـار د رست موافق با د لخواه بد اند یش گرد د ٠

غرض شواهد مد عایم را عرضه د هم ازآن جمله آنکه هرقد ر د رسراپای فصل مذکور بنظرتأمل سیرکنی مطلب مهمی بنظرنمی آید بجز ایراد و اعتراض بر علمای ملت که این فنون جد ید الا ختراع‌علم سود مند طبیعت روی گرد ان وگریخته بد امن پوسیـد ه بی نتیجهٔ شریعت کهنه‌هزاروان دی‌ساله‌سخت د رآویخته آخر تـا بکی چشم ازحق پرستی پوشید ه وتابچند ازخواب خرگوشی‌غفلت وبی هوش ازلذائذ شهوت پرستی ونتایج د نیاد وستی بیـدا ر

نخواهند شد آخر مگرنه هزاروانده ی سال است پیشوایان ملت و پیروان والا همت همت گماشته وبکمال سعی وکوشش تمامی عمر عزیزشان را در تکمیل علوم ومعارف این شریعت مصروف داشته اند وهنوز تا کنون دیده نشده است که از یمن این مقوله علم وآگاهی یك آلت جزئی بی قابلیت چون چوب کبریتی ساخته شده باشد تا چه رسد با ختراع آلات و ادوات بسیار جلیل الخطر عظیم القدر محیر العقول که هیئات جمعیت انسانی را در سهولت ورفاه عشرت وکامرانی بکار است آخر ای صاحبان شعور و ادراك اشهدکم بالله انصاف می طلبم مگرنه همگی شما را از خورد و بزرگ پیمان مشهود است که همسایگان وطن شما که از علوم و معارف شریعت شما بکلی بیگانه اند ازیمن علوم طبیعت عموم دولت وملتشان تا چه پایه از فنون گوناگون شهوات ولذاتیکه هیچ چشمتان ندیده و هیچ گوشتان نشنیده و هیچ بخاطریکیتان خطورنکرده ۰

سالیان درازاست کامیاب وبهرمند ند وبالعکس شما هادر این کنج بیغوله های عتبات بگوشه فراغتی قناعتی آنهم اگر دست

دهد ساخته بپاره خیالات سودائی اوهام مالیخولیائی طبع لطیف را بهیچ قانع و نفس شریف رانقد از خطوط و لذائذ زندگانی مانع و بوعده های نسیه یوم المعاد خاطر مبارك خود تانرا شاد وبدینگونه ریشخند دل را خرم و خرسند داشته عمر گرانبهای خود تان را بتحقیق حلال و حرام آئین بی رنگ ورونق اسلام بدر میدارید •

سهل است که باقتضای سخت دلی و دقت نکردن وشفقت نیاوردن بر فقرو مسکنت و ذل مهانت ملت ودولت خود رادرمقابل این همه غنا وثروت بی منتها و قوت و شوکت دولت ها در روی کرهٔ زمین عموم بیچارگان ابنای وطن را هم که گرویدگان این آئین واز روی سفاهت وجهالتشان حسن ظن بگفتار شما ها دارند بسبب فریب دادن و ترغیب فرمودنشان بدین وضع تیره و خواندن بمعارف و اخلاق وآداب این شریعت که راستی سراسر موجب کمال توحش وحرمان از سعادت است عمر عزیزوگرانبهای ایشان را تباه و روزگار زندگیشان راسیاه داشته و دارید و چند

ناصح مشفق راحت دوست رفاه پرست فریاد میکند که ای گروه سفاهت وانبوه بخت برگشته و ای علماء ضعیف العمل و سخیف الرأی تا چند ازحلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرام محمد حرام الی یوم القیامة.

بحث و تحقیق کنید بلی حلال آن سرور حلال و حرامش حرام ولی در آن عهد و عصر بود که اقبال دینش ازبرج معارف و اوج استقامت رخ مینمود و بر قوت و شوکت آئینش پرتوافکن بتمامی جهان بود ویا درچنین عصر وزمان که شاهد و محسوس هردانا ونادان است که آئین اسلام نجم عز واقبال دمبدم روی بانحطاط وزوال است و ضع روزگار اقتضاء ندارد که دیگر پیروی چنین عادت و آئین ها رونق ورواجی راکنید چراکه بحکم تجربت پیران آزموده کار پیروان چنین عادت و آئین را انجام روزگار بهزار رنج ومحنت وذلّ و مَهانت خواهد کشید.

پس ای علمای ملت و ای بزرگواران با غیرت که امروزه زمام وزمان سعادت و نیکبختی بیچارگان ابنای ملت بکف با کفایت و

عهده تربیت شماها سپرده است برای خدا بیائید برپریشانی خود و ملت ودولت خود رقت گیرید و شفقت آورید ٠

ازاین مسکنت وبیچارگی وطن وابنای وطن وشکست و سرافکندگی ملت ودولت خود دربرابرغنا وثروت وشوکت وسرفرازیهای ملتهاودولتهای بیگانه جلوگیری کنید آخر بیا بدورتوگرد متعریف ازدینی است نمیگویم دفعتا تابرطبع نازکتان دشوارونا گوارآید و سخت وسنگین افتد من میگویم خود بطوریکه بشرفتان برنخورد بیائید برسموآئین همه متمدنان روی زمین که امروزه هرنیکبختی و سعادت درآفاق ازآنان ضیاء پاش است گردآئید وازوضع روشن و رفتار سودمند ونتیجه دارآن مردمان نیکبخت که سراسرموافق احکام وجدان سلیم است نقشه گیرید تا شمانیزمانند آنان نیکبخت و شرفیاب وسعادتمند و کامیاب شوید ٠

ازافکارعالی ومطالب جلیله و مدنیه ونوعیه این باخردان که مدارشریعت الهیه برآنست پیروی نمائید وازانوار علوم ومعارف حقیقی این دانشمندان استفاده نمائید که هم خود درخشان

و فروزان باشید هم مانند نیّر عالمتاب برانفاس وآفاق ضیاءپاشید تابمیامن مقام بلند ونتایج سود مند این مقولهٔ علم وآگاهی بتوانید ساخت سرای وطن گرامی خود تان خطّهٔ ایران که هزار و اندیست که بسبب بیتربیتی اهلش ویران وغولستان وبحکم ویرانی مرزو بومش منزل ومسکن گاه هر بوم وشوم است ازفساد بی نظمی این آئین دیرین پیراسته بصلاح نظروفنی قانون کافی ووافی مرتب منظمی که نخستین اسباب ترقیات مملکت است آراسته دارید و برادران گرامی خود تان راکه ذوات و مکرم ابنای وطنند بآداب واخلاق ستوده وپسندیده این چنین قانون قویم و مستقیم و فنون سود مند این علم و معارف حقیقی پرورش داده تربیت کنید که همین این مقوله از تنگنای رسوم و عادات و قیود وتکلفات این ملت وشریعت که سبب عهده منشاء اصلی این حالات رذیله و خیالات واهیه وحشی بودن که درد بیدرمان ما ایرانیان است ۰

بالمره جسته ورسته و بفضای واسع عالم حیرت آزادی که از فنون گوناگون لذت وشهوت و آرزو و آمال مالامال است پیوسته

نیکبختی سعادتمند و کامیاب با رفاحال وراحت خاطر زیست و زندگانی نمائید وبدین ویژه رفته رفته مانندسعادتمندان همسایه دراندك زمانی زندگانی خود وبرادران بی سامان خود تانرا ساز کرده نقایص امور مملکتی تماما باصلاح آید بلاد آباد وعباد آزادی وآسایش یافته واز حضیض خاك وفقر و فلاکت باوج ثروت و مکنت برسد آنگاه بادل درست و خاطر جمع دوباره اگر بخواهید سر بحث و تحقیق علوم و معارف آئین نخستین خود تان مبادرت نمائید یقینا کسی راه شمارا نخواهد بست ·

این خلاصه اعتراض وجان مقاله پردازاست کهاز سراپای مقالاتش هرزبان فهم لغت دانی بخوبی دریافت خواهد نمود حالا خود شما که منشی محترم اخترید مجددا مراجعه فرمائید و مصدق باشید بالله علیکم انصاف دهید میتوانید صاحب چنین مقام ازملت اسلام باشید بلکه آیامیتوان گفت چنین قائلی ملیست بملت وآئینی بی پرده وبه پیغمبرو کتابی سرسپرده است حاشا ثم حاشا کافرم من اگر اودیندار است شاهددیگر برمدعایم اینکه

مقاله پرد ازاز اینکه د رمقام اظهار آرزوی فراهم شدن اسباب آسایش د ولت و مملکت و افزایش غنا وثروت مرد مان ملت روی سخن را با علمای اسلام گرفته ود رکارسازی اسباب حصول این آرزوی زرین و همت عالی ایشان طمع نصرت کرد ه است برمیآید بلکه هر عامی د رباد ی نظر میپاید که این مقاله پرد از بیچاره سبحان الله با همه این لاف گزاف از احکام ملت ورسوم شریعت اسلام بکلی برّانی وکوهستانی است مینماید لفظ علمای اسلام راآراسته وافواه راه گذاران گرفته وتا کنون مجال پرسش معنیش،رانیافته است. چه اگر پرسید ه وفهمید ه بود که لفظ علماء یعنی د انایان ود ارایان لفظ اسلام یعنی مجموع معارف واخلاق و احکام وآدابی که کتاب آسمانی که سبع المثانی و القرآن عظیم باشد و سنت غراء احمدی علیه وعلی آبائه الکرام افضل الصلوة والسلام بدان ناطق است البته چنان اد یب هوشمند و نکته پرداز هرگاه فهم این معنی می گیرد ناچار د راین صد د برمیآید که برسد بفهمد این کتاب وسنت چیست ود رنزد کیست ولا شك که پس ازپی جوئی اند ك قد ری رفرنگی

مآبی منهمك دور از مطلب میبود یاجسته جسته مقداری از آیات کتاب و آثار سنت گوشزد خاطرش میشد که بتواند شبانی ملت و مذاق مشرب صاحب شریعت را بخوبی دریافت نماید گوکه مقاله پرداز رافرط انهماك درهوا پرستی ودنیا دوستی چونان موش کور محروم و مهجور از تابش انوارعلوم و معارف کتاب و سنت داشته ولی معذالك هرگاه سعادت دیدار هدایت آثار کتاب مبین وتنزیل رب العالمین را یافته بود ·

باز البته اورا شاهد اینمقدار معنی رخ مینمود که منشی این کتابیکه اسلامیان آسمانیش میدانند ازآغاز تاانجام ازبدو تا ختم نظرعنایتی براین مقصود بودکه بفنون خطابه های حکمت آمیز طاعت انگیزتا آن حدّ یکه نیروی بازوی خطابه پردازی وسخن سازی رایاراست نیرنگی بکاربردکه شاید میل خاطربنی نوع بشر خیره چشم خود سر رااز زندگانی فانی این فساد محسوسات که لهو ولعبش نام نهاده بلکه چندین نام ولقبش داده گردانیده شور وشوق زندگانی جاویدانی منزلگاه دلکش ودلخواه دیگریرا

خاطر نشان سازد و بطوریکه درانظار همتشان اهمیت اورا باشد وبس که در تمامی حرکات وسکنات شبانه روزشان خبر رسیدن و پیوستنی بامت گزینان بدانسرای زیبای پاینده مقصد و مقصودی رامنظور نظرکوشش و اهتمام ندارند وبجز تحصیل وتکمیل سازبرگ آن جاوید زندگی همت و عزیمت بانجام دیگر مرام نگمارند ۰

من باب الضروره که هم بدان پرداختن و سازو برك همان زندگانی ساختن است ترخیص داده وتجویزفرموده که بقدرالضروره بهم سازی این سرای نیزپردازند بلکه قدم بالاترگذارده میگوئیم درحقیقت هرکس هر چند مشاعر حواسش ازغشوات و ظلمانی هواو هوس نفسانی پوشیده وپنهان دارد همین قدراگربوئی از رسوم این ملت و شریعت بلکه هرشریعت حقی بمشام او رسیده باشد اورا بخوبی آگاهی حاصل آمده است ۰

که سراپای ملت و بروشهای شریعت بمثل داستان مرد دوزنه است که مردش انسان بیچاره باشد ،چون بقیه مقاله که جواب مقاله پیش بود بطول انجامید لهذا ازذکرآن صرف نظرشد

خلاصه چون تقلید ازبیگان (بیگانگان) د رایران بطوری اوج گرفته کـه بزرگا ن وکا رفرما یا ن ایرا ن جمیع حرکات و عا دات شبانه روزی‌خود را تقلید ازخارجیا ن نمود ند وبتد ریج این معنی بزرگا ن به‌ز یـر د ستا ن سرایت نمود ه وبزما ن اوضا ع ا سلامیه بزرگا ن وکـا ر گـرا ن مملکت تغییر کلی یافت ۰

چنانکه یکی ازبزرگا ن زمام مملکت را بکف وعهد ه خود سپردهٔ میدانست دانشمند ی د رضمن نصیحت گفتش مگر توآنکس نیستی که مدام مصاحب قرآن بود ی و موقعیکه فصلی ازنهج البلا غه به حضورت میخواندم برقت تمام میگر یستی د راین سفرخا رجه تو را چه شدکه چنین معکوس ومنکوس گشتی وآن حا ل خدا شنا سـی تو بد ین غفلت و قساوت ود نیاپرستی‌منقلب گرد ید آن‌بزرگ محترم جوابش دادکه آن زمان خر بود م ۰

او نیز د رجوابش گفت بلی اکنون سگ شد ی وهما نا شـرح داستان فرنگی مآبان‌ایرا ن که د رکتا بـها ی بزرگ نگنجد بیـر ون از وظیفه است وبرا ی اینکه آیندگا ن راا ز وضع حالی‌ایرا ن‌د رایـن

قرن آگاهی حاصل تواند بود مشتی خروارنمونه ویادگاری بس است .

بالجمله فرنگی‌مآبان در ایران وظهور این حالت دلباختگی ایرانیان درحقیقت مدعیان کام طمع خام ایران شیرین ترا ز شیرین مینمود .

همسایگان طمعکار مملکت راکه تااین زمان ازاین لعبت شیرین جز تلخ گوئی معهود خاطر نبوده درهوس‌وصل جوئی ایران طمع بر طمع افزوده این شد که مردمان طمعکارخارجیان رادست حرص وآز ازهرسو بجانب ایران درازکردند وهرکس بهر وسیله دست‌آویزی ممکن بود چنگ خود رابگریبان ایران‌در انداخت ازاین ایرانیان نیز دل داده این اقبال مردم خارجه را فوزی‌عظیم شمرده مهام امورلشگری و کشوری مملکت رابی هیچ اندیشه بدیشان سپردند وبتفصیلی که باخبرآن ازاوضاع‌حالیه ایران رامعلوم است همه ساله جمعی از بیگانگان خوانده و ناخوانده که بهانه خود را براین خوان نهاده وسفره ایران‌حاضر

ساختند و کم‌کم جمعی کثیری ازبیگانگان دربلاد مسلمانان منتشر گشتند •

و ازروی مساعدت بزرگان مملکت دربسیاری ازشعب ارباح ومنافع ایرانیان بخت برگشته نیز تصرف جستند سهل استکه رفته رفته تجارتهای عمده راازکف تجار این مملکت گرفتند چنانکه یکی ازمعتبران تجارکه دریکی ازبلاد معظم ایران تجارت دارد در شرح حال خود وسایر تجارمملکت وبحضورمبارك بندگان‌شریعت ارکان رئیس‌علمای ملت آیت الله شیرازی عریضه معروض‌داشته‌که بیك وسیله به دست ماافتاد این مرد محترم از وضع‌حالی تجارت ایران شکایتها نوشته است ازجمله معروض‌میداردکه نوع اهالی این بلد معظم که چشم وچراغ ایران است خاصه صنف تجارکار این روزها خیلی سخت ودشوارشده وچگونه سخت ودشوارنباشد حال‌آنکه‌چندین‌سالست تاکنون که بسبب مداخله‌واستیلای‌اجنبی رشته تجارت ایران بالمره ازدست تجارمسلمان بیرون رفته‌است این گروه بیگانه گذشته ازاینکه درکلیه بلاد ایران خاصه در این

بلاد معظم کم کم خیلی زیاد شد مود ر رشته بسیاری از کارها
مدخلیت جسته‌اند این جماعت بیك وضع تقلّبی در کار تجارت ایران
داخل شده ، و رشته کارها را درهم برهم زده‌اند که تجار مملکت را
علی الخصوص با التزام باحکام شریعت دیگرداد وستد صرفه ندارد
همین است که از چندین سال تا کنون همه ساله در هرشهری
جمعی از تجار ورشکست شده واین باقی مانده هم که امروز مطبق
مرسوم بهجره ودکاکین میآیند باکمال کسالت وافسردگی هرکسی
در این خیال که هنوز بوصله چرکین ورشکستگی ننگین نشده خود
اختیاراً ازکار تجارت کناره گیری گرفته اند ابتداخانه نشین باشد
بالجمله حکایت این مکتوب ونه همین شکایت این مرد محترم است
تجار ایران دریکی را دل دیگری پرخون تربشکایت افزون تر است
سهل است که مراتب نازله ورشته های دادو ستد خیلی
جزئی رامداخله کردند ، باالجمله تهران که پایتخت اسلام است
مردم بیگانه وغریب که جای خود دارند مردمان دهاتی را هم
تشخیص مسلمان ازخارجی نتوان داد .

بالجمله تاینجاایرانرا از مراوده ومعامله باخارجیان نتیجه حاصل این شد که این دورشته کسب وکار بزرگ صنعت گری وداد وستد مملکت راکه حقیقت دورشته کار پرمنافع وعمده مسلمانان و دو رکن بزرگ آبادانی ایران بود خارجیان یکسر درکیسه خود سرازیر نمودند ودرمقابل عالمی مفاسد بی پایان را درکیسه دولت وملت مسلمان ایران گذاشتند ،ولی تااین زمان هنوزیك جزئی از بساط مملکت بود یك چندی که گذشت آنراهم دولت یکباره به چکی فروخت٠

یعنی هنوز تااین اواخرازآنهمه رشتههای بزرگ کسب وکار وشعب منافع عمده ایران یکباره رشته های کوچك وکوتاهی چون صابون پزی وگچ پزی ونمك فروشی و سایرمشاغل کوچك کهبدست ایرانیان بخت برگشته مانده بود مردمان پرحرص و طمع از خارجه همگی شعب عمده ورشته های بزرگ قابل منافع ومداخل ایران را استقلال و استیلا یافته هرچند دیگرباطراف ایران نظرگردانیده عمل سودمند ومداخل خیزبجای ندیدند مگر اینگونه کارهای

پست ونالایق که آنهم هرچند تأمل کردند راه دخول و استقلال برای خود شان بدان وضع استقلالی که در سایر کسبهای ایران مفت وبدون مایه لکن پرمنافع یافته در اینها نیافتند وچون این معنی گذشته ازانتفاعات مصوره مالی منافی تمامیت استقلالشان در ایران بود ٠

لاجرم دراینحال لابد ولا علاج شدند که در این خصوص دولت راطرف کاروصاحب اختیار ملت گرفته بادولت باسم و عنوان تجارت قرارداد بسته ودولت رادرمقابل عوض ناچیزتطمیع کنند تا بتوانند بدینوسیله رشته استیفای این باقی مانده ازثروت خدادادگی راهم ازکف ملت ایران گرفته تمامیت اقتدارو استقلال خود رادرایران بر قرار نمایند ،این شدکه دراین مقام برآمده این معنی رابدولت ایران اظهارنمودند واسطه کاردولت که ازجریان وهمه چیز بی اطلاع وغافل بود بخیالی که اینگونه مداخل های مفت و هوائی گنج بادآور دولت است رشته اختیاراین باقی‌مانده راهم باسم وعنوان امتیاز این عمل باتن خواهی رایگان بدیشان

واگذاشت یکی از غیرتمندان ایران که آگاهی واطلاع کامل در جریانات روز دارد مینویسد در این اواخر در مملکت ما دو سه امتیاز به اجانب داده شده است که امثال آن شرایط خفیه در هیچ مملکتی داده و دیده و شنیده نشده است امروز دولت جبار انگلیس با همه اقتدار از زنگبار دولت فرانسه در مملکت داهومی و دولت ایتالیا در حبشستان با آن شرائط خفیه امتیاز حاصل نتواند بود حقوق هیچ مملکت وملتی بدین پایه رایگان فروخته نمیشود ·

آیا واسطه کار هیچ وجدان ندارد وپیش خود نمیاندیشد که امتیاز متضمن حقوق عمومیهٔ ملت ایران است ·

این مرد غیرتمند میگوید باید امثال اینگونه کارهای مهم به مشورت وزرای دولت صورت به بند دو در صورتیکه همهٔ این گونه کارها در پرده خواهد شد پس معنی شورای بزرگ چیست ؟ هیچ آنهم مانند سایر اسم های بدون رسم میگوید بدیهی است که با وضع مملکت اصلاح نمیپذیرد بلکه روز بروز روبه انحطاط میرود مگر دستی از غیب برون آید کاری بکند ·

بالجمله مرسوم داشتن وبرقرار نمودن اینگونه عمل یعنی امتیاز رادر ایران این آخرین مرحله بود که خارجیان بسوی مقصد اصلی خود حرکت نمودند حقیقت این مردم کارآزموده عجب به مهارت واستادی مهره کار خود را در ایران گردانیده تا بدین مقصد رسانیده اند این حریفان رند و کهنه کار چنین فهمیده تا مردم ایرانرا رام خود ندارند وبدام خویش نیاندازند نائل به مقصد اصلی خود ازهیچ راه نتوانند شد واستیلای برایران ازهیچ روی نتوانند یافت واینگونه مداخله واستقلال راکه تدریجا تاکنون یافته اند اگرچه ابواب هرگونه مداخله ومنافع عمده مملکت را برروی عمومی بسته ورشته انتظام امورشان را در هم گسسته است که تااینجا خود مراحل خیلی بزرگ است که درراه مقصد خود پیموده اند ·

وچون مردم از تجارت و سایر مشاغل افتاده اند ایران را حاجت و ضرورت برای رام و نزد یک بدام گردانیده است ولی چون این رشته مداخله واین وضع استقلالی راکه در ایران داشته اند چندان حاجت بوسائط وعمله جات نداشته که بدان وسیله

بتوانند عموم ایرانرا بدام آورده ورام خود گردانیده لا جرم در عالم اندیشه رشتهٔ فساد امتیاز راکه درجمیع جزئیات کارمسلمان میتوان ساری وجاری گردانید وباب الابواب مقصد خود قرارداد ند وایران سیه روزگار راازاین درآمد چه معلوم است ،این همه خلق مستمند ایران که دست ازتجارت وسایر مشاغل سودمند وطن عزیزشان بریده ورشتهٔ منظم زندگی خود وخانوادهٔشان ازهم پاشیده است این مسلمانان ازکارافتاده آنانکه هرزه گردی ودزدی و جنایت و گدائی رابرخود پسندند لابد و لا علاجند که بنوکری دولت وحکومت یاخدمتگذاری درسفارتخانه های خارجی تن درداده بهروسیله که باشد تاری ازاین رشته هابچنگ آورده ساز زندگی خود و خانوادهشان راازاین روسامان کنند وچون در میان شعب کارو خدمت دیوانی رشتهٔ بتازگی نگشته که گنجایش این همه مردمرا داشته باشد لاجرم مسلمانان بیچاره ازخدمت وکارخارجی بهر درگریزان باشدبازلابد ولاعلاج احتیاج بخارجیان پیدا میکنند .

ومسلم است مسلمان فقیر پریشان هرکس که باشد وهرچند در ملت پرستی سخت باشد همینقدر که محتاج خارجی شد واحسان دید میل قلبی به بیگانه نیارد ومسلمان در باطن دوستار بیگانه ندارد حال آنکه انسان بندهٔ احسان است اقلا درظاهر که باید اظهار مراوده ومتابعت به بیگانه نماید تا این رشته که بهزاران وسیله برقرار گشته ازهم نگسلد علاوه اگر او اینهمه خوشرقصی نکند دیگران از روی حاجت بیش از اینها خواهند نمود وپیش از این به شرح آمد که آمیزش با بیگانه بزرگان مملکت را باآن مراتب داعی چه بسر آورد وتاچه پایه از رسوم شریعت وملت بیگانه داشته ·

سهل است که تا اندازهٔ در تمامی مراتب وجود شان او وجدان گرفتهٔ طبیعت تصرف نمود ·

با لجمله باوصف این مرتبه استعداد و قابلیت محلی که بیگانگان پیشاپیش در مردم ایران فراهم کرده اند هر صاحب انصاف ووجدان با اطلاع ازحال بیگانگان رامسلم است که هرگاه این مردمان مزور و محیل راچنگ تعلق بگریبان عمومی مردم ایران

درآویخت یك چندی نخواهد شد مگر اینکه مردم مسلمان ایران را رام خود ساخته ·

سهل است که ازرسوم ملت وشریعت اسلام که سبب اصلی این مباینت است بکلی بیگانه داشته هم سهل است که از فطرت اصلیه اولیه اسلام که مناط بیگانگی ایران با خارجه است بالمره منسلخ خواهند نمود چنانچه این معنی را بقیاس و تجربه از رفتاری که خارجیان با طوایف وحشی سلوك داشته واکثرآن وحشیهای خون آشام را با طبعهای سخت رام وآرام گردانیده اند بخوبی میتوان یافت وازاین گذشته هر صاحب وجدانی را درعالم بالعیان مشهود است که هریك ازاد وسبب معاشرت وتربیت را جداگانه درتغییر اخلاق وآداب انسانی تأثیرتام است بلکه اثراین دو سبب قوی التاثیر دراکثر حیوانات خیلی قلیل الادراك چون وحوش وسباع نیز بفزونی مشهود است ازبرای هریك ازاین دو سبب پیرانه و خصوصیاتی است که بدان ضمائم قوی تراو کاریتری خواهند شد چنانچه این معنی مسلم است که دوشخصی یکچندی صحبت و

معاشرت بدارند وسازش وآمیزش نمایند لامحاله ازیکطرف تغیر خلق وخوئی خواهد بظهور رسید ومسلم است باختلاف مرتبه ونسبت البته جهت غا علیت وتأثیر باطرف قوی خواهد شد وانفعال وتأثر باطرف ضعیف و مناط قوت دراین خصوص همان پیش — افتادگی بزرگی وعلو و متبوعیت کلمه است چنانچه فرموده اند الناس علی دین ملوکهم والمرئة تأخذ بدین زوجها : یعنی مردم بردین پادشاهان هستند، وزن دارای دین شوهرش ٠

غرض از جملهٔ بالا اثبات قدرت تابع است برمتبوع خاصه اگر متبوع را عنایات واهتمامی درتغییرحال و وضع تابع باشد وبنای لطف و قهر خود را براین گذارد خاصه که بضمیمه احسان های غیر متوقع تابع پایه محبت خود راد ردل تابع برقرار واستوار نماید که این معنی خود علاوه برهمه سبب قوی التاثیر است٠

جداگانه دراین خصوص چه انسانی هرکس بهرمرتبه از رذالت نفس که باشد بدون شك پس اززیادی احسان براو این معنی تدریجا درنفس پذیرنده احسان لامحاله تاثیر یکدرجه

محبت نسبت به احسان کننده هرکس وهرملت وآئینی که داشته باشد خواهد نمود مسلم است که محبت را بهردرجه باشد لازم افتد که تا همان درجه نظر عیب جوئی را ازمحبوب خود بگرداند وهرچندکه محبت قوی ترگردد این معنی نیز بهمان پایه قوت خواهد گرفت آنجائی که محبت بدرجه رضا برسدکه درآن مقام عیب جوئی از هیچ رونگنجد چنانچه گفته اند وعین الرضا من کل عیب کلیلة و از اینجا به بالا دیگر هرچه از محبوب سرزند هر چند زشت و نا زیبا باشد سراسرهمه ستوده و پسندیده بیند در این رشته آغاز تشبه به محبوب ازاین نقطه خواهد بود اینشرح تأثیرمعاشرت و پیرایه های معاشرت ۰

واما حال تربیت واضح ترازآنست که محتاج هیچگونه شرح وبیان باشد البته آشکاراست فاعل تربیت یا هرکاری پس ازدارائی جهات فعل وتأثرهرچندی که درآن خصوص بتجربه آموخته تر ومباشرت و ممارست آن عمل را بیشترداشتهباشد بطور قطع استادتروفعل وتأثیرش قویتروسریع الوقوع ترخواهد بود ۰

بنا براین سرایت که بشرح آمد میگوئیم نیز اینمعنی هرکس را فی الجمله اطلاع و آگاهی از اوضاع امروز عالم باشد بخوبی معلوم و مسلم است که این هرد و رشته بسبب کارقوی الاثربا همهٔ آن پیرایه‌ها و خصوصیاتیکه شرح داده شد مردم خارجه را بروجه اتم و وافی فراهم است لاجرم هرگاه و العیاذ بالله این مرد مان در رملك محروسهٔ ایران طرف مراجعه عمومی گردند باوصف این سماجت و حرص و آزی که اینگروه راهیئت خاصه دربارهٔ ایران که درهوای یك لبخند نمکین این لعبت شیرین سالیان درازی است جانها کنده .

اکنون که فرصت ومجال قرب و وصال یافته‌اند البته در جان فشانیهای خود ازهیچ رو فرو گذاری نکرده ونخواهد کرد ومفاسد بی پایانراکه از اقدامات مجدانه آنان در این خصوص دامن گیر اسلام و اسلامیان خواهد شد هیچ صاحب وجدان را پوشیده نتواند بود .

این خارجیان که بتقاضای ملت آزادی بیشتر منکرات اسلام را بفزونی مرتکبند و این معنی نیز بموقع آمد و شد و به چشم گوش

مسلمانان خواهد شد واین مسلمانان بیچاره کما سیرومحتاج ولا بد ولا علاج ازمراود مو معاشرشدن بدیهی است البته یك چندی نگذشته بسیاری ازمنکرات اسلام راکه درانظارمسلمانان عظیم است برحسب فطرت اسلامیترا ازهیچ روعظمی درنظرمسلمانان بجامانده است .

ازمراتب التزامیکه بملت وشریعت دارند کاسته خواهد شد و مسلم است که این معنی مامسلمانانراتاچه اندازه مستعد هرگونه تصرف وقصربلیت خواهد نمودعلی الخصوص تربیت بآداب ملت و آئین مسیحی که سراسرملایم طبایع ونفوس اکثر مردم ایران است که خاصه رشته اینگونه تربیت بکف تصرف و تدبیر خارجیان باشد باآن قوت سحاریت وآن مهارتی که آنانراد راینخصوص به سبب کثرت کارو کوشش باطوایف وحشی روی زمین دست داده شك نیست پس ازیك چندی بسبب تراکم اطواروآداب مختلف اوضاع و رسوم مذهبی مردم ایران بکلی تغییریافته باوضاع و رسوم مردم مسیحی خواهد مبدل گردید واینگونه تغییر وتبدیل ابتداء در

آحاد مسلمانان بروز وظهور یافته و از آنجا کم کم بهیئة نوعیه مملکت سرایت خواهد نمود، و نیز اینگونه تا ثیرا لبته از هیئات اسلاف مردم مسلمان بهیئات اخلاف سرایت گرفته ودر مردم دوره و اپسین بجائی خواهد رسید که مردم خارجه محبوب قلوب خواهند شد و دیری نخواهد گذشت مگر اینکه العیاذ بالله حال مردم ایران بقسمی باشد که اوضاع اسلامیه سابق مملکت را یکسر برطاق فراموشی گذارده لذا اطوار بسلف صالح خود چیزی بیاد نیاورده وبآنجاکه رسد اسم مسلمانی که جای خود دارد اسم ایرانی نیز محوگردیده از رشته مطلب اگرچه دور افتادیم ولی از وظیفه وتکلیفی که در این کتاب بعهده گرفته ایم بیرون نشدیم ، بالجمله مردم رند وکهنه کارخارجه پس از آن که راه مقصد خود را پیدا کرده وبسهولت هرچه تمامتر ایرانرا از در امتیاز درآمدند یعنی پس از آنکه اصل امتیاز راد را یران برقرار نمودند وچند رشتهٔ امتیازی را درکارهای داخله مملکت ازجانب دولت بسهل وآسانی ظبط واستیفاء نمودند چون رشته های کوچك وکوتاهی بود وافی برای مقصود نبود لاجرم در

این اندیشه افتادکه رشته های بزرگ و همه جا رسائی راکه بتواند مرجعیت عمومی راوافی باشد بچنگ آورده هرچه یکروز زودتر خود را هم آغوش مقصود گردانند ؛

قضارا وافی وکافی شد تااینکه دراین اثناء شاه ایران ناصر الدین شاه قاجارسوّمین باره عزیمت خسروانه بتجدید سیر و سیاهت خارجه و گلچین از اوضاع ترقیات آن سامان تعلق‌گرفت دراین سفر جمعی ازبزرگان مملکت بالتزام رکاب مفتخر وسرفراز فرموده که پس ازاطلاع وآگاهی کامل ازاوضاع ترقیات و تنضیمات خارجه تدبیر ادخال واجرای آنگونه ترقیات وتنضیمات رادروطن گرامی باهم ببیند یشند ، این بارنیزمردم خارجه عموما مقدم خجستگی توام همایونی رابرحسب معمول بیش ازاندازه گرامی داشته بر احترامات پذیرائی موکب مسعود همایونی افزودند، خاصه دولت انگلستان که داد مهمان نوازی راداده مقدم شاه رابقول روزنامه نگاران ازآنچه بخاطر گنجد گرامی داشتبا همه این تمهید مقدمه بازهم انگلستان مآل اندیش بدین پذیرائی گرم وشایان قناعت

نکرده درمجالس مهمانیهای باشکوهی کهمخصوصا بنامواحترام شاه ترتیب یافته مکرربلسان آورده ازمراحم ملوکانه مستدعی شدند که مردم انگلیس را در روجوه انتفاعات ازایران بیش ازبیش مساعدت فرمایند معلوم است حریف کهنه کارهشیار ازاین زحمات بسیار البته استنتاج نتیجه فرصت یافته غنیمت شمرد این بود کهدرهمان ایام اقامت موکب همایونی درانگلستان ماژدرباليت ازمردم انگلیس که سابقهٔ ادعائی بادولت ایران داشت چنگ توسل برای امتیاز دخانیات کل ایران بدامان شرف وشأن یکی ازبزرگان که مصدرکارهای بزرگ مملکت بوده درآویخت بزرگ محترم نیز شاید بدین ملاحظه که برحسب مکنون خاطرخطیرهمایونی ماراد راین سفر جزادخال واجرای اینگونه کارهای سودمند و نتیجه دار به ایران مقصد و نظری نخواهد بود ۰

ازاین گذشته اینگونه مداخلهای مفت وهوائی کهحقیقت گنج بادآور دولت است بااینکه بپاس خودآورد مکد امین وجدان سلیم تجویز طرد و منع خواهد فرمود و همشاید بزرگ محترم را در

نظرچنین بوده که بدام افتاد این مرد هوشمند انگلیسی با پای خود همانا اوّلین فتح وظفریت کما زاین سفرد ولت راد ست داده واجرای اینگونه نقشه های سودمند د رایران نخستین راهی است ازترقی که برمملکت گشاده خواهد شد .

بالجمله تصور جهات نفعی برای این عمل بغایت اسهل است چه هرطفلی رافی الجمله بهره مندی دولت ازاین عمل خیلی واضح است بلی تصوراینکه شخص ملت دوست ودولتخواه به چه ملاحظه میتواند ازطرف مفاسد و مضاراین چنین کارآسوده خاطر گردید بغایت مشکل است، مینماید بزرگ محترم باین پایه جلالت که عنان اختیارکل مملکت را بکف اقتدار داشته بکلی از ملاحظه تبعات مفاسد این کار غافل گشته بلی الحق خلاف از انصاف است بگوئیم بزرگ مفخم ازمفاسد این امتیاز غافل بود محتی ازآنچه همه کسرامعلوم استکه بسبب اجرای این امتیازد رایران خلق کثیری ازمسلمانان مملکت علی العجاله تایکچندی ازوجوه ارباح ومنافع وطن خود شان که سالیان د رازی مایه معیشت خود شان

وعیالشان بود ممنوع خواهند بود و حقوق صریحه اینهمه مسلمانان هموطن را یك نفر بیگانه خارجی ازگرد راه رسیده ناحق پیش چشم ایشان استیلاء واستیفاء خواهد نمود ولی باید گفت بزرگ محترم با التفات بدین مفسده البته باقتضاء جوانمردی وسماجت خود ملاحظه تکلیفی که درحفظ مقام و ناموس دولت ایران بعهده می دانسته این مقدارمفسد مو مطلب عمده ومعتنا علیه ندیده که بدان ملاحظه بتوان درمقابل اینهمه خودکشیهای مردم انگلیس را که بامیدواری تمام استدعای مرحمتی ازدولت داشته آزرده خاطر نمود .

الغرض بدین ملاحظات یا بهرملاحظه بود بزرگ مفخم هنوز هم غافل ازهمه جا اجرای اینچنین عمل را باین شأمت ودخالت و عاقبت ملك وملت ایرانرا بباد فنا میداد استصواب فرموده بی هیچ گفتگوو مشورتی بشرایطی چند گذرانید . صورت امتیاز نامه این عمل را برای مزید وآگاهی ملت ایران وسایرجهانیان عینا مینگاریم.

*****

صورت فرمان

تنباکو و توتون مینوپل خرید و فروش وساختن داخل یاخارج کل تنباکوو توتون که د رممالك محروسه بعمل آورد ممیشود تاانقضاء مد ت پنجاه سال ازتاریخ امضاء این انحصارنامه بماژ د ر بالیت و بشرکای خود شا ن مشروط بشرایط ذ یل مرحمت فرمود یم ، شاه .

فصل اوّل

صاحبان این امتیازنامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی بخزانه عامره اعلی کارسازی خواهند نمود اعم ازاینکار نفع ببرند یاضرراین پول هرساله د رپنج ماه ازسال گذشته پرداخته میشود .

فصل دوّم

فقط محض تعیین ازتوتون و تنباکوئیکه د رممالك محروسه به عمل آورده میشود صاحبان این امتیاز ثبت از زارعیکه میخواهند عمل این امتیاز رانکنند نگاه خواهند داشت ودولت علیه بحکام علیه حکم اکید ی خواهد فرمود که زارعین توتون وتنباکورا مجبور

بعد از آن ثبت نمایند واذن واجازه نامچه برای فروش و معامله و غیره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه وغیره حق خالص صاحبان این امتیازاست واحدی جزصاحبان این امتیازنامه حق صدوراجازه نامه جات مذکوره راندارد و نخواهند داشت اصناف توتون وتنباکو فروش که مشغول این حرفه اند درکسب ومعاملات داخلهٔ خود برقرارخواهند بود مشروط به اجازه نامه هائی که دارندگان امتیاز خواهند داد ٠

فصل سوّم

بعد از وضع جمیع مخارج متعلق به اینعمل وتقسیم صدی پنج سرمایه خود شان بین صاحبان امتیاز یکربع منافع باقی‌ماندهٔ سال بسال تسلیم خزانه عامره خواهد شد دولت ایران‌حق‌وارسی به دفاترهرساله آنها خواهد داشت٠

فصل چهارم

جمیع اسباب کارخانه و لزومات اینکار که صاحبان این‌امتیاز داخل ممالك محروسه میآورند ازجمیع عوارضات گمرکی وغیره آزاد

خواهد بود .

فصل پنجم

حمل و نقل توتون وتنباکو در ممالك محروسه بلااجازه صاحبان امتیاز ممنوع است مگرآنچه مسافرین برای استعمال یومیه خود شان همراه داشته باشند .

فصل ششم

صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون وتنباکو در ممالك محروسه بعمل آورده میشود ابتیاع ودر عوض آنقد رکارسازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد باید تمام تنباکوو غیرکه فعلا موجود است ابتیاع نمایند قیمت که باید بعمل آورنده یامالك داده شود دوستانه بین عمل آورنده یامالك وصاحبان این امتیاز قرار خواهد شد ولی در صورت عدم رضایت طرفین بحکمیت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد و حکم قطعی مجری خواهد شد .

فصل هفتم

دولت علیه متقبل میشود که بهیچوجه علاوه واضافه برمالیات

و عوارضات و رسوم گمرك حالیه درباره توتون وتنباکو و سیگار وسیگارت وانفیه تا انقضاءمدت پنجاه سال از تاریخ امضااین امتیازنامه ننماید همچنین دارنده امتیازوشرکاءاو متعهدندکه تمام رسوماتی راکه بالفعل عاید دولت‌علیه ایران میشودکماکان عایدگردد ٠

فصل هشتم

هرکس‌یاکسانیکه ازاین فصل گریزی اختیار نمایند مورد سیاسات ومجازات دولت خواهد شد وهرکس یاکسانیکه در پیش آ. ها تنباکو وتوتون و غیرمبجهت فروش این معامله پیدا شود نیز بجریمه وسیاست سخت دولت گرفتارخواهد شد دولت‌علیه‌حمایت وتقویت صریح هرچه تمامترخود را درجمیع‌اعمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهد نمود صاحبان امتیازنیز تعهد مینمایندکه به هیچوجه از حقوق خودکه موافق فصل این امتیازنامچه است تجاوز ننمایند ٠

***

فصل نهم

صاحبان این امتیاز مختار خواهند بود تمام حقوق با امتیازات باتعهدات وغیره خود را بهرکس یا کسانیکه میل دارند منتقل نمایند ولی قبل ازوقت باولیای دولت اطلاع خواهند داد .

فصل دهم

عمل آورنده ویامالك توتون وتنباکو هروقت توتون وتنباکوی خود راحاصل نموده بنزد یکترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان بچه مقدار است تا اینکه صاحبان این امتیازنامه بتوانند تعهدات مقرره فوق راد رفصل ششم بموقع اجراء بگذارند وآنرا بزودی ابتیاع نمایند .

فصل یازدهم

صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ابتیاع نمایند مگر باندازه لزوم اجرای این امتیازنامه بجهت انبار ولزوم آن.

فصل دوازدهم

زارعین برطبق شروحات که ازجانب صاحبان این امتیاز به

همراهی دولت مقرر میشود محق میباشند که باندازه کافی برای حاصل خود مزد پیشکی بآنها داده شود .

فصل سیزدهم

اگر از تاریخ امضاء این امتیازنامه تا انقضاء مدت یکسال کمپانی اجرای آن تشکیل نشود و شروع بکار نشود این امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط وباطل خواهد شد مگر اینکه جنگ یا امثال آن که مانع تشکیل کمپانی است واقع شود .

فصل چهاردهم

درصورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه وصاحبان امتیاز آن اختلاف رجوع بحکمیت قطعی مرضی الطرفین خواهد شد در صورت عدم امکان رضایت درتعیین حکم اختلاف را رجوع بحکمیت قطعی حکمی بتعیین یکی ازنمایندگان دول (آتازونی ، یاآلمان یا اطریش) مقیم طهران خواهد شد .

فصل پانزدهم

این امتیازنامه بدو نسخه مابین اولیای دولت علیه ایران و

ماژ دربا لیت به امضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت امورخارجه مبادله شده و مضمون فارسی آن محل اعتناء خواهد شد ۰

تاریخ مطابق ۲۸ رجب ۱۳۰۸) اینبود عین قرارداد یکه بین دولت ایران وانگلیس‌بسته شده بود) ۰

بالجمله حریف بیدارو هشیار پس ازاینکه امتیازاین عمل خیانت‌آمیز بملت ایران رابدین تفصیل که ذکرشد درهمان موقع درانگلستان استحصال نمود و بمقتضای آن مآل اندیشی‌واتقانی که انگلیسیها رادرکاراست براى استحکام کارخود که دیگر قابل فسخ وبدانباشد حقوق وتعهّداتی راکه بموجب این قرارد اد بر عهده دولت ایران میداشته بچندین دست نقل وتحویل داده ضمنا پای بعض دول بزرگ اروپارادرمیان کشید بخیال‌خود تا آنجائیکه اوراد رامکان میگنجد مطلب را بزرگ کردکه دولت ایران را مجال فسخ وابطال قرارداد مذکورنباشد وپس‌ازهمه‌این‌اساس بندیها و تمهید سایرمقدمات کار بفاصله هفده ماه از معاودت

موکب مسعود همایونی (ناصرالدین‌شاه قاجار) بمستقرجاه وجلال مازد رباليت و جمعی ازخارجيان بنام هيئت کمپانی این عمل به آرزوی وصل جوئی مقصودعمدمخود بااشتها ی هرچه تمامتربايران شتافتند دراثنای همین مسافرت که عبورشان به اسلامبول افتاده صاحب روزنامه اختر رابا رئيس این هيئت ملاقاتی داده ، روزنامه اختردراین خصوص مقاله ایست که عینا نقل میشود ٠

(**عین سرمقاله روزنامه اختر**): مارا باصاحب امتيازملاقـاتـی دست داد درآن ملاقات درخصوص شرايط امتيازصحبتـی در میان گذشت مومی اليه مدعی این شدکه انحصارتنباکووتوتـون درايران موجب منافع دولت وزارع وتجاراست پرسیدم که: اولا از منافع زارع شرح بیان فرمائیدکه ازاین معنی چه فائده دارنـد گفت زارع پیش ازاین محصول رابانسيه بتجار مملکت میفروخت ویا اینکه باچیت وکرباس مبادله مینمود ، و امامن پس از برداشتن محصول پول نقدخواهم شمرد جواب دادم این دعوی‌بد لیـل وسخنی ناتمام است زیراکه زارع همه وقت محصول را به نـقـد

میفروختند سهل است که بسا میباشد سه ماه پیش هم پول از تجار میگرفتند که هنگام ادراك محصول جنس بد هند فرقش اینست ۰

آنگاه مرد زارع صد نفرمشتری داشت واز روی رواج وقت مالش را بنحوی که دلش میخواست فروش میکرد حالا باید تنها به یکنفر بفروشد آنهم بقیمتی که خریدار معین میکند پس این معنی موجب مضرت گروه بزرگ شده نه منفعت آنان باز گفتم بفرمائید منفعت دولت را از این امر چیست گفت سالیانه بعلاوه پانزده هزار لیره انگلیسی ربع مداخل نیز بدولت عاید خواهد شد جواب دادم این نیز حرفی است سست وبی اساس علت اینکه دولت عثمانی درحالتیکه توتون ممالك دیگر خیلی کمتر از محصول تنباکو وتوتون ممالك ایران است سالیانه از اداره (رژی) یعنی انحصار هفتصد هزار لیره ای عثمانی میکرد خمس مداخل بدولت عاید است ببین تفاوت راه از کجا است تا بکجا حال آنکه توتونی که بخارج میرود از قید انحصار آزاد ست یعنی هم زارع میتواند بخارج بفرستد وهم تجار حتی دولت نیز به ملاحظهٔ رفاه حال زارع از زیاد کاشتن وپرورش دادن ، و تجار از

محصولیکه بخارج میرود حبهٔود یناری گمرك نمیگیرد تا دست رعیت بازشده رغبت زارع را ازکاشتن وپرورش دادن آن محصول نکاهد بنابراین مبلغی که سالیانه شمابدولت خواهید داد در جنب منافعیکه ادارهٔ رژی بدولت عثمانی میدهد وقعی ندارد یعنی اینهمه مداخل به کیسهٔ خود تنها خواهد رفت دست تجارهم کماز امروز بالمره بسته شد بعلت اینکه محصولیکه بخارج خواهد رفت نیز داخل شرایط امتیازاست معلوم استکه صاحب امتیازمبالغی بنام مخارج ومنافع انحصاربدان افزوده آنگاه بتجار خواهد فروخت که هیچکس زیربار آن نتواند رفت.

مجملا ازاین انحصار وامتیازمنافعی بملك وملت عاید نخواهد شد سهل است که خیلی مضرت وخسارت از اینرو به مملکت وارد خواهد آمدکه ازحالا تعداد آن ممکن نیست اینقدر هست که در شرایط امتیازخیلی سمج شده واسطه کار غفلت کرده است — چنانچه امروزه تنها برای انحصار تنباکوی اصفهان آن هم با ستثناء داخله مملکت چند تن ازمعتبران تجار ایران هستند که سالیانه

بیست هزارلیره به دولت مید هند پس ازاین میتوان در یافت که در شرایط امتیازآن چقد رسمج شده افسوس است که اولیای دولت بچه ملاحظه زیراین بارگران رفته اند معلوم است درامثال اینکارهاکه هنوزدرایران رواج نگرفته مأمورین بیخبرازوضع کارکه تاکنون امثال آنرادرملك خود ندیده لهذاالبتهازمیدان‌مردمان بخیل وچرب زبان وثناگوی انگلستان‌نتواند ربود معایب ومضرات این کارنه چندانست که بنوشتن تمام شود عجالتاباید سوخت و ساخت تا خدای خود بحال ملت ترحم فرماید ، این بودعین‌سر مقاله روزنامه اختر.

بالجمله پس ازهفده ماه ازمعاودت شاه قاجارازفرنگستان که مطابق رجب ۱۳۰۸ باشد هیئت کمپانی امتیازدخانیه وارد طهران شدند و بمعیت ایشان متفرقا باسم وبهانه این امتیاز مجموعا (دولك نفر زن ومرد که عبارت ازدویست هزار باشد ازمردم انگلیس‌وغیره درعرض این هفده ماه به ایران آمدند انگلیسان پیش ازاینهادرهمه جای ایران خاصه دارالخلافه خیلی زیاد

بودند اینان نیزاضافه شدند بلوایران فرنگی بازارد رست وحسابی گردید بخصوص طهران که دراین تازگی ازخارجی قیامت ومحشر شده بود بهرجا میرفتی درخانه خارجه وبیگانه دردکان بیگانه در بازارفرنگی درکوچه خارجی •

بالجمله این جماعت خارجی پس ازورد واستقراربی هیچ توانی وتعطیلی رشته شاه رامقصد اصلی خود شانرا پیش گرفته با استقبال هرچه تمامتر آغازمرحله پیمائی نمودند یعنی پس از ورود بایران و پراکندگی به اطراف بلاد محروسه هرجمعی درهر بلدی پس از استقرارازهرسو مسلمانان بیچاره رادرمها رفکنده و دانه هاافشاندند شرح اوضاع این فرنگی بازارجدیدایران در حیز تقریرو توصیف نگنجد افسوس که هرعیانی بیانی است تا بتوان مردم واپسین رادرست از اوضاع بلاد اسلام درصدر این قرن آگاهی بخشید •

بالجمله هرملت وآئین را درایران قوت یك بصد افزود مشد مگرملت اسلامراکه قوت بی اندازه بکاهید دراین بازارطهران که

پایتخت اسلام است ازهرملت حتی یهود ازچندی پیش از اینها هرصنف کسب وکاردکانها گشوده بکمال اقتدار داد وستد مینمودند بتازگی افزوده شدکارداد وستد آنقدر ربالا گرفت که دختران نورس وزیبای فرنگی که بدان وصفهای دلکش ودلربای خارجیان خود راساخته واجناس عالی وناچیز خود را بوضعی هرچه دلخواه تر بموقع نظر حیرت تماشاچیان گذاشته وبدان عشوه‌های نازنین و لهجه ولسانهای دلچسب و شیرین درکمال فتاکی و بیباکی مسلمان دلداده را باسم و عنوان داد وستد ازهرسود ربی تاراج عقل و دین بودند ،ازاین گذشته جمعی اززنان بازیگر و جمعی از زنان بدکارمخصوصا برای ترویج کسب وکارخود شان به ایران آمده وبه اطراف بلاد محروسه منتشرگشته درهربلدی خاصه‌تهران چندین تآتر وفاحشه خانه تشکیل داده وهمه روزه فوجی ازمسلمانان رابدین وسیله بدام خودکشیده مالشان سهل است عقل و دینشان راربوده رها میکردند ودرهمین طهران کهپایتخت اسلام است چندین کافه باز نمودندکه بالای سرآن کافه‌ها نوشته بودند

انواع و سائل قمار رقصهای محلّی و غیره و مشروبات الکلی در این کافه در دسترس مشتریان محترم گذارده میشود در باز از روگذر گاههای طهران شاید زیاده از صد دکان مشروب فروشی باز شده بود که مسلمانان علنا میگساری میکردند وضع ضد اسلامی در ایران چندان اوج گرفته که در این پایتخت بزرگ اسلامی آشکارا و علنا با اطلاع دولت اسلامی اسم زنان مسلمانی هستند نه کم بلکه زیاد که مخصوصا بنام بد عملی و فجور معروف و مشهورند بطوریکه اینان نیزمانند اصناف کاسب کارمملکت سالیانه مبالغی مالیات بدولت میرسانند واین زنان مسلمان را علانیه برای انگلیسها می برند و هیچکس راهم در اینخصوص اصلا تعرضی نبود ضعف ملت اسلام ازاین اندازه هاگذشته بود بااینکه از آغاز طلوع آفتاب عالمتاب اسلام تااین عهد و عصر درمیان کل ملل عالم و ظیفه دعوت گری پیوسته شعار مخصوص اسلامیان بوده چنانچه مسلم است برهمهٔ ملل دنیا که اسلامیان از روز نخستین که مهر نیر اسلامیت ازآسمان نبوّت ظهور نمود تاکنون همیشه پایه بلند شرف

وشوکت ایشان را برفرق سایرد نیا بوسیله تبلیغ آشکا را بر قرار و استوار نموده اند ۰

در این عهد و عصر د ین اسلام از آن اوج قدرت روبانحطاط وزوال آورده د رممالك محروسه ایران که با هتمام پیشوایان واقعی د ین مبین چند ین قرن است تاکنون پیوسته خطه فرمان فرمائی اسلام واسلا میان بودکار اسلامیت بجائی رسید که د رهرشهر و شهرستانی خاصه طهران که پایتخت اسلام است رسما با اطلاع د ولت وملت مسلمان مبلغین از مسیحی و غیره د رکمال ا قتدار و استقلال د رپی صید مسلمانان د امها افکنده چند ین کلیسا ، و مدارس ، و معبدگاهائیکه جزخرافات چیزد یگری نیست و ما را شرم است ازذکر افعالیکه بنام عبادت وبنام ترك د نیا وبنام ازد واج د رآنها صورت میگیرد بناکرد ند علی کل حال د رباره مسلمانان محتاج و پریشانی که ازد یر زمانی بسبب همین معاهد مود وستی ایران وانگلستان وسایر د ول استعمارگررشته معاش خود و عیال ایشان ازهم گسیخته بوده شهریه برقرارنمود ند چنانچه د ر باره

یکنفر مسلمان که دریکماه در تحصیل یکتومان عاجزاست ازده تومان گرفته تا پنج تومان کمتر مقررنکردند اینگونه دانه افشاندند تا مسلمانان رابدام کلیساهاکشانده وبه آئین مسیحی خوانند مسلمانان پریشان که ازروی حاجت وضرورت بدنبال واهمه یک دانه عظیم شمردند این شد که همه‌روزه‌بکلیساها حاضرشده تعلیم آئین مسیحی گرفتند و درس انجیل خواندند وبه پیروی مسیحیان بآن مسیحی پرستش نمودند ۰

بالجمله درجهٔ ذلت وضعف مسلمانان وپایهٔ اقتدار خارجیان درایران جزکه بالعیان مشهود میشد وگرنه گفتاروبیان وشرحش وافی نتواند بود دراین پایتخت بزرگ اسلام درمقابل ایستگاه راه مین حضرت عبدالعظیم (ع) درمحضر جمعی ازمسلمانان یک نفر خارجی که باید جزیه بمسلمانان بدهد ازروی اهمال گری دولت یک سیلی محکمی بیکی ازمسلمانان زدتامدتی گوش سیلی خورده کربود خارجی مذکورازآن غروریکه داشت بدین سیلی قناعت نکرده درحضوراینهمه خلق زبان بهرزه گوئی گشودکه حالا برو

نزد فلان‌زن که میخواهی شکایت کن مسلمان بیچاره‌که میدانست باچه شخصی طرف است اصلاهیچ نگفت‌علاوه همه خلق خارجی که درایران گردآمده بودند بر روی هم رفته هریکی برای‌خدمت وکارچندین نفرزن‌ومرد ومردم مسلمان رااجیرکرده خاصه زنان مسلمان‌راکه‌برای خدمتگاری ودایگی اطفال باشهریه و مواجب گزافی بخانه های خود برده بودندچنانچه این طهران از هر کوچه که میگذشتی یك زن مسلمان بچه خارجیهارا بغل گرفته بساهم میشدیکی‌دیگرید نبالش‌بزبان‌فارسی ننه‌گویان میدوید این مردم ستمدیده‌ایران‌که‌ازناچاری بخدمتکاری خارجیان‌استخدام شده البته معلوم‌است‌که مایه وثروتی نداردوالا بدین بدبختی تن نمی داد.

بالجمله آندرجه انحطاط وضعفی که اسلام واسلامیان‌رادر این قرن روی داده وآن طرحی که خارجیان برای استثمار از ایران پیش‌خود ریخته وبدین وضع ایران پیش‌آمده بود هرگاه لطف خداوندی تدارك نفرموده بود وچندی بدین وضع تیره بر

ایران گذشته بود هرآینه عنقریب اسمی از ایران و اسلام بجا نمانده بالمره محومیشد، ازمطلب قدری دورافتادیم .

بالجمله رجب ۱۳۰۸ هیئت کمپانی امتیاز دخانیه وارد طهران شدند اگرچه اصل معامله این امتیاز راچنانچه ذکرشد رئیس الوزراء در انگلستان گذرانیده و همانجاقرارداد بسته شده بود صاحبان امتیاز در اینخصوص التزام ازدولت گرفته بودند ولی چون قرارنامه اینعمل هنوزبامضای اعلیحضرت وسایروزرأ دولت نرسیده بود .

صاحبان امتیاز پس ازورود بطهران چهارصد هزارتومان به عنوان تعارف بضمیمه آن چرب زبانیها محیلانه حضوراولیای دولت تقدیم داشته تا سایررجال دولت را بدین وسیله همراه ساخته امتیازنامه را بامضای اعلیحضرت همایونی وسایروزراء ختم و حتم نمودند این شد که در همان رجب قرارداد امتیاز ازجانب دولت رسما بتمامی ایران اظهار و اعلان شد .

مردم ایران را رأسا ازاین امتیاز آگاهی دادند قصد اجرای

این چنین کاری همان اوائل معاودت شاه ازانگلستان فی الجمله انتشار یافته بود ولی ملت ایران ازاینکه اقدام برچنین کاریرا از غیرت وطن پرستی اولیای دولت بعید شمرد مقصد اجرای اینچنین امتیاز ناحق ونا روائی را در بلاد اسلامی افسانه میپندا اشتند هیچگاه بدین شایعه گوش قبول وا ذعانی فرا نمیدا اشتند اکنون که قرارداد رسمی از طرف دولت بتمامی مملکت اعلان شد ملت ایران ازپرده پوشی وحقه اینعمل آگاه شدند آنچه را بشوخی وبازیچه میگرفتند بجدی هرچه تمام ترد مشیرنرا زکار درآمد این شد که نظراعتنای ملت ایران یکدفعه بدین سوی متوجه گردید کم کم رشته سرا پا فساد قرارداد ننگین دخانیه بدست ملت افتاد هرصنفی ازمردم بمناسبت حال وفکرخود بمفاسد آن پیبردند

خاصه اصنافیکه طرف داد وستد دخانیه بودند و سالیان درازی رشته زندگی خود و خانواده شان بدینعمل پیوسته بود این مردمان حال آنکه یك پنجم مردم مملکت میباشند پس ازآگاهی یافتن ازقرارداد امتیازدخانیات کل ایران بین ایران و انگلیس نیز مانند سایراصناف صنعت گرو تجارمملکت دست از کار کشیده

و اعتصاب نمودند درنتیجه چون اعلان کردند علت اعتصاب چیست خلق عمومی ایران خود رادرموج حادثهٔ بزرگی یافته هم فکری خود را با اصناف اعلام نمودند ازآن طرف کمپانی امتیازنیز شروع بمقدمات کارنمود نخست نقطه حساس ومرغوبی رادرحوالی ارك که معروف بباغ ایلخانی بود بمعادل چهل‌وچهار هزار تومان خرید و بمعادل یکصد وپنجاه هزارتومان‌علاوه‌نیزساختمانی عالی بناکرد وبرای تمامی شهرستانهای ایران بفراخورحال‌یك هیئتی مرکب از نمایندگان کمپانی تشکیل داد و نخست به شهرستان شیرازکه حاصلخیز ترین اجناس دخانیه است ابتداء نمود مخارجیانیکه نام زد شهرفارس بودند باسفارش دولت‌که مخصوصا برحکومت فارس حکم اکیدی درخصوص پذیرائی گرم و شایانی‌ازوکلای کمپانی وکمال مساعدت براجرای مقاصدآنان صادرشده بود ازپی اجرای مقاصد شومشان بشیرازحرکت‌کردند قبل از ورود نماینده کمپانی این خبرد رسراسرشیرازانتشاریافت مردم با حالت وحشت زده از هرسو بطرف علمای‌عالیقدر راسلام

رفتند علمای هربلد بصلاح دین و دولت نمایندگان کمپانی را خواستند این بود که بدین جهت حکومت شیرازرا تاچندی ممکن نشد که مقدم میهمانان عزیز شان راحسن پذیرائی نمود وبرای آنان تشریفات استقبال ورود فراهم آورد ٠

لهذا خارجیان تاچندی دور از بلد شیرازاقامت گزیده تا حکومت شیراز شرح واقعه رابدولت اطلاع داده ازجانب دولت حکومت را دستورالعمل رسید که حضرت حجة الاسلام حاج سید علی اکبرراکه ازبزرگان شیراز بودند وایشان هم یکی از مخالفین سرسخت باکمپانی وکلیه خارجیان بودند عذرا قامت ایشان را خواستند واین معنی چون حکومت را علناممکن نبود یکی از سرسپردگان انگلیس که خودعداوت دیرینی باحضرت ایشان داشت تدبیری اندیشید که این خدمت را او متعهد گردد و بهشیراز حرکت کرد و درشیراز که رسید دستورداد سید بزرگرا تحت نظر داشته باشند شاید درچنین حالی ظفر یابد ٠

قضارا روزی سید بزرگوار برحسب معمول بتنهائی مشغول زیارت

عاشورا در صحرا بودند ناگهان جناب سید را چند سواری در رسیدند و بتعجیل هرچه تمامتر جناب سید عالم بزرگوار را با وصف آن پیری وشکستگی بهمان حالت که بوده اند براسب سوارشان کردند و یکی از سواران نیز ردیف ایشان سوارشده و بشتاب تمامی از بیراهه بسمت بندربوشهر روانه کردند تا یکچندی راه راد و منزل یك منزل کردند جناب سید را بوضع اسیرانه و بحال ذلت و حقارتیکه سلسلهٔ علماء را مایهٔ مباهات وموجب مزید شرف وافتخار است همه جا برده تا وارد بندر بوشهر نموده وبهمان حالت تسلیم حکومت میدهند •

ولی حکومت بوشهر گذشته ازفطرت اسلامیت نظر برخلاف رضای دولت و منافی مقاصد مملکت داریت سخت مؤاخذه داشته ود رحسن پذیرائی جناب معظم ازهیچگونه تعظیم واحترامی الحق فرو گذاری نکرده و جناب سید که از رنج سفر خلاصی یافته یکچندیرا مکرما دربوشهر اقامت واستراحت فرموده تا اینکه اطرافیان ایشان ازحال ایشان آگاهی یافته خود شانرا پس ازچندی در

بوشهربد یشان پیوستند و ازآنجا مستقیما بجانب سامره که ناحیه مقد سه امام زمان صلوات الله وسلامه علیه و امروزه مستقر بیت الشرف نائب امام " ع " حضرت آیة الله العظمی حاج میزا محمد حسن شیرازی است عزیمت نموده حقیقت مردم شیعه را بدین نعمت بزرگ هزاران شکر لازم است ٠

قرنها گذشت بسبب اراذل و اوباش عرب که بالطبع چون بوم شوم مسکن ومنزلگاهی جز ویرانه نپسندیدند این شهر مقدس ازشیعه بکلی مهجور وبائرمانده بود ولی ازیکچندی باینطرف که حضرت آیة اللهالعظمی رئیس علمای اسلام ادام اللهتعالی ظله العالی علی رؤس المسلمین شرف مجاورت این مشهد مقدسرا اختیار فرمودند بحمدالله تعالی سامره بمیامن وجود مسعود مبارك آنجناب قبله گاه تمامی شیعیان وقبة الاسلام روی زمین و مجمع اعاظم علماء وفضلاء عصرو مهبط بزرگان اسلام گردیده است

این بود که حضرت حجة الاسلام سید علی اکبرازبد حادثه آنجا به پناه آمدند والحق بموجب اصلاح ملی که در این خصوص در

سامره یافته ایم جناب سید درورود به سامره زیاد ما زآنچه شأن بلند امثالشان راد رخور بوده ازطرف رئیس العلماء آیة الله شیرازی وسایر علماء اعلام که درحوزه مقدس حضرت آیة الله شیرازی مشرفند درخور هزاران تکریمو تعظیم واقع شد ماند .

جناب معظم اکنون بارشانرا بمنزل رسانید یم برگرد یم بسر وقت میهمانان عزیز وگرامی دولت(یعنی ماژدربالیتم)وهمراهانش که بیرون از شهرشیراز سرگشته وبه انتظارفرصت ورخصت رسیده اند .

بالجمله کسان سید که مواظبت حال ایشان راازدورمیکردند همینکه حمله سوارانرا بسوی جناب سید مشاهده کردند مقصود شوم آنانراد ریافته بتعجیل هرچهتمامترروبشهرشتافتهطرفداران سید راکهتمامی مردم شیرازبودند خبردارنموده ولی مردم وقتی بمقرسید جلیل که رسیدند خبری ازسید نبود .

بالجمله ازخبر و انتشاردستگیری سید معظم بمراظطراب عمومی یک چندی افزوده شد خلق شیراز ازعالم و عامی واسلاما

گویان د رحمای محترم امامزاده عظیم الشأن حضرت احمد بن موسی علیهم السلام که معروف بشاه چراغ است مجتمع شده شورش و غوغای عظیمی د رشهر شیرازبپاگردید ولی ازحال جناب سیدکه بکدامین سمت ایشانرا روانداشته ویا نقداجنابشانرا جائی پنهان نموده اند تا بعد ازفرونشستن این غوغا روانه سازند هیچکس را اطلاع وآگاهی نیست ازآنطرف حکومت شیرازازاین هیجان عمومی سخت مظرب و پریشان گشته کارگذارمومی الیه که سرمنشاء تحریک این فتنه بوداز این معنی سخت هراسان شده نقدا تسکین این آشوب راچاره وعلاجی نیافته جزاینکه سواران وحشی وخون آشام مهاربوده که د راطاعت وفرمان اوبودند تا شورشیانیکه د رحمای محترم شاه چراغ جمع آمده بودند با تیر تفنگ پراکنده دارند این مرد م دورازانسانیت سبع آساتریکدفعه اینهمه خلق مسلمان را هدف گلوله قرارداده جمعی راد رآن میان کشتند وسایرین نیز پراکنده شدند ۰

روزدیگرازاین آشوب اثری نبود حکومت بتلافی وتدارك گذشته

برتشریفات مهمانان عزیز خارجی افزوده فرنگیان باشوکت وشکوه هرچه تمامتر برغم مسلمانان وارد شهرشدند واین واقعه ملال انگیز شیراز اولین فتنه بود که از این فتنه امتیاز برا سلام واسلامیان واقع شده واز این پس کمپانی امتیاز وکلای خود را نیز بسایر ممالک محروسه روانه داشته ودر اکثر شهرستان ایران نیز بسبب وحشت و اظطرابی که مسلمانان را در این خصوص بود و ورود خارجیان تا یکدرجه خالی از اظطراب نبوده هرچند بالاخره باقدام حکومت هرمحل هرجا برغم مسلمانان بیچاره فرنگیان با شکوه هرچه تمام تر وارد شدند بلی جز مملکت آذربایجان که عموم مردم وخاصه علمای اسلام تبریز مخصوصا جنابان مستطابان شریعتمدار ان حاج میرزا جواد آقا و حاج میرزا یوسف آقا مجتهدان مسلم القولان تبریز الحق برحسب وظیفه ومنصب بزرگ خود شان در مقام خیرخواهی ملت و دولت اسلام از هیچ روخود داری نفرمودند ، در آغاز تا انجام در امتناع پذیرفتن اینگونه تکلیفی که منافی مقاصد دین و ملت بود بپای مقاومت ومردانگی ثبات رسانیدند و هرچندیکه دولت

در این خصوص اصرار نمود، ایشان نیز زیاده از آن بر اصرار و امتناع خود افزودند که بالاخره بملاحظات چندی بنا براین شد علی‌العجاله آذربایجان را از این تکلیف معاف دارند ولی پاره حرکات مزاحم عمومی دولت را فراهم داشته که از آذربایجان صرف نظر ننموده برای گوشمالی عمومی مردم ایران خواهی نخواهی اجرا دارند.

بالجمله از آذربایجان گذشته در تمامی ممالک محروسه حکام محلیه بلاد و وکلای کمپانی را با مرد ولت بااحترام پذیرائی نموده وارد ساختند خارجیان وکلای کمپانی در هربلدی پس از ورود نخست بضبط املاک اقدامات مجدانه بکاربردند تا بهر وسیله ممکن بود در بهترین نقطه هربلدی نقاط خوب را ضبط و تملک نموده و مسلط برشهر شدند و این معنی همه جا تا یکدرجه منشاء وحشت واظطراب عمومی گردید.

بالجمله نخستین وظیفه ومأموریتیکه ازجانب کمپانی امتیاز در حق وکلاء معین بود اینکه بزودی هرچه زودتر تمامی اجناس

دخانیه موجود ممالك محروسه رااز جزئی تاکلی همه را ضبط واستیفا داشته که من بعد در تمامی ممالك محروسه فروش کلی وجزئی این اجناس مخصوص اداره کمپانی باشد وبس.چون این معنی برای مسلمانان از جهاتی موجب خسارتهای کلی بود ٠

لاجرم در خصوص اجرای این مأموریت در هر بلد از طرف عموم مردم شورش و غوغای عظیمی برپا شده مایه ابتلای حکومتهای محلیه گردید این شد که برای رفع این غائله واسکان شورش وهیجان عمومی از جانب دولت مقرر گردید که وکلای کمپانی یکچند ماهی دست از خرید داشته تا تجار مملکت معاملات سابقشان را صاف کرده محاسباتی که در اینخصوص دارند بردارند ٠

تا این چند ماهه مهلت علی العجاله برای مسلمانان فرجی بود تا در مقام چاره برآیند معلوم است چارمود رمان این گونه دردهای عمومی مملکت ایران علمای واقعی ملتند لاجرم اصناف مردم عموما در هر بلد روی شکایت بدرخانه علمای ملت بردند علمای اعلام ملت نیز پس از آگاهی ازوضع فساد آمیز این عمل بمناسبت وظیفه و منصب

بزرگ خود شان که پاس نام و ناموس اسلام راد رعهد ه دارند به دلالت خطرها همه به چاره سازی با پیش بینی وموشکافی بنظر بزرگ مفاسد این عمل امتیازکه د رحقیقت باب الا بواب مقصد اصلی مردم انگلستان بود ر سید ه برحسب وظیفه وتکلیف خود شان د راند یشه چاره افتاد ند ولی ازآنکه ملت راد رایران آبروی د رستی بجا نماند ه بود تاکلمهٔ علمای ملت راوقع و نفوذ ی د ر د ولت تواند بود ۰

لاجرم علمای اعلام ایران ازپی چاره بهرد رشتافتند د ر این خصوص روی استغاثه بحضرت علامه آیة الله العظمی رئیس العلماء حاج میرزا محمد حسن شیرازی برد ند حضرت آیة اللّه تعالی فی العالمین آقای حاج میرزا محمد حسن ارواحنافد اومتع الله المسلمین بطول بقائه که وجود مسعود مبارکشان د ین قویم اسلام راد راین قرن همانا رکن اقوام و عماد اعظم است چنانکه آگاهی یافتگان وحال جنابشان رامسلم است تعرض داشتن بوظیفه و غیر وظیفه هرچه وصاحب وظیفه هرکه باشد بکلی منافی وضع و مسلك ستود ه بیطرفانه است که جنابشانرا د رنخست پسند ید ه و

تاکنون پیشنهاد خاطرمبارك گردیده است خاصه تعرض داشتن بدانچه از وظیفه دولت باشد که هرکس را فی الجمله از حال جنابشان آگاهی باشد معلوم ومعین است که کارش وکوشش باد ولت را تا چه پایه بیرون از وضع و وظیفه میدانند واین بود که تا این واقعه از آنجناب مداخله با دولت در هیچ امری از امور ملکی ونوعی مملکت اصلا معهود نیفتاده است وگذشته از این که وضع ومسلك آنجناب با تقاضای اینگونه اقدامات نیست کثرت بیرون از حد هرگونه مشاغل و مهام مراجعات هرصنف مردم را با آنجناب چنان اوقات فرخنده خجسته ساعات گرامشان را مستغرق انجام مهام مسلمانان دارد که هر ساعت وزمانی پیش فروش مسئول چندین نیازمند واقع شده و باز هم باهمه این استغراق و استیعاب وقت بسیاری از مهام لازمه مسلمانان در آنحضرت سرگشته وبانتظار فرصت ونوبت نشسته است اینگونه گرفتاری از آنجناب بدین مشغولیات مهمه علی الخصوص با این پیرایه دقت واتقانی که جنابشانرا درکار است که حقیقت این یکی از اخص خصایص آنجناب باید شمرد که باوجود این

ا عاظم علمای اکابر فضلاء که گوهروجود افروزند ه هریکشان الحق چون مهرد رخشان عالمی راد رخشان وفروزان میتواند داشت و همگی این بزرگان د رمجمع شریف حضرتشان چون بندگان گوش بفرمان حاضروقابل هرگونه خدمت وارجا عند بازهم ازنخست تا کنون فرض ذمه واتفاق حضرتشان دانسته اندکه همه این مشاغل ومهام راباین ضعف مزاج وانحطاط قوای بدنی بنفس نفیس مقدس خود انجام ورسیدگی فرمایند که این معنی حیرت افزای عقول بزرگان جهان است .

بالجمله باوصف اینکه بشرح آمد معلوم است دیگرامورومطالب ملکی ونوعی دولت و مملکت راد رآنحضرت نوبت مجال تصوروخیال نتواند بود چه جای آنکه خود راطرف عنایت و اهتمام آن حضرت تواند نمود .

ولی باهمه این د رخصوص این داهیه عمومی عظمی که فریاد وفغان تمامی اهل ایران رابراطراف عالم منتشرساخته بود کثرت عرایض شکایت آمیز و اغاثت انگیزی که ازاطراف ایران هرصنف

مردم خاصه علمای اعلام کثرالله تعالی امثالهم در شرح مفاسد این حادثه معظم واین فتنه عظمی و رفع این غائله مداخله فرنگیان دربلاد اسلام که فتح باب بزرگی بود برای اختلال نظام شریعت بلکه انهدام واضمحلال اصل اساسی ملت اسلام تصمیم وعزم فرموده تاآنجائیکه امکان رارسائی باشد عنایت واهتمام فرمایند این بودکه مطلب رادررشته طبیعی خودآغازکرده چنین افتاد که در (۱۹) ذالحجة الحرام سنه ۱۳۰۸ تلگرافی متضمن اشعار و اخطار نتایج ناگوار این کار بتوسط شاهزاده نایب السلطنه‌به حضور اعلیحضرت شاه انفاذ فرموده وتلگراف دیگرنیز به خود شاهزاده نایب السلطنه که درپیشرفت مقصود ملت ایران ازهیچ رو فروگذاری ندارد فرمودند.

صورت تلگراف مبارک بحضور همایونی

بسم الله الرحمن الرحیم

بتوسط شاهزاده والا نائب السلطنه اعلیحضرت اقدس

شاهنشاه خلد الله ملکه اگرچه احقر تاکنون درمقام تصدیع بر نیامده ودر امورات مملکتی دخالتی نکرده ولی نظر بتواصل اخبار بوقوع وقایعی که سکوت ازآن خلاف رعایت حقوق ملت و دین ودولت است معروض میدارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه ورفت وآمد آنها با مسلمین و اجرای عمل ننگین امتیاز تنباکو وغیرها ازجهاتی چند منافی صریح قرآن مجید ونوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی ملت است چنانکه واقعه شیراز وقتل جماعتی و جرح عدهٔ ازمسلمانان درحمای احمد بن موسی علیهما سلام و هتك آن بقعه مبارکه وتبعید جناب شریعتمدار حاج سید علی اکبرحفظه الله تعالی بوضع ناشایسته نمونه ازنتایج این اموراست البته مفاسد این امورازنظر همایونی نگذشته والا خاطرهمایونی راضی باجرای این امور نمیباشد احقرهم رضا نمیدهد این امور که مفاسدآنهارا دراعصار لاحقه دامن گیرملت ودولت و دین است اجراگردد رجاء واثق دارم این مفاسد را باحسن وجه تدارك

و جناب حاج سید علی اکبر حفظه الله تعالی راکه اکنون پناهنده این ناحیه مقدسه سامرای است بتلافی اینمورد عواطف شاهانه قرار دهند .

صورت تلگراف مبارك بنائب السلطنه

ملك زاده اعظم نائب السلطنه تلگرافی با علیحضرت شهریاری مخابره شد ازلحاظ انوربگذرانید جواب هرچه دادند ابلاغ نمائید.

صورت جواب تلگراف نائب السلطنه

طهران بقصر ــ جواب حضرت مستطاب افتخار المجتهدین حجة الاسلام والمسلمین حضرت آیة الله العظمی آقای حاج میرزا محمد حسن دام افضاله علی رؤس المسلمین ، تلگراف حضرت مستطابعالی واصل از صحت مزاج وهاج حضرت آیةالله قرین کمال مسرت وشعف شدم الحمد لله آنوجود فایض الجود شریف سلامت هستند تلگراف آنحضرت را با علیحضرت شاه ابلاغ نمودم جواب فرمودند ، چون مفصل است با پست نزد مشیرالوزاره در

بغداد فرستاده میشود بحضرت مستطابعالی میرسانند جواب مشروح اینجانب بوسیله پست سفارشی بملاحظه حضرت مستطاب عالی خواهد رسید ۰

نائب السلطنه امیرکبیرفی ۷ محرم ۱۳۰۹ ۰

ضمناخان کارپرد ازسمت مأموریت خاصه یافته که به حضور حضرت بندگان آیه الله شیرازی شرفیاب شده محرمانه شرحی از مراتب الجاء دولترابدین عمل شفاها بعرض حضورمبارك رسانیده وتا میتوانستند امتناع فسخ و ابطال این عمل واسباب چنین برای صرف خاطر آنحضرت ازاین خیال مبالغه نموده است تفصیل ــ معروضات خان کارپرد ازازاین قراربوده ۰

اولا برحسب تقاضای تغییرجهان و حوائج ایران ونقایص ایران درمقابل استعداد همسایگان درمقام حفظ استقلال خود باکران افتراحات دولت طمع کاروقوی پنجهٔ روسی چاره اصلاح مملکت منحصربدین یافته که بادول اروپا ازدرسازش درآمده خودرا درپناه حمایت دول قوی شوکت درآورده تابلکه بدینوسیله

ازپارهٔ خطرات مصوره مصون ماند واین قرارداد اگرچه به ظاهر منافی مقاصد مملکت نمود ارگردیده چون درباطن و حقیقت عین صلاح مملکت است اظهارکمال مساعدت وهمراهی فرمائید ·

ثانیا دولت ایرانرا امروزه تکلیف مملکت داری معین است، باید فکرتکمیل نقایص لشگری وکشوری وسود آنی فراغت نجوید و معلوم است بااین نقصان اقتصادی که درمملکت ماهست ، ما احتیاج بکمك اقتصادی دولت انگلستان داریم لهذا مجبور به بستن قرارداد مذکور شدیم ·

ثالثا مرحمتی دولت که باتوشیح اعلیحضرت پایان یافته آنهم بدولت بیگانه سزاواربرگشت نیست ·

رابعا فسخ وابطال اینعمل دولت رااکنون ازحیز قدرت و امکان بیرون شده است بجهت آنکه دولت انگلیس تاکنون این معامله رابچندین دولت خارجی واگذارده ·

خامسا اگر برفرض بحال فسخ وابطال امتیازممکن باشد چندین کرورضررد ولت است وحال آنکه نزد دولت ایران ازیکتومان نمیشود

اسم برد .

بالجمله حضرت آیة الله شیرازی فرمودند در جواب خان کارپرداز که نگذارید کارتان بآنجاکشد که وقتی ملجاء شوید بخواهید دست توسل بدامن ملت بزنید که ملت را دیگرد امنی بجا نمانده باشد . هنوزتاوقت باقی است اگردولت رادرحقیقت دفع این غائله ممکن است بملت واگذارکند تاملت درصدد دفع و رفع این غائله برآید ، دولت اگراز عهده جواب نتواند برآید ملت خود ازجواب حسابی عاجز نیست .

بالجمله این اقدام رئیس علمای ملت دردی ازمسلمانان بیچاره دوا نساخت ، وکلاء کمپانی بمساعدت دولت غدغنهای عجیب واکیدی نمودند ،که ازاین تاریخ ببعد هیچکس نمیتواند اجناس دخانیه خود را بغیرکمپانی جزئی وکلی بفروشد وهیچکس نمیتواند بخرد درهرنقطه ازبازار ومحل کسب مأمورین خاص گماشته شده بودکه تخلف ازقانون نشود ودرآن موقع مأمورین مردم را موظف میکردند که جنس رامطابق قیمتی که دلال می نمود

بفروشند لهذا بین مردم وصاحبان امتیاز نزاعهائیکه گاهی منجر بحبس عده ٔ ازمردم میشد درمیگرفت .

لاجرم مسلمانان چشم امید ازجانبداری دولت درحق خود برگرفتند ، این شد که بسیاری ازمسلمانان غیرتمند که تن بزیر بار گران اینگونه وبحکم واجبار دولت انگلستان بوسیله عمال جنایتکارش نداده مالهای خود شانرا درنهانی بفقراء مجانا تقسیم نموده و بعض دیگر که غیرت اسلامیت درکانون سینه آتشها برافروخته بودند اموال خود را بآتش سوزاندند .

چنانچه یکی ازمعتبران فارس که صاحب املاك ومزارع بسیار بود دراین واقعه دوازده هزارکیسه تنباکوی موجودی درانبار داشته ودرخصوص قیمت بدانچه کمپانی میدهند راضی نشده بالاخره آنروز مهلت گرفته فصل معامله رابفردا انداخته و همان شب تمامی دوازده هزارکیسه تنباکورا ازانبار بمیان زمین وسیعی برده و نفت زیادی برروی آنها ریخته ویکسره آتش زده است فردای آنروز کمپانی درطلب تنباکو میآید میگوید کارتنباکوها گذشت همه

را یکسره فروختم ،کمپانی افروخته شده ومیگوید با غدغن بودن فروش بدیگری چطور فروختی و بکی فروختی تا ازاوگرفته شود واورادر زندان خواهیم افکند کمپانی را برتل خاکستر آورد وصاحب تنباکو گفت این تمامی دوازده هزارکیسه است که برخد افروختم اینك دریافت و مواخذه کن باهمه این یکچندی نشد مگر اینکه درتمامی ممالك محروسه آنچه ازاجناس دخانیه بود صاحبان امتیاز درتصرف خود درآورد ندکاربدینجاکه رسید یکباره انقلاب کبیری ازبین مردم ایران برخواست وفریاد استغاثهای خود راتا بناحیه مقدسه سامرای بحضرت آیت الله شیرازی رسانیدند ایشان پس ازآن تلگراف نخستین درانتظارجواب تلگراف که بنا بود مکتوبا بنزد حضرتشان ازطرف شاه فرستاده شود ماندند چون جواب نرسید احتمال دادندکه بعضی‌ازکارگردانان ممکن است که تلگراف حضرتشان با علیحضرت شاه ابلاغ نکرده باشند ،و یا اینکه شاید تلگراف مذکور وافی درشرح مفاسد نبوده تلگراف دیگری که عینا مینگاریم‌بتوسط نائب السلطنه‌بجهت شاه‌فرستادند

(عین تلگراف)

اعلیحضرت اقدس شهریاری در باب مفاسد مداخله خارجه در داخله مملکت ایران بعرض رسانید جوابی ازطرف اولیای دولت نقل نمودند که کاشف بود ازآنکه بمفاسد اجرای این امور حق التفات نفرمودند و چون اغماض ازآن منافی رعایت حقوق اسلام و ملت مسلمان بود لهذا ثانیا بعرض میرساند که مفاسد انفاذ این اموربمراتب اعظم ازمفاسد صرف نظر ازآنها ست کدام مفسده بااختلال قوانین ملت و عدم استقلال مملکت وتفرق رعیت ملت برابری میکند چگونه میشود که درقرون ومتطاوله اولیای دین مبین شکرالله تعالی مساعیهم اتلاف نفوس وبذل اموال در راه اعلای کلمه اسلام فرمودند باندك فائده یا ترقب وترتب مفیده از تمام اغماض نموده وکافرین را بروجوه معایش وتجارت آنها مسلط کرده تابالاظطرار با آنها مخالطه ومراوده کنند وبخوف یا رغبت ذلت نوکری آنها رااختیار نمایند کم کم بیشترمنکرات شایع ومتظاهر شود ورفته رفته

عقاید شان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته خلق ایران بکفرقدیم خود برگردند البته شدت اظطراب و وحشت رعیت و استنکاف علمای اعلام راد رانفاذ اموربعرض نرسانده وبردولت اغفال نموده اندکه این امورقابل انفاذ نیست ونخواهد شد هر چند منجربا تلاف نفوس شود والا ازحزم خسروانه معمول نبوده رضا دهند رعیت که فی الحقیقه خزانهٔ عامره دولت میباشند بالمره ازوجوه تجارات و مکاسب خود مسلوب الاختیا رومقهورکفار باشند بدیهی است اولیای دولت راازاجرای این امور مقصد دیگری غیرازترقی درکاراست مامول عنایت اعلیحضرت چنانست کهمطالب مذکوره راباتامل ملحوظ نظرگردانیده ودرجمع قلوب رعیت بذل مرحمت فرمایند ۰

محمد حسن حسینی

پس ازاین تلگراف بفاصله چندی ازجانب اعلیحضرت همایونی جوابی تلگرافا بحضور حضرت آیهالله العظمی رسیدکه عینا نقل میشود۰

صورت تلگراف

ازطهران بقصرحضرت مستطاب شریعتمدار حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزامحمدحسن شیرازی تلگراف شماملاحظه‌شد تلگراف سابق فرموده بودید جواب آنرامفصلا بتوسط میرزامحمود خان مشیرالوزاره وکارپرداز سابق بغداد را فرستادیم‌البته‌تمامی را خاطرنشان حضرت آیت الله نموده است ٠

چون جواب تلگراف حضرت عالی مطول است لهذا بهتراست باپست فرستاده شود بجناب امین السلطان فرمودیم جواب مارا بزودی باپست بحضرت‌عالی بنویسد البته بعدازملاحظه آنها بحضرت آیت الله ثابت خواهد شدکه دولت ما هرگزشأن‌واستقلال وناموس وآزادی رعیت خود را بدیگران نداده است و درکمال سعی نگاه داشته وخواهد داشت انشاءالله ٠

ونیز تلگرافی ازحضرت والا نائب السلطنه بدینصورت رسید جواب تلگراف حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین ــ

آیت اللّه فی العالمین آقای حاج میرزامحمدحسن شیرازی‌سلمه الله تعالی ،حضرت آیه الله تلگراف آن جناب رافورا به نظر اعلیحضرت اقدس همایونی روحی فداه رسانیده بدست خط همایونی جواب صادرشده تلگراف شد .

نائب السلطنه امیرکبیر

ازجمله جواب مفصلی که درتلگراف همایونی ذکرشد مکه‌باید جناب آقای امین السلطان بفرستد اصلا دراین خصوص از قرار اطلاع‌کاملی که بدست‌آمده جوابی ازطرف امین سلطان به حضور حضرت آیة الله العظمی نرسیده مینماید مطالب اینجواب همان جواب بی خاصیتی است‌که درتلگراف سابق جناب اجل اکرم امجد والا نائب السلطنه امیرکبیرمذکورشده بودکه حضرت اسلام پناهی چندی بانتظاروصول جواب ساکت نشسته تااینکه بالاخره مأیوس شده اند . بلی آنچه که مطلعیم یك دو مکتوبی که صورت آنها درموقع خود نقل میشود ازطرف امین السلطان به آنحضرت فرستاده شده ولی نه دراینخصوص .

بالجمله ازاین اقدام حضرت آیةالله نتیجه حاصل برای رفع ظلمیکه ازطرف دولت وکمپانی بملت مسلمان ایران وارد آمده بود نشد و وکلای کمپانی دربلاد محروسه اسلام ازکارضبط واستیفای اجناس دخانیه موجود فراغت جستند زمان تنباکو مزروعی مملکت نزدیک شدکارچندین هزارمالک راساخته بفکر تباه کردن روزگار زارع مملکت افتدند ، شرح ظلم وجنایتیکه ازطرف کمپانی وحکام محلیه برمسلمانان زراعت کاروارد آمده که قلم ازشرح آن عاجز است .

بالجمله ازاین وضع رفتارخارجیان خاصه باآن رتبه اقتدار و استقلالیکه دراین اواخر درتمام ایران یافته بودندکارازهــر جهت برمسلمانان ایران خیلی سخت شده هرکس رااین زندگی ملال انگیزخیلی ناگوار گردیـد بخصوص آنهمه خلق مسلمان کـه طرف دادوستد این اجناس دخانیه بودندورشتهٔ زندگیشان بدین عمل بسته بودودیگر ازاین ببعد مردم زارع ومالکین دخانیه بیرون ازخانه نمیتوانستند بیایند علمای ملت نیز که درایران پناه

ملت زجرد یده مردم بودند درصدد چاره برآمدند نتیجه‌حاصل برای ملت این شدکه تلگرافات رئیس علمای ملت اسلام در این خصوص در دولتیان اثرخیر ونفعی نبخشد ، بالجمله درتمامی ممالك محروسه خصوصا دراصفهان درنفوذ کلمهٔ ملت ومتابعت علمای اسلام فی‌الجمله امتیازواختصاص است لهذا علمای اصفهان درصدد چاره برآمدند ، هرچند دراینخصوص باهم اندیشیدند بالاخره این داهیه عظمی رادفع ورفعی جزبقیام آیةاللّه‌شیرازی ندیدند دراین اثناء که علمائی بفکرچاره افتاده بودند از طرف امین السلطان تلگرافی راجع باستخلاص آقای حاجی سید اکبر که بعنوان دفاع ازحقوق حقما سلام ومسلمین تبعید شده بودند بنجف مخابره شد .

تلگراف امین‌السلطان

سامرمیانجف اشرف جناب مستطاب فخرالسادات والمجتهدین حاجی سید علی اکبرمجتهد سلمه اللّه تعالی ذات کامل‌الصفات مبارك ظل اللهی روحنافداه ازفرط اشفاق قلبیه مایل ملاقات

جنابعالی وبذل ملاطفت های حضوری ودرك لقای جنابعالی شده مقرر فرمودند باکمال احترام زحمت دهم که انشاءالله پس ازوصول این تلگراف حرکت وازراه کرمانشاهان مستقیما بدارالخلافه طهران عزیمت فرمائید ۰

امین السلطان ۰

ضمنا نامهٔ ازطرف امام جمعه تهران درخصوص آزادی حاجی سید علی اکبر بحضور آیة الله شیرازی فرستاده شد وجواب نامه ازطرف آن حضرت برای امام جمعه ارسال شد ۰

چون آیه الله شیرازی درضمن نامه خود با مین السلطان اشاره کرد امین السلطان فرصت راغنیمت شمرده خدمات خود را برای آیة الله شیرازی مینویسد ۰

صورت نامه امین السلطان

حضور مقدس شریعت آیت حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین غوث الملة والدین افتخارالمجتهدین کهف الاسلام ملاذ الانام آقای حاجی میرزامحمد حسن شیرازی مجتهد عصر

والزمان دام افضاله مشرف شود ، حجة الاسلاما قبله وامیدگاها
چون بمقتضای ارادت نظری و تکلیفی همواره وسیله جو بوده ام
که مدارج خلوص وارادت معارج اخلاق وصدق نیت مکنونه
مکنونی خود رادرحضور شریعت و میمنت مسعود حضرت مستطاب
عالی ادام الله افضاله تعالی علی البریه بمقام شهود وظهوربر
آورده ابواب مکاتبه رامفتوح دارم ودراین موقع رقیمه کریمه مطاعه
که درسفارش حجة الاسلام حاجی سید علی اکبرمجتهد شیرازی
سلمهالله بجناب غوث الاسلام آقای امام جمعه مرقوم ودرضمن آن
باین بنده اظهارعطوفت وشفقت فرموده بودید رسید لهذا این
فقره رااخیرابوسیله بلکه اذا اراد الله شیئا هی اسبابه مقدور
داشته بمقام عرض شکرانه این موهبت خداوندی و امتنان این
مرحمت حضرت مستطابعالی دام افضاله برآمده نظر باطمینان
کاملی که بمراتب صفای قلب حضرت مستطابعالی که مخزن اسرار
و مهبط انوارعلوم حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و
آله اجمعین از همه جاآگاهست تصدیع افزامیشودکه این بنده

در مدت عمرهم خود را برای ترویج شریعت غراء و وقایه پایه و شأن رفیع و منیع عموم علمای این ملت بیضا و اصرار در فراهمی لوازم ایجاد اعمال خیریه و دفع شرور مظنونه و موجوده از حوزه پاك دین وود یعه سید لولاك و اقدام بآثار خیریه عموما نموده و بحمدالله تعالی آنی غفلت ننموده و همواره به این مراتب هم موفق گردیده علی قدر الاستطاعه در نفس الامر خجل نباشم ازجمله تعمیر گنبد مطهر امیرالمؤمنین و امام المتقین صلوات الله وسلامه علیه و برداشتن قرعه نظامی از اولاد سادات فخام و علمای عظام و مسلمین در عراق عرب وجهد های کامل در رفع غدغن ومنع زوار وافتتاح این باب برای زیارت ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملك الغفار و خدماتیکه در امور هاجمهٔ چند سال قبل نموده، و کذالك در کل اقطار ایران که عرض تمام آنها اسباب تصدیع است و تمام این توفیقات ازاثر فطرت پاك و نیت تابناك و خلوص حقیقی و مجاهدات صمیمی ذات کامل الصفات مبارك

اقدس همایون اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه اسلام پناه روحی فداه بوده وهست بقدری در حفظ و احترام علمای اعلام واعلای شریعت اسلام واجرای اوامر حضرت خیرالانام علیه وآله صلوات الله الملك العلام اصرار و ابرام وسعی واهتمام میفرمایند که فوق آن به تصویر احدی از افراد عباد نخواهد آمد در هیچ امر جزئی و کلی نیست که این ملاحظات را نفرمایند دقیقهٔ نیست که افکار عالیه خود را از این مراتب خالی وفارغ فرمایند در اینصورت باغایة القصوای اطمینان عرض مینمایم که هرکس هرعرض نماید که غیر از این مراتب را حادی باشد شهد الله وکفی بالله شهید اغراض محض ومحض غرض و معلل با غراض فاسده است که قلب نورانی مقدس خود حضرت مستطاب عالی بالقطع ویقین آگاه است وامیدوارم اگر درآینده چیزی بعرض عالی برسانند مستقیما بااین بنده مرقوم فرمائید که حقیقت امر را عرض نماید وبهرچه امر فرمائید بطریق اطاعت گراید

در فقره انحصار دخانیه بمحض زیارت تلگراف حضرت مستطاب عالی با اینکه در تمام عیون وابصار واوهام وافکار ملاحظه اشکالات

رفع آن ازجمله محالات مینمود ۰

مشیرالوزاره راهم که بتلگرافخانه فرستادم عرض مطالب کما هوالواقع نماید بامداد ائمه طاهره صلوات الله علیهم اجمعین واثر توجهات حضرت‌عالی دام الله افضاله انحصارمبایعه‌تنباکو و توتون راازکل اقطار ایران برداشته وبکلی آزاد نموده هرکس‌به هرکس که بخواهد بفروشد وهرکس ازهرکس بخواهد بخرد کما فی‌السابق‌احدی‌متعرض‌احدی‌اززراع وتاجرد رممالك، دولت نباشد وحال‌بکمال روسفیدی مراتب را عرض مینمایم که اوامرمطاعه‌مجری گردید وجناب مستشارالملك نیز فرمایش حضرت مستطابعالی را درباب تعمیر گنبد مطهر منورعسکریین‌صلوات الله علیهما ابلاغ نمود فورا بعرض حضور مرحمت ظهور مبارك اقدس شاهنشاهی روحنافداه رسانیدم و اجازه علیه عالیه شرف صدور یافت مشغول صدور برلت و تهیه تنخواه و ملزومات آن هستم بعون الله تعالی عنقریب اقدام بآن خواهد نمود ودرهیچ یك ازفرمایشات شریعت انتساب حضرت مستطاب‌عالی دام‌افضاله‌بقدرلحظه‌ٔ وطرفة‌العین

خود داری نخواهد شد مخصوصا این بنده ازمخلصین با ارادت حضرت عالی میباشم هرگونه فرمایش در امور خیریه و مناهج شرعیه باشد مستقیما مرقوم و بنده را مفتخر فرمائید وهرگاه نسبت بذات مقدس حضرت مستطابعالی ازاین بنده نسبت نا مناسبی دهند حضرت عالی قبول نفرموده ازخود بنده تحقیق فرمائید تاصدور مراتب رامعروض دارم وکشف غطاء از اغراض مردم راآنمحضر مستحضر بشود و همواره بمرقومجات رفیعه وپروانجات منیعه سرافراز م فرموده درمظان مخصوصه فراموشم نفرموده توجه مخصوص فرمائید که بسعادت اطاعت واجرای اوامر شریعت موفق شوم ایام افاضت مستدام باد. امین السلطان

بالجمله چاره اندیشی علمای اصفهان درهمه جا شایع گردیده و از مجالس علمای اعلام دارالخلافه نیزکم کم این زمزمه بلند شد که پس از انقضای زمان مهلت تنباکوفروشان مملکت فروش تنباکو یک سره با فرنگی خواهد شد، در این اثناء نیز هرصنف مردم خاصه علمای اعلام بلاد و خصوصا علمای اصفهان کمبشدت وسختی هرچه تمامتر گرفتار بودند

در ضمن عرایض و استغاثات خود که پیاپی جهت حضرت آیةالله شیرازی فرستاده این معنی را در آنحضرت معین ومبین داشتند که این داهیه عظمی عمومی را جز آنکه از طرف ایشان حکم محکمی در خصوص تحریم استعمال دخانیات صادر شود چاره ودرمانی نتواند بود .

انقضای مهلتی که تنباکوفروشان داده بودند و جشن گرفتن انگلیسها

در اواخر ماه ربیع الثانی زمان مهلت تنباکوفروشان مملکت منقضی گردید ، کمپانی امتیاز در آن شب بخیال خود از فردا بی هیچ مانعی و مخل هم آغوش مقصود خویش خواهد شد و منجزا شروع در کار اجرای مقاصد خود خواهد نمود از فرط آن نشاط و انبساط کمال آن شوق و شعفی که بمواصلت این آرزوی بزرگ خود داشت در همان سرائیکه مخصوصا بنام اداره امتیاز دخانیه بنا شده بود وسابقا بشرح آمد مجلس جشن خیلی با رونق و با شکوهی ترتیب داده تمامی سفرای خارجه وسایرفرنگیان که مقیم

تهران بودند بضمیمه بسیاری از اعاظم رجال دوست ایران دعوت نموده برغم مسلمانان بشکرانه این بزرگترین ظفریکه انگلستان بر ایران یافته بود آنشبه را عیشی عظیم گرفت در فردای آن شب به کمال اقدامات انگلیسها وسخت گیری برمردم شروع بکار نمود نخست برای دروازه ها وکاروانسراها همه جا گماشتگان معین داشت که اجناس دخانیه راجزئی وکلی ازجائی بجائی نقل ندهند و بر دکان داران نیز علاومأموران گماشت که زیاده ازده سیر نفروشند وبرای ضبط انگلیسها نیز همجادرکوچه و برزنها مأمورین گماشتند که درکمال مراقبت ومواظبت بدقت هرچه تمامترمردمانرا جستجوکنند ماموران رذل واوباش نیزازهرسو برای جستجو به دنبال مردمان افتاده بسیاری ازمردم محترم رابی باکانه بدین تعرض هتك حرمت نمودند ودرثانی ازجانب کمپانی امتیازشروع به ضبط و تحصیل بقیه تنباکو و توتون موجود نموده که پس ازضبط واستیفانمودن بقیه سراپای رشته اینعمل مستقلا دراختیارکمپانی درآید ونیزازجانب کمپانی امتیازعملیات زیادبی معنی شد که

آنچه تنباکو به ضبط کمپانی درآمده همگی را سائید و یک چهارمن درلفافهای کاغذین مانند سایراجناس انگلستان بسته بنشان مخصوص کمپانی معین وممتاز دارند ونیزکمپانی امتیازپیش ازوقت مقدار چهل هزاروبیست اجازه نامچه فراهم داشته که به موجب تعهد دولت برای صاحبان این امتیاز تمامی صنف تنباکووتوتون فروشان کل ممالک محروسه از تاریخ اول فروش کمپانی تا بعد علاوه براینکه این اجناس راجز ازجانب کمپانی امتیازمشغول حرفت فروش این اجناس باشند ودرتمامی ممالک محروسه هرباب دکان که برای فروش این اجناس گشوده میشود هرساله یك برگ اجازه نامه بایستی ازصاحب امتیازماژدربالیت داشته باشد درغیر اینصورت تخلف کنند ه محبوس خواهد شد ۰

ازتاریخ هفتم جمادی الاولی اداره کمپانی مستقلا شروع بکار خواهد نمود ازاین تاریخ ببعد فروش دخانیه یکسره منحصر بکمپانی خواهد بود ازاین شایعه وحشتناك براضطراب مسلمانان افزوده گردید ولی ازآنطرف نیز هنوزربیع الثانی منقضی نگشته و

حکم تحریم تنباکو در دارالخلافه منتشرگردید که ازطرف آیت اللّه شیرازی حکم محکمی درخصوص استعمال دخانیات شرفصدور یافت وباصفهان فرستاده شده است ، این شایعه فرح انگیز نیز درمقابل آن شایعه روان افسرده وپژمرده مسلمانان‌راتازگی وطراوتی بخشیده جان درتن مشتاقان ازوجد برقص آمد ولی چون این شایعه رااصل و مأخذ درستی نبود مردم همگی دل‌به امید صدق این شایعه‌بستند ودرانتظار نشستند قضارا پست این هفته‌بسبب خرابی‌راهها بموعد معهود همیشگی وارد نشد یك چند روزی بعقب افتاد ، درجمادی الاول انتظار بپایان رسید ناگهان شایع شدکه ازطرف آیت الله شیرازی راجع به تحریم استعمالات دخانیات توقیعی رسیده ، صورت توقیع رادرتما می بازارها ومساجد و مجامع وسرگذرها به مسلمانان اطلاع دادند از این شایعه شور انگیز درتمامی شهر شور وغلغله عظیمی‌درافتاد هنگامه بزرگی برخواست مردمان شهر دسته دسته فوج فوج در صحبت و گفتگوازهرسو درطلب و جستجوی اصل و مأخذ این

شایع افتادند نسخه اصل این توقیع رفیع که بدست خط آیة اللّه شیرازی بود جز برای علمای بزرگ دار الخلافه جناب آقای میرزا حسن آشتیانی سلمه الله برای هیچکس مشهود نیافتاد نزد هر کس بود بیچاره از ترس مؤاخذه دولت وملا حظه گرفتاریهای بعد پنهان داشته نتوانست اظهار کند و جناب مستطاب معظم الیه نیز که مشاهده فرمود ، هرچند اولیای دولت با یشان در این خصوص مذاکره کردند بهمین ملاحظه اظهاری نفرمودند بدست هرکس دیده میشد سواد سؤال وجوابی بود که در صدور سؤال ازحکم استعمال تنباکو و توتون جوابی بدین صورت میداد :

بسم اللّه الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم محاربه با امام علیه الصلواة و السلام است ۰

حرّره الاحقر محمد حسن الحسینی

*** * *** * * * * ***

تمامی مردم ازحکم آیة الله شیرازی تبعیت نمودند

بالجمله این حکم مبارك درهمان نیم روز چنانچه معروف و مسلّم بود تا به صد هزار نسخه رسید درهمان نیم روزهمه جا حتی در اقصی نقاط ایران منتشر گردید ۰

در بقیه آنروز غلغله وهیاهوی صحبت و گفتگوی این حکم تمامی بلد را گرفت، صبح روز بعد نسخه ذ رتمامی ایران هیچکس ازمرد و زن و کوچك و بزرگ و بزرگترو تاجر نمانده بود که اطلاع و آگاهی ازتفصیل این حکم نیافته باشد ازبرکات توجه مخصوص حضرت ولی عصر(ع) این توقیع رفیع نورانی چنان موقعی در نفوس مسلمانان گرفته واین حکم محکم جهان مطاع چنان نفوذی در دلها یافته بود که همه این اصناف مختلف مردم دارالخلافه مرد و زن وعالم وعامی وعالی ودانی باهمه آن طبایع مختلف و آراء چنان درکمال تمکین و انقیاد همگی برسر این یك نقطه متفق ومجتمع شدند که تا عصر جمعه در تمامی ایران ازهیچ نقطه ومحلی دود

چپق وقلیان وسیگار وسایر دخانیات بلند نمیشد حتی ازحرمسرای شاه ومجالس و ادارات دولتی وسراپای دیوانیان وقهوه خانه وسربازخانه‌ها نیزبالمره دود دخانیه برداشته شد بحدی که قلیانها، تماما شکسته و میانه قلیانها سوخته گردید ، درحرمسراهای پادشاهی آنچه قلیان یافت میشد همه رایکسره شکسته وبرای اطلاع وآگاهی شاه ازاین تفصیل شکسته قلیانهای تمامی حرمسراها را درپیشگاه عمارت مخصوص شاه جمع کرده ویکباره آتش زدند مردم اوباش محل باصطلاح مشتی هاکه ازهیچ کس باکی، از هیچگونه مناهی و معاصی ندارند بغیرت اسلامیت چپقها رایکسره شکسته وشکسته چپقهارا درراداره کمپانی امتیاز انداختند از جماعت مشتیان این کلمه بفزونی شنیده میشد که عرق را علانیه و بر ملا میخورم واز هیچکس هم باکی ندارم ولی چپق راتاحضرت آیةالله شیرازی حلال نکند لب نمیزنم ، و نیز میگفتند عرق رابه امید شفاعت امام زمان میخورم ولی چپق رابه چه امید بکشم اعلیحضرت شاه پس از اطلاع و استحضار ازتفصیل این حکم پیش خدمتان

خاصه چه دربیرون وچه در اندرون بالمره ازخدمت معاف فرمود ه از قهوه خانه سلطنتی هم دخانیه برداشته شد بجائی رسید که یهود و نصاری نیز بمتابعت ازاسلام دخانیه رادرظاهرمتارکه نمودند فروش وخرید دخانیه به مره باطل شد، سهل است دکانهای میانه‌قلیانسازی‌ومتعلق‌بادوات دخانیه بود یکسره بسته گردید .

درویش‌بیچاره بجای تنباکو حشیش‌میکشد

بالجمله تحریم تنباکوبجائی رسیدکه‌درنظر هم‌کس ازهمه مناهی اسلام بمراتب عظیم ترگردید بلکه‌درتحقیق‌ازهرگونه ننگ و عاری درانظارننگین‌ترشد قلندر مسکین‌درگوشهٔ‌خلوتی مشغول‌کشیدن حشیش بود که‌سرزده جمعی وارد شدند بیچاره مسکین مظطرب شد ه‌ابتدا ٔولی بعدگفت بمولاچرس‌است آنعده قانع نشدند تاسر قلیان راسرازیر کردند مشاهده نمودندکه‌چرس است ومردم به همینکه تنباکونبوده وچرس بوده ازاو راضی شدند و اورا به حال خود گذاشتند .

نامه ای که سید جمال الدین اسد آبادی ،آیة اللّه شیرازی نوشته بعد از حکم تحریم تنباکو بود ولی او مطلع نبود

نامه ازبصره بسامره

بسم اللّه الرحمن الرحیم

حق را بگویم ، من دوست داشتم این نامه را (اگرچه بنام شخص خاصی عنوان شده است) بهمهٔ دانشمندان تقدیم کنم ، چون دانشمندان در هر نقطه ای طلوع نمود و هرنحویکه رشد کرده و هرکجا یافت شوند، جانی هستندکه در پیکر دین محمد (ص) دمیده شده است .

این نامه درخواست عاجزانه ملت اسلام استکه به پیشگاه زمامداران عظیم الشأن خود ، نفوس پاکیزه ای که زمام ملت را درکف گرفته اند تقدیم میدارد .

پیشوای دین پرتو درخشان انوارائمه ، پایه تخت دیانت زبان گویای شریعت ، جناب حاجی میرزامحمدحسن شیرازی (خدا قلمرو اسلام را باو محفوظ بدارد و نقشه شوم کفار پست فطرت را بواسطهٔ وجود او بهم زند) .

خدا نیابت امام زمان را بتو اختصاص داده وازمیان طائفه شیعه تو را برگزیده و زمام ملت را ازطریق ریاست دینی بدستت داده وحفظ حقوق ملت را بتو واگذارده وبرطرف ساختن شك و شبهه راازدلهای مردم جزءوظایف تو قرارداده .

چون تو وارث پیغمبرانی ، سررشته کارهائی رابه دستت سپرده که سعادت این جهان ورستگاری آنجهان بدانوابسته است.

خداکرسی ریاست توراددلها و خرد های مردم نصب کرده تا بوسیله آن ستون عدل محکم شود وراه راست روشن گردد و در مقابل این بزرگی که بتو ارزانی داشته ، حفظ دین و مدافعه از جهان اسلامی رانیز درعهدهٔ مات نهاده است، تاآنجاکه بروش

پیشینیان بفیض شهادت نائل شوی.

ملت اسلام پست وبلند، شهری و بیابانی ، دارا وندار باین‌عظمت خدائی اقرارنموده ودرمقابل این بزرگی زانوبزمین زده وسرتعظیم خم میکنند .

ملت اسلام‌درهرپیش آمدی بتو متوجه شده ودرهر مصیبتی چشمش رابتودوخته ، سعادت وخوشبختی ،رستگاری و رهائی خودرادردست تومیداند ،آرزوهایش بتو بسته است وآرامشش توئی.

بااین حال‌اگر(برای مدتی کمازیك چشم بهم زدن بیشتر نبوده وازگردش بیك پهلوتجاوز نکند) ملت رابحال‌خود گذاشته وبآنها توجه نداشته باشی‌افکارشان پریشان میشود ودلهاشان ازبیم بلرزه درمیآید ،وپایه ایمانشان سست میگردد ،چرا؟ چون تودهٔ نادان درمعتقدات خودجزاستقامت وثبات قدمی کهطبقهٔ دانادرعقایدش‌نشان میدهد ،دلیلی ندارد هرگاه طبقه علما درانجام وظیفه‌ای که برعهده دارند سستی کنند (یادرنهی از

منکرکوتاهی نمایند ،توده عامی دچارترديد وبدگمانی شده و هر کسی ازدین بیرون‌رفته وبعقائد اولیه‌خود برمیگردد ،وازراه‌راست منحرف میشود)٠

پس ازاین مقدمات متذکرمیشوم که : ملت ایران با همه مشکلات سختی که دامنگیرش گشته ،مشکلاتی‌که‌سبب شده است کفاربرکشوراسلامی دست یافته وبیگانگان بحقوق مسلمانان‌دست بیاندازند وبا اینحال توراساکت دیده ومیبینند ،بامسئولیت ـ بزرگی‌که درعهده داری ،بیاری آنها برنمیخیزی ،ازخرد بیگانه شده ومشاعرش‌راازدست داده مود رسر دوراهی شك‌ويقين ،انکار وقبول‌مانده نمیداند چه‌بکند‌وراهش‌ازکدام‌سمت است مانند مسافر نابلدیکه درشب تاريك خط سیر خود راگم کرده ،گاهی‌از چپ و گاهی ازراست میرودمد روادی پهناورخیالات گوناگون‌متحیرمانده چنان‌دچاریأس‌و نومیدی شده و چنان راه چاره به رویش‌بسته است‌که نزديك است گمراهی رابررستگاری ترجیح دهدوازشاه راه سعادت منحرف شدماسیرهوی و هوس گردد٠

ایرانیان همگی مات و مبهوت مانده ، ازهم میپرسند چرا حضرت حجة الاسلام درمقابل این حوادث سکوت نموده؟کدام پیش آمد ایشان راازیاری دین بازداشته ؟ چراازانجام وظیفه پهلوتهی میکند؟ چه شده که دین واهل دین راازنظرانداخته وآنهارازیردست کفار رها نموده تاهرطورکه دلخواهشان هست باآنها بازی کنند وبهرچه میخواهند فرمان دهند ؟ .

برخی مردم سست‌عقیده درباره‌ٔ شمانیزبدگمان‌شده خیال میکنند هرچه بآنهاگفته اند دروغ بوده ودین افسانه هائی بهم آمیخته ودام کسترد ما یست که مردم دانابوسیله‌ٔآن نادان راصید میکنند ، چرا ؟ .

چون آنهامیبینند (وهمین است) همهٔ مردم دربرابر تو تسلیمند ،همه فرمان بردارت هستند .

امرتو درجامعه مسلمانان نافذاست ،هیچکس‌درمقابل حکمت گردن فرازی نمیکند ،اگربخواهی میتوانی بایك کلمه (کلمه ای که ازدل مرد حقیقت بیرون آمده وبرسینه‌ٔاهل حقیقت می

نشیند) افراد پراکنده راجمع کنی وبا متفق ساختن آنها دشمن خداودشمن مسلمانان رابترسانی ،و شرکفار رااز سرشان برطرف نمائی ،این رنج ومشقتی راکه دامنگیرشان شده است ازآنها دور کنی ، ازاین زندگانی سخت نجاتشان داده بزندگانی گوارا ودلپذیری نائل سازی ،تادین درنظراهل دین بزرگ وارجمند جلوه نمود واسلام باداشتن چنین پیشوائی دردیدهٔ ملت محبوب گشته ومقام شامخی داشته باشد .

حق راباید گفت، تورئیس فرقه شیعه هستی ،تومثل جان درتن همه مسلمانان دمیده ای ، هیچکس جزدرپناه تونمیتواند برای نجات ملت برخیزد ،وآنها نیز بغیرتو اطمینان ندارند اگر برای گرفتن حق قیام کنی ، همه به پشتیبانی توبرخاسته ،آنگاه افتخار و سربلندی نصیبشان خواهد شد ولی اگربجای خود بنشینی مسلمانان هم متوقف شده و زیر دست میشوند .

ممکن است وقتی کاربا ینصورت بماند ومسلمانان رئیس خود را خاموش دیده وببینند وی آنها راچون گلهٔ بدون شبان وحیوان

بی سرپرست رهاکرده ، این خاموشی رابرای خودعذری‌پندارند بخصوص وقتی مشاهده میکنند رئیس مذهب دریك اقدامی که همهٔ‌مسلمانان آنراواجب دانسته وخطرحتمی درپرهیزش‌میدانند سستی مینمایند (حفظ دین ، دینی‌که آوازهٔ آن تادورترین‌نقاط رفته ونام نیکش بگوش همه رسیده) .

آیاچه کسی برای اینکار سزاوارترازمرد یست‌که خداد رقرن چهارد هم ازمیان همه اوراانتخاب‌کرده وبرهان دین ، وحجت برمردمان قرارداده؟ .

پیشوای بزرگ پادشاه ایران سست‌عنصر وبد سیرت گشته ، مشاعرش ضعیف شده بد رفتاری راپیش گرفته خودش از اداره کشور و حفظ منافع‌عمومی عاجزاست لذازمام کاررابدست مرد پلید بدکرداریستی داده‌که درمجمع‌عمومی به پیمبران بدمیگوید ، نه فرمان دین رامیپذیرد ، نه بروٴساٴدینی ارجی میگذارد ، بعلما بدمیگوید بمردم پرهیزکارتهمت میزند ، بسادات بزرگوارتوهین می نماید ، باوعاظ مثل مردم پست رفتارمیکند .

از اروپاکه برگشته ، پردهٔ شرم را پاره کرده وخود سری را پیش گرفته ، بی پرده باده گساری مینماید باکفاردوستی میورزد بامردم نیکوکاردشمنی میکند ، این کارهای خصوصی اوست اما آنچه بزیان مسلمانان انجام داده اینست که قسمت عمده کشور ودرآمد آنرا بدشمنان دین فروختهکه بتفصیل عبارت است از :

۱ــ کانها وراههائیکه بکانها منتهی میشود و همچنین ، خطوطیکه ازمعادن بنقاط مهمه کشور متصل است .

۲ــ کاروانسراهائیکه دراطراف خطوط شوسه بنا میشود (درتمام کشور) بانظمام مزارع وباغستانهائی که دراطراف این راهها واقع است .

۳ــ رودکارون و مسافرخانه هائیکه دردوطرف این رود (تا منتهی الیهآن) ساخته میشود و همچنین مراتعی کهتابع این رودخانه است .

۴ــ راه از اهواز تاتهران وآنچه ازساختمانها ومسافرخانه هاو باغستانها ومزارع دراطراف آن واقع است .

۵ ــ تنباکوو آنچه لازمه این محصول است (ازمراکز ،کشت زارها، خانه های نگهبانان و متصدیان حمل ونقل‌وفروشنده ها ، هرکجاواقع شده و هرجا ساخته شود) .

۶ــ جمع‌آوری انگور بمنظورساختن شراب وهرچه ازدکان و کارخانه لازم‌دارد (در تمام کشور) .

۷ــ صابون ،شمع وشکر و کارخانه هائیکه لازمه آنهاست .

۸ــ بانک(چه میدانی بانک چیست؟) بانک عبارت ازاین‌است که زمام ملت رایکجابدست دشمنان اسلام داده و مسلمانان را بندهٔ آنها نموده وسلطنت وآقائی کفاررا برآنها بپذیرند .

آنوقت این خائن احمق برای اینکه ملت راراضی نماید دلیل پوچی برای کردارزشت خود اقامه کرده ومیگوید اینها معاهده مکرده و میگوید اینها معاهده موقتی است که مدتش ازصد سال تجاوز نخواهد کرد .

چه برهانی برای رسوائی جنایتکاران ازاین بهتر .

نصف دیگر مملکت راهم‌بعنوان‌حق‌السکوت بدولت روسیه‌داد

(اگرساکت شود) آنهم عبارتست از :

۱ـ مرداب رشت و راه انزلی تاخراسان وآنچه ازخانه ها ومسافرخانه هاو باغستانها تابع این راه است ·

ولی دولت روسیه بد ما غش خورده واین هدیه را نپذیرفته او درصدد است ،اگراین معاهده ها ،معاهده هائیکه بتسلیم کشور باجانب منتهی میشود ،بهم نخورد خراسان رامستعمرهخود کرده وبرآذربایجان ومازندران نیز دست بیاندازد ،این اولین نتیجه ایست که بریاست این احمق مترتب میشود ·

خلاصه این مرد تبه کار کشورایران رااینطور بمزاید مگذاشته وخانه های محمد (ص) و ممالك اسلامی راباجنبی میفروشد ولی ازپست فطرتی و فرومایگی که دارد بقیمت کم و وجه اندك حاضر بفروش میشود ، بله وقتی پست فطرتی‌وحرص‌باخست ودیوانگی آمیخته شود چنین خواهد شد ·

توای پیشوای دین اگربکمك ملت برنخیزی وآنها راجمع نکنی و کشور رابا قدرت خود ازچنگ این گناهکار بیرون نیاوری طولی

نخواهد کشید که مملکت اسلامی زیراقتدار بیگانگان در میآید آن وقت است که هرچه میخواهد میکند و هرحکمی دلشان خواست مید هند .

اگراین فرصت ازدستت برود واین معاهده‌ها درحیاط تو صورت بگیرد درصفحهٔ روزگار وصفحات تاریخ نام‌نیکی نخواهی داشت

تومیدانی علمای ایران هم سینه هاشان تنگ شده و منتظر شنیدن یك کلمه ازتوهستند (کلمه‌ای که سعادت و نجاتشان در آن میباشد) چطورجایزاست کسی که خدا این قدرت راباو داده کشور وملت رابا این حال بگذارد .

بازبنام یکنفرمطلع بحجة الاسلام میگویم دولت عثمانی هم ازقیام توخوشحال شده ودرمبارزهٔ بااین تبه کاربتوکمك خواهد کرد ،زیرادولت‌عثمانی میداند مداخله فرنگیان درنقاط ایران و نفوذ شان دراین کشوربزیان کشوراو نیز خواهد بود .

ازطرفی وزراء ، فرماندهان ایرانی هم بااین نهضت موافق بوده و خوشحالند زیراطبعاآنها نیزازاین‌مقالاتیکه‌جدیدابناست

صورت بگیرد ناراضی هستند ۰

با نهضت تو فرصتی خواهند یافت که این مقاوله نامه ها را بهم بزنند ،علما اگرچه ازرفتار این مرد احمق خائن بشدت انتقاد کرده اند ولی طوری نیست که بتوانند دریك آن مقاصد خود را یکی کنند ۰

چون اینها ازحیث پایه علمی و ریاست و وجههٔ بین مردم دریك درجه هستند ،حاضر نمیشوند بعضی با بعض دیگرپیوسته وباهم هم آهنگ شوند ،تایك اتحاد حقیقی وقدرت اجتماعی که بتواند دفع ضرردشمن رانموده وکشور راحفظ نماید تولیدگردد ۰

هرکس بمحورخودش میچرخد وبتنهائی باهم مبارزه میکنند این تشتت آراء علت اصلی عدم قدرت برمقاومت و موجب پیشرفت کارهای نامشروع میباشد ، ولی تو نظر بتوانائی ونفوذ کلمه ای که داری درهمهٔ آنها مؤثرخواهی بود ،دلهای پراکنده آنها را متعهد خواهی کرد، این اختلاف کلمه راازمیان برمیداری وبواسطه تو قدرتها اندك اندك جمع خواهد شد ۰

یك کلمه توسبب ایجاد وحدتی میشود که این بلاهای محیط کشور را برطرف سازد و دین اسلام راحفظ نموده ،جامعه دینی رانگامبدارد، پس همه باتواست ونزد خدا ومردم مسئول خواهی بود

باز میگویم علماو پرهیزکاران درنتیجه دفاع منفردی که از دین نمودند ،ازاین مرد سرکش سختیهائی کشیدند کمدرتاریخ نظیرندارد ،چون میخواستند بلاد مسلمین راازشراجانب حفظ کنند ،هرگونه تحقیر و رسوائی رامتحمل شدند .

مسلما پیشوای مذهب از رفتار زشتی که جاسوسان کفر و یاوران مشرکین بادانشمند پرهیزکار واعظ حاجی ملا فیض‌الله دربندی نموده اند مطلع است و قریبا هم ازبدرفتاری که نسبت بدانشمند مجتهد و نیکوکار حاجی سید علی اکبرشیرازی مرتکب شده اند مطلع میشود، همچنین از کتک و حبس و کشتار پیشوایان ملت آگاه خواهی شد از جمله آنها جوان پاکدامن میرزا محمدرضای کرمانی است، و این مرد خارج از دین اورا در زندان تا پای مرگ برد؛

از ص ۹۹ و ۱۰۰ کتاب آقا سید هادی خسروشاهی [illegible] تکمیل گردید

[illegible]

تهران ۲۰/۱۱/۱۳۵۹

(نامه‌ها و اسناد سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی چاپ سوم)

واز جملهٔ آنهافاضل ارجمندحاجی سیاح و میرزافرو غیرو میرزامحمدعلیخان و فاضل قانونگذار ا عتماد السلطنه میباشند ۰

امافجایعی که این پست فطرت نسبت بخودم مرتکب شده طوریست که جگرهای اهل ایمان را پاره‌ساخته‌ودلهاشانراقطعه قطعه میکند و حتی موجب وحشت کفاروبت پرستان خواهد شد۰ این مرد پست فطرت موقعیکه من با حالت بیماری در حضرت عبدالعظیم پناهنده بودم دستور زندانی نمودنم راداد ازحضرت عبدالعظیم تاطهران مرا روی برف (با اهانتی‌که مافوق‌آن‌متصور نیست) حرکت دادند (البته اینها پس ازغارت اموالم بود ۰) انّا للّه وانّا الیه راجعون‌از تهران هم بازیکدسته از کوچک ابدالهای دربارمرا سوار اسب بارکشی کرده وخود شان سوار اسبهای راهوار ،من‌بیماررادرزمستان‌سخت بااینحال‌تاخانقین حرکت دادند ۰

واز ۰۰۰۰ والی درخواست کردند مراببصره تبعید نماید زیرا میدانست اگرمرا درعراق آزاد و بحال خود بگذارد ،نزد تو

رئیس مذهب خواهم آمد و گزارش او واوضاع کشور رابتو گفته و بد بختیهائی راکه این مرد زندیق برای ملت ایران آماده کرده شرح خواهم داد .

باز ازجمله کارهائیکه کرد و بر پست فطرتی و دنائت خود افزود ، اینکه برای فرونشاندن هیجان احساسات عمومی ، من و هواخواهانم راکه فقط روی غیرت دینی (بقدر استطاعت)در مقام مدافعهٔ ازکشور و حقوق رعیت برآمده بودیم بطایفه بابیها نسبت داد ، همچنانکه زبان بریده ابتدا شهرت داد من ختنه نشده ام ،وا اسلا ما این ناتوانی چیست ؟ این سستی برای‌چه چگونه ممکن است دزد بی سروپا و فرومایه ای مسلمین و کشور اسلام رابا ندك بهائی بفروشد و بدانشمندان و سادات اعتنا نکند ، و بفرزندان مرتضی بهتان باین بزرگی ببندد و یکدست، قوی نباشد تا برای تسکین خاطر مؤمنین این ریشه گندیده را کنده و انتقام آل پیغمبر رابگیرد .

چون از شما دور هستم مفصلا شکایت نمیکنم .

و چون مجتهد عالم حاجی سید علی اکبر عازم بصره بو د به من گفت نامه ای بر ئیس مذهب بنویسم ، و این مفاسد را متذکر شوم ، منهم گفته او را پذیرفتم و این نامه را مینویسم ومیدانم خدا بدست تو گشایشی خواهد .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

جمال الدین حسینی

****

نامه سید جمال الدین اسدآبادی

به علماء ایران

بسم الله الرحمن الرحیم :

ای قرآنیان ، ای نگاهبانان ایمان ، ای پشتیبانان دین، ای ای یاوران شرع مبین ، ای لشگرهای پیروز خدا وسرکوب کنندگان گمراهان .

جناب حاجی میرزا محمدحسن شیرازی و جناب حاجی میرزا حبیب الله رشتی وجناب میرزا ابوالقاسم کربلائی ، و جناب حاجی میرزا جواد آقا تبریزی و جناب حاجی سیدعلی اکبرشیرازی وجناب حاجی شیخ هادی نجم آبادی و جناب میرزا حسن

آشتیانی و جناب حاجی سید طاهر زکی صدر العلماء وجناب حاجی آقا محسن عراقی وجناب شیخ محمد تقی اصفهانی وجناب حاجی محمد بجنوردی و سایر رهبران ملت و رؤساء دین و علمای بزرگوار که نایبان ائمه طاهرین هستند (خدا اسلام و مسلمین را بوجودشان عزیز کرده دماغ کفار سرسخت را بخاک بمالد ــ آمین).

ازمدتها پیش دول اروپا با اشتیاق وحرص وافری میخواهند کشور ایران را زیر نفوذ خود درآورند.

اینها هر وقت فرصتی یافته، و مجالی پیدا نموده اند با نیرنگ و دسیسه (بطوریکه موجب ایجاد تنفر وتهییج احساسات عمومی نشود) کوشیده اند در نقاط مختلفه کشور برای خود نفوذی تولید نموده و زمینه حکومت نمودن برآنجا را فراهم سازند ولی ضمنا هم میدانند علما فریبشان را نمی خورند و در مقابل اراده آنها تسلیم نمی شوند زیرا که توده دل بسته بعلما و گوش به فرمان روسا دینی است، هرچه بگویند می پذیرند و هرکجا بایستند می ایستند درنظر توده فرمان علما رد شدنی نیست و هرچه بخواهند تغییر پذیر

نخواهد بود .

دانشمندان هم پیوسته همت خود راصرف نگاهبانی دین نموده نه غفلت می‌ورزند ، نه فریفته می‌شوند، نه مغلوب هوی و هوس خواهند شد ، اروپائیها نیز از موقعیت علما مطلع بوده و پیوسته منتظر تحول و مراقب فرصتند ، راستی هم اروپائی ها خوب پیش بینی کرده اند .

زیرا هرگاه دانشمندان باابهتی‌که در نظرعوام دارند نباشند .

توده عامی بامیل و رغبت بکفار پیوسته و برای این که خود را از چنگ این دولت نجات بدهند ، زیر پرچم آنها در می‌آیند

از چنگ دولت ورشکسته ای که قدرت خود را ازدست داده از چنگ دولتی که انصاف را فراموش‌کرده و سازش بارعیت رانیز پشت گوش انداخته ، دولتی که ازاقتدار و نفوذ خود نه شرافتی تحصیل کرده ، نه جانی راحفظ نموده نه باری از دوش ملت بر داشته است .

روی همین موازنه است که در هر نقطه ای نیروی علما کم شده، قدرت اروپائیان در آنجا بیشتر گردیده، بحدیکه شوکت اسلام رادرهم شکسته، نام دین را از آنجا محو ساخته اند.

پادشاهان هند و فرمانفرمایان ماوراء النهر کوشیدند، تا علما را کوچك کردند، ولی روی قانون طبیعی و خدادادهـ نتیجه شومش بخودشان برگشت.

افغانیها هم کرارا جز بنیروی علما نتوانستند، کشور خود را از دستبرد اجانب و هجوم انگلیسها حفظ کنند.

حالا از وقتی که این شاه بی‌قیمت گمراه، روی کار آمده، در تحقیر علما و سلب اختیارات آنها می‌کوشد واز فرط علاقه‌ای که باستبداد وتوسعه دائره ظلم و جور دارد، نفوذ کلمه علما را باامر و نهی های بیجای خودکم نمود، آنها را باخواری تمام از شهرستانها تبعید کرد ونگذاشت بترویج دین قیام نمایند، دسته‌ای را از مراکز اقامت خودشان به تهران (کانون فتنه و ستم) آورد وآنها را مجبور بسکونت دراین شهر نمود، همینکه میدان از

برایش خالی شد ،بندگان خدارا مقهور ساخت شهرها را ویران نمود ،از هرسیاهکاری خود داری نکرد ،هر گناهی راعلنا مرتکب شد ،آنچه ازخون فقراء و بیچارگان مکیده بود صرف هوی و هوس خود ساخت و اشگ در چشم یتیمان جاری کرد (ای اسلام بی یاور) حالا دیگرجنونش گل کرده و طمع پستش بهیجان آمده نه دینی داردکه جلوگیرش باشد ،نه عقلی که سرزنشش نماید نه شرافت نفسی که مانعش شود ،پست فطرتی و ناپاك طینتی وادارش نموده کشور اسلامی را ببهای اندکی بفروشد ٠

اروپائیها هم فهمیدند ،حالا وقتست که بدون جنگ ونزاع مالك ایران شوند ،فهمیدند دانشمندانی که ازاسلام وقلمرو دین دفاع می کردند ،قدرت خود را از دست داده و نفوذ شان کاسته شده است ،از اینرو هر دولتی بطمع یك قطعه ازاین آب وخاك دهان گشود ٠

ولی بازحق بر باطل یورش برده و مغلوبش ساخت ،ونیز کوششهای دشمن را باطل کرد و ستمکاران ذلیل شدند (۱)

(۱) ــ واقعه رژی

حق را باید گفت شما پیشوایان با تصمیمی که گرفتید اسلام‌را بزرگ نمودید و نام دین را بلند ساختید دلها را از هیبت و قدرت خود پر نمودید بطوری که بیگانگان عموما فهمیدند، در مقابل اقتدار شما، در مقابل نیروی شما، مقاومت ممکن نیست · دانستند شما دیوار کشورید و زمام ملت به دست شماست، ولی مصیبت بزرگ اینجا است که شیطان برای این که شکست خود را در این نبرد جبران نماید، بدماغ این مرد تبه کار خارج از دین انداخته است که علماء را از شهرستانها تبعید نماید ·

او فهمیده است، انجام اوامرش جز از طریق اطاعت افسران ارتش ممکن نیست وافسران هم مخالفت علماء را نمی‌کنند و بد آنها را نمی‌خواهند ·

لذا درصدد برآمده است، افسران ارتش را از کشور بیگانه تعیین کند و بهمین منظور ریاست شهربانی و فرماندهی هنگ قزاق را به (کنت وازرابه) داده، آن زندیق ودوستان او هم می‌کوشند، فرماندهان ارتشی را از کشور بیگانه بخواهند ·

شاه هم از فرط دیوانگی ازاین کار خوشحال شده و به آن می بالد ،بخداشاه با جنون وزندقه هم سوگند گردیده و نیز متعهد شده است، باخود سری و شرارت تمام دین رانابود سازد و شریعت را مضمحل کند وکشوراسلام را بدون چون وچرا ببیگانگان تسلیم نماید ٠

ای رهبران ملت، اگر این فرعون را بحال خود ش بگذارید وجلو دیوانه بازی او را نگیرید واو را ازتخت گمراهی پائین نکشید کارمی گذرد وعلاج مشکل می شود و چاره غیر ممکن می گردد شما یاوران خدائید ،جانهای شما که ازشریعت خدائی سرشار است شما را از هر هوی هوسی که موجب دو تیرگی و اختلاف کلمه باشد نگاه می دارد ٠

شیطان نمی تواند بین شما را بهم بزند ،شما چون دستی هستید که خدا با آن از قلعه های محکم دین خود دفاع مینماید وبااین دست است که ارتش کفر و یاوران زنادقه را دور می سازد ٠

تمام مردم (بغیر از آن کسی که بناست زیانکار و بد بخت باشد) فرمانبردار شمایند ، اگر شما خلع این نادان را اعلان نمائید بزرگ و کوچك ، گدا وتوانگر اطاعت خواهند کرد (خود تان همین روزها دیدید) بنابر این محتاج نیستید که من دلیل بیاورم

بخصوص این موقع که در اثر این سلطنت جابرانه آمیخته بجهالت سینه ها بتنگ آمده ، سلطنتی که نتوانسته ارتشی آماده کند و نه شهری را آبادان نموده ، نه فرهنگ را توسعه داده ، نه نام اسلام را بلند ساخته ، نه یك روز دل ملت در پناهش راحتی دیده ·

بلکه درعوض کشور را ویران و رعیت را ذلیل کرده وملت را به گدائی انداخته و سپس گمراهی دامنگیرش شده واز دین بیرون رفته ، استخوان مسلمانان راخرد ساخته و باخون نشان خمیر کرده تا از آنها برای ساختن کاخ شهوت پست خویش خشت تهیه کند ·

در این مدت دراز ، در این سالیان متمادی نتیجه ایکه برچنین

حکومتی مرتب شده همین است ۰

نابود باد این پادشاهی ،واژگون باد این سلطنت ۰

اگر این پادشاه خلع شود (وخلع وی هم با یک کلمه که روی غیرت دینی از زبان اهل حق خارج می‌شود) آن که جانشین وی خواهد بود نمی‌تواند از فرمان شما سر پیچی‌کند وجز خضوع در پیشگاه شما مقدورش نیست زیرا که او قدرت خدائی شما را به چشم خود می‌بیند ،قدرتی که به آن سرکشان‌را از تخت گمراهی پائین می‌کشند ۰

ملت وقتی زیر پایه دین از داد برخوردار شود رغبتش‌بشما زیادترخواهد شد و گرد شما خواهد گردید ،آنگاه همه‌در پناه خدا و حزب علما که دوستان خدا هستند در می‌آیند ۰

هرکس خیال کند خلع این پادشاه جز باقشون و توپ و بمب ممکن نیست خیال بیهوده ای کرده ،اینطور نیست،چون یك عقیده و ایمانی در کله مردم رسوخ نموده و در دل‌آنهاجا گرفته و آن عقیده این است که مخالف‌علماء مخالفت باخدا ست

راستی هم همینطور است و پایه مذهب هم روی این عقیده می باشد.

ای قرآنیان، اگر شما حکم خدارا در باره این مردغاصب ستم کار اجرا کنید، اگر بگوئید به حکم خدا اطاعت این مرد حرامست مردم از گردش پراکنده شده و خلع وی بدون جنگ و کشتار صورت میگیرد.

خدا برای اتمام حجت قدرتی را که بشما ارزانی داشته نشان تان داد، آنهائی که ایمانشان محکم نبود تا پیش از این واقعه در نفوذ کلمه و قدرت شما تردید داشتند ملت مسلمان با شنیدن یك کلمه از شما در سرکوبی این فرعون (شاه) وهامان آن (صدر اعظم) متحد شدند (مسئله تنباکو).

ملل دیگر هم ازاین قدرت و نفوذ کلمه و سرعت تاثیر این فرمان متعجب گردیدند و کفار مبهوت ماندند، این قدرتی است که خدا بشما داده تا با آن دین و حوزه اسلام رانگهداری کنید، در این صورت آیا سزاوار است با داشتن چنین نیروئی

دین را وا گذارده ؟ یا در کمك نمودن به شریعت کندی ، و سستی نمائید ؟ ابدا ابدا .

حالا وقت زنده نمودن مراسم دینی و گرامی ساختن مسلمان ها رسیده است ، پیش از اینکه این ستمکار سرکش شمارا ترور کرده و ناموستان را بباد بدهد و قبل از آنکه در دیوار محکم دین رخنه کند او را خلع نمائید ، شما وظیفه دشواری ندارید فقط به مردم ابلاغ کنید اطاعت این ستمکار حرامست ، او هم وقتی خود را ذلیل و تنها ببیند ، اطرافیانش ازگردش پراکنده شده ، ارتشیان ویرا می رانند و کودکان سنگبارانش می‌کنند ، ای علماء شما و پیروانتان از حالا در خطر بزرگی هستید شما به نیروی حقیقت شاخ این فرعون را شکستید و با شمشیر دین بینیش را بریدید ، ولی او منتظر است ، فرصتی یافته و انتقام خود را از شما بکشد از این رو نباید یك روز مهلتش بدهید ، نباید او را بگذارید زمام کار را به دست بگیرد پیش از این که جراحتش بهبود پذیرد او را خلع کنید .

ای مردان علم، مبادا در خلع این مرد تردید داشته باشید مردی که غاصبانه سلطنت یافته، مردی که کارش فسق و فرمانش ستم است، مردی که پس از مکیدن خونهای مسلمانان و خرد کردن استخوان فقراء و برهنگان وتهیدستان نمودن ملت جنونش گل کرده، و درصدد برآمده است کشوری را که مایه عزت اسلام و پایگاه دین است به اجانب بدهد، مردی که از فرط نادانی درصدد برآمده است نام کفر را بلند ساخته و زیر پرچم شرك درآید، باز می گویم وزراء فرماندهان، عموم طبقات ارتش و پسران این ستمکار سرکش منتظر دستور شما هستند، دیگر کاسه صبرشان لبریز شده منتظرند، یك کلمه از شما بشنوند، و این فرعون را خلع نموده بندگان خدا را از زیان او آسوده کنند و پیش از آنکه دین را بباد داده و لکه ننگ را به پیشانی آنها بچسباند خویش را از شرش حفظ نمایند.

والسلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته.

جمال الدین الحسینی

بالجمله سفرای خارجه که در تهران بودند به تمامی اروپ تلگرافنامه ها بدین مضمون فرستادند که واقعه عظیمی که اعظم وقوعات عالم است اینکه چیزی را که عادت شبانه روزی عمومی مسلمانان حتی اطفال آنان و اعظم عادات ایشان بود بطوری که بهیچ چیز اینگونه معتاد نبودند بمحض اینکه یك دو کلمه نوشته منعی که به رئیس دین خود شان نسبت داده شده یك دفعه چنان بالمره متارکه نمودند که ارتکاب آن در انظارشان عار است بالجمله بسیاری از علماء و فضلا و ارباب معرفت را در این خصوص عقیده بر این بود که این توقیع رفیع نورانی محققا از جانب ناحیه مقدس حضرت امام عصر علیه السلام است که به قلم آیة الله شیرازی جاری گشته و بسیاری از مردمان راسخ العقیده را در این خصوص اطمینان کامل بود که البته ایشان را از ناحیه مقدسه در این خصوص بشرف مخاطبه مخصوص ممتاز و سرافراز فرموده اند ۰

بالجمله در نیمه آخر جمادی الاولی که به مقتضای تعیین و

قرار داد کمپانی امتیاز بایستی ازهمه جای ایران به حبوحه و رواج کار وگرمی بازار امتیاز دخانیه باشد از الطاف خاصه خداوند تعالی و توجه مخصوص صاحب شریعت (ع) و وجود آیه الله شیرازی چنین شد که در آن تاریخ از تمامی ایران از یك سر گرفته تا سر دیگر دود دخانیه چپق وغلیان علنا بلند نمیشد این عادت پانصد ساله مردم چنان از میان برخواسته گردید .

بالجمله استقرار و نفوذ این حکم بر این پایه از این که نه تنها ابطال مقاصد و آرزوی اولیای دولت را نیز از جهاتی ناگوار آمد ولی چکنند جلوگیری این امر هیچ کس را بهیچ وجه جز به تشکیك در صحت نسبت و مناقشه در صدور حکم ممکن نبود .

دولت در صدد مناقشه حکم و تبعید بعضی برآمد :

بالجمله بنابراین شد اولیای دولت نیز آن اوائل با اینکه ظاهرا ساکت بلکه همراه می‌نمودند درخصوص تشکیك و مناقشه درحکم از هیچ روکوتاهی و خودداری ننمایند حتی این که ملك التجار تهران به اسم اینکه منشاء جعل این حکم بوده

از جانب دولت تبعید شده تحت المحافظه به طرف قزوین فرستاده شد .

و بعضی دیگر از اعیان تجار تهران که از ایشان نیز ـ اقداماتی در پیشرفت این حکم مشهود افتاده بود ایشان نیز به اسم اینکه همراهی باملك التجار در این حکم جعلی داشته‌اند در معرض خیلی خطرها بودند ولی از آن طرف آقای میرزای آشتیانی و تمامی‌این خلق عالم وعامی در این خصوص تنها بر مشاهده واخبار جنابشان بود ودر مقام رفع شکوك ودفع مناقشاتی که از جانب اولیای دولت و هوا خواهان این امتیاز برمردمان القاء می‌شد بر آمدند کامل می‌نمودند سایر علمای تهران نیز از جنابشان در این خصوص پیروی حتی آنکه بعضی‌علمای‌تهران در این خصوص مقاله سودمندی نوشته منتشر گردانید وصورتی نیز از این مقاله برای شاه فرستادند یکی از مقالات که به قلم یکی ازعلماء اعلام است عینا نقل می شود :

****

بسم الله الرحمن الرحیم :

در مسئله تنباکو وتوتون و شخص مستأجر انگلیسی وحکایت منع از استعمال آنها که منتسب به روسای ملت گردیده است من باب المقدمه عرضه می دارد که از اصول موضوعه و مسلمات تمام ارباب عقول است که باید شخص که مالك نقطه است سد احتمال ورود اجنبی را بر آن نقطه بنماید حتی هرگاه عاقل احتمال بدهد فلان که اقرب مردم است باو اگر چندی در خانه او بنشیند — اظهار ملکیت خواهد نمود چه رسد به اینکه اگر کسی دشمن قوی پنجه داشته باشد و احتمال بدهد شاید شبیخون بخانه او بزند یا درصدد قتل او درآید وی را راحت نشاید و ثغور آن خانه را کمال محافظت باید بنماید دیگر آنکه الملك عقیم ازنفوس ملوك است چه بسیار عقود و عهود و نبود بسته شده و به صلاح حفظ مملکت و سلطنت در انتفاض آن منتقض گردیده و دشمنان را بایمان مغلظه مطمئن ساخته پس از استیلا از پایش درآورند

و دیگر قطع حاصل ازتجر به که عبارت ازتکرر مشاهده است از اصول برهان وامور قوی بنیان است مکرر مشاهده شده ازاهالی انگلیس و مکر و حیل آنها نسبت به اهالی هندوستان و مصر و سایر جاها واضح و هویدا کالشمس فی وسط السماء گردیده که قبرار داد آنها پایه و اصلی ندارد چنانچه در بدوضبط هند باسم تجارت آنجا را تبعه ساخته واز خود هم جماعتی منظـــم نموده بالاخره بدون زحمت منازعه برتمامیت مملکت استیـلا یافتند و بر قرار دادا ولیه وفا ننمودند ۰

و مصر را بهمین نهج مقهور ساختند و الان آن نا بکاران در حدودضبط و بردن مملکت ایران بر آمده اند اعاذنا الله تعالی من ذالك از طرف فارس که اقل ثغور بلاد اسلام است راه را مفتوح ساختند و در سرحد خراسان که از موقوفه قدیمه آستان ثامن الائمه علیه السلام است بنای شهری باآن تفصیل گذاردند واسباب آلات جنگ در آن نقطه بنحو اتم و اکمل فراهم آوردنـد مستاجر تنباکو را چه وا داشته که همچو بنای عظیمی باسم محل

تنباکو در نقطه باغ ایلخانی که مشرف برتمام ارك و سایر نقاط این شهر است بنماید نزدیك چهار زرع دیوار از گچ وآجر ساخته مانند گشتی زره پوش توپ براوگردش می‌کند با اینکه برای او ممکن بود سرای امین الملك خالی از اغیار را اجاره کند ازکجا باشاره دولت آنها نباشد بلکه مظنون این است که تمام این مخارج گزاف ازملك مملکت آنها است والا تاجر راچه کار بهفت کرور یا دوازده کرور مخارج اجاره داری بنماید کسی می‌تواند مایه خودرا ازاین فقراء اهالی ایران دریافت سازد وازکجا میتوان اطمینان تحصیل نمودکه دربارهای قماش وتنباکو وغیره توپ و تفنگها به این محل حمل ننمایندکه درمقام حاجت بکار ببرند و تمام شهر را درآن واحد خراب و منهدم سازند به اسم نقاش ماهی سی تومان بسرکرده ها دادن وغلامها در اطراف مهیا ساختن دلیل واضحی است برطول آمال وبلندی خیال و دفع ضرر مظنون بلکه محتمل عقلا لازم و ازآنجائی که امام عصر حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه را توجه

تام به شیعیان است و بقاء سلطنت سلطان ایران چنان که متکلمین فرمایند وجوده لطف و بقائه لطف آخر و جوده لطف و تصرفه لطف آخر از بابت لطف جاری فرموده به قلم شریف ـ حضرت آیة الله میرزا محمد حسن شیرازی دام ظله العالی که از خواص بندگان امام همام است علیه السلام و قریب نود سال درخدمتگذاری شرع مبین و ترویج دین سیدالمرسلین ـ و خاتم النبیین زحمات بلانهایات کشیده متوسل بناحیه مقدس امام زمان گردیده که الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان محاربه با امام زمان است والحق این کلمه جامعه شریفه که برمعانی کثیره است داخل در توقیعات رفیعه والفاظ صادره از لسان صاحب الزمان است وچنان اُبَّهَت و وقعی در قلوب وضیع و شریف و عالم و جاهل افکنده که با هزار توپ و تفنگ ممکن نبود ممانعت این خلق را از شرب قلیان و نحو آن ، گویا منادی امام زمان نداد رآورد که ای مطیعین امام زمان (ع) ـ حفظ اسلام موقوف عدم استیلا کفار است ٠

مثل حضرت آیةالله شیرازی ادام ظله العالی حجت امام عصر هست برخلق نقض حکم جناب ایشان نقض حکم امام است و وسوسه در بودن حکم از جناب ایشان مثل وسوسه در قرآن است که آیا کلام خلق است یا فرمایش خالق گذشته از این که خط و مهر حضرتشان دیده شده است ٠

این کلمه شریفه نظر توقیعات رفیعه است که بر اولیاء — خواص خدا ورود نمود و انقطاع سفارت در غیبت کبری منافی با ورود توقیع برخواص نیست چنانچه بر شیخ مفید و دیگران نازل گردید ٠

نَعُوذُ بِاللّٰه مِنْ سَیئاتِ الْعَمَلْ .

الحق که این مقاله نیز در دفع شکوك و شبهاتی که در این خصوص باذهان عمومی داده می‌شد خیلی مفید و موثر واقع شد ٠

بالاخره اولیای دولت با همه آن اصرار ممکن نشد که بمفاد این حکم در خصوص ادارات شخصی خود شان خللی وارد آرند

و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا

مسلم است تنباکو و توتون به دست کافران مانند سایر چیزها سبب استیلا ورخنه و کثرت ازدحام آنها است وبالمآل سلطنت شیعه بید جنایت کاریهای آنها قرار خواهد گرفت پس چیزی که ممکن الشرك است باید مردم ترك کنند ·

لعل الله یحدث بعد ذالك امرا

و حفظ بیضه اسلام در اصول و فرائض عینیه است بر تمام آحاد مسلمانان با عدم من به الکفایه واجب عینی‌است و اصل جریان داخل در موضوعات مستنبطه نیست تا اینکه اطاعت آن تنها برمقلدین واجب باشد بلکه از قبیل حکم در موضوعات صرفه است که اطاعت حکم حاکم شرع مطاع برمجتهد دیگر و مقلدین لازم ومتحتم است به مقتضای فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام :

اذحکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما بحکم الله استخف وعلینا رد والراد علیه کراد علینا و هو علی حد الشرك بالله تعالی ·

تاچه رسد به جاهای دیگر.

بلی تشکیکاتی را که در این خصوص می‌شد بس همین مقدارها اثر و نتیجه حاصل است که مردمان درمقام تحقیق بر آمده عرائض و سئوالاتی دراین خصوص بسر من رای فرستاده کشف واقع حال را از حضرت اسلام پناهی درخواست نمودند.

درجواب سئوالات مردم از سرمن رای به موجب فرموده: آیة الله شیرازی تلگرافی در تصدیق صحت و صدور این حکم ازخوداین جانب بنام آقای حاج شیخ فضل الله نوری درنیمه آخر ربیع بدین صورت رسید ،جناب شریعتمدار آقای شیخ فضل الله نوری از طهران جمعی سئوال نموده اند ازحکم حضرت آیة الله شیرازی درخصوص دخانیات عجب است. بلی حکم صادر و مجددا هم با دست خطر مبارك باپست می رسد.

دعوت نائب السلطنه از میرزای آشتیانی

پس از یك چند روزی از واقعه ملك التجار نائب السلطنه کسی را نزد میزای آشتیانی فرستاده جنابشان رابدعوت خصوصی

خواند ند که شب را د رخدمت شما گذ را نیده ضمنا مطالب مهم چندی است که مخصوصا باید صحبت بداریم.

اطرافیان آشتیانی که اذهانشان را قصه ملك التجارمشوب بپاره اوهام و خیالات گردانیده بود رضا ندادندکه آن‌شب‌رااجابت فرمایند این بودکه هرچندی از جانب نائب السلطنه در این خصوص اصرار شد اصلا مفید نیفتاده آن شب راجناب معظم‌له اجابت نفرمودند مجددا فردای آنشب را نیز نائب السلطنه ـ فرستاده تا به اصرارهای زیاد بالاخره اجابت فرموده رفتند ، نائب السلطنه و آشتیانی بدون ثالثی‌ازصبح تابعد از ظهر د راندرونی مشغول صحبت و گفتگو بودند حاصل‌این‌گفتگو ها اولا عتابهای چندی د رخصوص اینگونه اقداماتی که‌ازایشان برخلاف مقاصد دولت ظهور یافته و اینکه ملت و دولت سال ها است که با یکدیگر د رکمال پیوستگی و اتصال بودند بتازگی

چه شده که این رشته نزدیك بگسیختگی رسیده است نمود معظم له می گوید هنوزهم ملت با دولت کماکان درکمال همراهی و مساعدت است علمای شریعت پاس ملت و دولت اسلام هردو را درعهده دارند واقداماتیکه تا کنون ازجانب اولیای ملت شده نیز همانا محض رعایت و خیرخواهی ملت و دولت هردو بوده است ،نائب السلطنه از صحت و صدور این حکم پرسش نموده جواب می‌گویند بلی این حکم از حضرت حجة الاسلام ــ صادر شده و مخالفت این حکم بالقطع و یقین مخالفت با امام زمان است و در حقیقت این چنین حکم بلکه اشد ازاین همان تلگراف نخستین جنابشان متضمن بوده و حال اینکه‌شما اولیای دولت اصلا ترتیب هیچ گونه اثری بر آن ندادید ۰

بالجمله جان مطلب درهمه آن گفتگوها این‌جا بوده که نائب السلطنه از جانب دولت جناب معظم اله را تکلیف نمود که بر تقدیر صحت وصدور این حکم از حضرت آیة‌الله شیرازی ایشان خود مجتهدند و بسبب نظر خود شان اینگو نه حکم کرده

شما هم که خود تان مجتهد ید بنا برخواهش دولت برخلاف این حکم حکم با باحه و تجویز دخانیات بفرمائید تا این هنگامه از میان بر خیزد معظم الیه در این خصوص به قوت ایمان در مقابل دولت جوابهای سختی گفته دولت را بالمره مایوس از این معنی داشته اند که بتوان در مقام نقض این کلمه بر آمد .

از طرف شاه مجلسی از علماء و دولتیان تشکیل شد :

ولی با همه اینها یك دو روزی از این مقدمه گذشته از طرف شاه مجلسی منعقد اولیای ملت و دولت هر دو طائفه در آن مجلس حاضر شده گفتگو کنند برحسب امر موکد شاه مجلس در سرای نائب السلطنه منعقد گردید بزرگ علمای اعلام دار الخلافه جناب آقای آشتیانی با جناب آقای سید علی اکبر تفریشی وجناب آقاشیخ فضل الله نوری و جناب آقای امام جمعه و جناب آقا سید محمد رضا و جناب آخوند ملا محمد تقی کاشانی این عده علماء از طرف ملت حاضر آن مجلس شدند ودر مقابل ایشان

نیز از طرف دولت نائب السلطنه و وزیر اعظم آقای امین ـ السلطان و امین السلطنه وامین الدوله و مشیرالدوله ، و قوام الدوله و فخر الدوله این عقول سبعه مملکت نیز ازطرف دولت حاضر گردیده واز جانب ناصر الدین شاه صورت فرمان امتیاز نامه را به میان گذارده که بر حسب امرشاه‌شماکه علمای‌شریعت واولیای ملتید‌صورت امتیاز نامه را ملاحظه بفرمائید ودر خصوص قرار داد عمل این امتیاز هرگونه تعهد و شرطی‌که‌دولت بموجب مواد این امتیاز نامه برخلاف مقاصد شریعت ملتزم‌گردیده تغییر بدهید شروع بخواندن امتیاز نامه کردند نخستین کلمه که عنوان فرمان این عمل ودرصدر امتیاز نامه نوشته شده کلمه مینو پل است ،علماء نخست از معنی این کلمه پرسش نمودند ،جواب گفته شد این کلمه لفظی است خارجی برحسب وضع آن لغت دراصل بمعنی امتیاز و انحصار است مینو پل خرید و فروش تنباکو و توتون یعنی انحصار معامله تنباکو و توتون بشخص صاحب این امتیاز بطوری که معامله این اجناس‌حق مخصوص

او باشد در مملکت هیچ کس‌را حق این معامله جز به اذن و اجازه او نباشد و صاحبان این اجناس‌مجبورا باید باو بفروشند و بدیگری میتوانند فروخت پس از شرح و تفسیر این کلمه‌اولیای علماء گفتند نخستین التزامی که دراین امتیاز نامه برخلاف احکام شریعت و اصول مسلمه حقوق حقّه ملت واقع شده است :

الناس مسلطون علی اموالهم ·

در شریعت اسلام مالك در مال خود صاحب اختیاراست مالك را از هیچ رو نمی‌توان جبر و قهر بر مالش نمود اگر بنای حك واصلاح باشد باید نخستین این جمله را حك نمود ·

اولیای دولت در این خصوص که اصل عنوان این عمل و تمام مطلب و مدعایشان بود به کوشش افتادند بلکه بتوانند بمداهنه و صورت سازی یك نحوه کلاه شرعی بر سر این امتیاز بگذارند و بعض از منتسبان بشریعت که در باطن کمال‌موافقت و همراهی را باقرار داد امتیاز بکمپانی انگلستان داشتند آنها نیز بنای لم و لانسلم را گذاشتند علماء نیز سخت ایستاده که ما

پیغمبران شرع و شریعت آور نیستم تا بتوانیم حرامی را حلال کنیم وظیفه ما علمای اسلام تنها بیان حلال و حرام است حکمی که در این خصوص در شریعت اسلام مقرر گشته همان است که بیان شد این گونه سر سختی علماء ابواب هر گونه خوش رقصی را بر اولیای دولت بسته نمود عرصه از هر جهت بر دولتیان تنگ شد این شد که وزیر اعظم این مطلب را اظهار نمود : که آقایان علماء با پرده می گویم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صریحا فرمودند تغییر و تبدیل از هیچ روی دولت را ممکن نتواند بود این معنی محال و متمنع است شما از این معنی قطع نظر نموده فکر دگر کنید علماء نیز در کمال صفا گفتند بی پرده می گوئیم حرام شریعت اسلام را از هیچ روی حلال نتوانیم نمود ، مساعدت با دولت در خصوص این عهدنامه از ما ممتنع ومحال خواهد بود علاوه اینکه غرض دولت از این مجلس هرگاه تدبیری برای برداشتن منع و متارکه دخانیات است شما خود میدانید ما را در این منع از هیچ روی مداخله و مدخلیتی نبوده

و نیست از جانب حضرت آیة الله شیرازی که نائب امام و حکم حضرتشان در باره مجتهد و مقلد نافذ و واجب الاتباع است در سامرا حکم بمنع استعمال دخانیات به تفصیلی که خود می‌دانید شرف صدور یافته و این حکم بمجرد صدور در کمتر از ۸ ساعت در همه ایران شایع و همه کس اطاعت نمود و ما نیز مانند مردم اطاعت می‌کنیم اولیای دولت از این در نیز راه به مقصد نیافتند از در تهدید درآمدند مشیر الدوله خطاب بعلما گفت :آقایان علماء این امر برای شما عاقبت خوبی ندارد این بود که علماء از سخن تهدیدآمیز برآشفتند و گفتند که این نامربوطها چیست؟ چه معنی دارد چه می‌توانید انجام دهید چه می‌کنید آنقدر علما در اطراف این موضوع برآشفتند که اولیای دولت متوحش شدند و اظهار ندامت فی‌المجلس نمودند ۰

اولیای دولت عرصه را برخود خیلی تنگ دیدند لاجرم دستگاه مناقشه در حکم را به میان کشیدند ۰

علماء نیز در مقابل تایید و تقویت دعوای خود شان که

مدعی صحت و صدور حکم بودند صورت تلگراف نامه نخستین آیة الله شیرازی که به شاه مخابره شده بود و ما نیز در موقع خود عینا نقل نمودیم ابراز داشته علانیه در مجلس خواندند ، نائب السلطنه گفت این صورت نزد کی بوده واز کجا است ؟

حاج شیخ فضل الله نوری گفت : نزد من بوده واز سامرای نیز فرستاده اند ،می نماید این تلگراف نامه از طرف دولت مبنی بر اختفاء بوده نائب السلطنه امیرکبیر چون در قرارداد این امتیاز مداخله و شرکتی نداشته در اتهام این معنی بوده اند که صورت تلگرافنامه حضرت آیة الله شیرازی را که در این خصوص بتوسط ایشان فرستاده شده بود در باطن به حضرات علما ابراز نموده باشند این بوده که نائب السلطنه برای دفع این مظنه و اتهام از خود ش این پرسش را علنی د رمجلس کرد تا برسایر اولیای دولت معلوم گردد که بروز این تلگرافنامه استنادی به او ندارد .

بالجمله پس از خواندن این صورت علماء گفتند حکمی راکه

این تلگراف نامه متضمن است به مراتب بالاتر از این حکم جدید است چرا که حاصل آنچه از این تلگراف نامه مستفاد می‌شود این که این چنین عمل مخالفت با صریح قرآن مجید و محاربه با خدا تبارك و تعالی است و در این توقیع جدید مخالفت شما محاربه با امام زمان علیه الصلوة و السلام است ۰

بالجمله پس از همه این گفتگوها وزیر اعظم از طرف علماء وکالت گرفته و متعهد شد که بموجب وکالت از علمای ملت در فسخ ابطال این عمل اقدامات مجدانه بکار برده و بقدر امکان در رفع این امتیاز کوشش نموده از هیچ رو فروگذاری ندارد مشروط بر اینکه علماء نیز پس از رفع این امتیاز در خصوص اباحه دخانیات مضایقه روا ندارند و صریحا تجویز و ترخیص نمایند و مجلس بدین صحبت ختم شد ۰

مسافرت شاه به جاجرود

تشکیل جلسه ثانی کمتر از یك هفته ازاین مجلس گذشته جمعه شانزدهم جمادی الاولی دوباره مجلس هیئت نخستین

منعقد گردید و در این هفته شاه و بعضی از درباریان به جاجرود مسافرت کرده بودند و در این مجلس جناب وزیر اعظم حکایت مفصلی در شرح درایت و کفایت و کارگذارانی واقدامات مجدانه خودش که در این خصوص بکار برده بود خواند که بعون الله تعالی وله الحمد و برکت استعانت به امام زمان و به یمن توجهات آن حضرت علیه و علی آبائه الطاهرین افضل الصلوة و السلام نیمه و حاصل رنج ما که در این خصوص با دولت انگلیس گفتگوها کردیم بالاخره قرار بر این شد که این امتیاز از داخله مملکت ایران بالمره برداشته شود که هیچ نفی در ایران درخصوص دخانیات مقهور نباشد از زراع گرفته تا دکاندار کما فی السابق با کمال آزادی در کمال اختیار داد وستد کنند و اما مسئله خارجه مملکت مسلم است تنباکوی ایران جز به مما لك عثمانیه بجای دیگر نقل نمی شود و اختیار آن ممالك معلوم است که باما نیست و امر آنجاها رجوعی بما ندارد این فرنگی صاحب باحیل و پولی که به دولت عثمانی داده امتیاز ممالك عثمانی را

نیز مالك شده است بنابراین حمل و نقل به خارج مملکت برای غیر این شخص ممکن نتواند بود حاصل مطلب را بدین شکل در آورند ۰

بالجمله وزیر اعظم پس از اظهارات علما را تکلیف نمودند که حالا دیگر بروند به مساجد و در منابر صریحا اعلام به حلیت دخانیات بدهند و از مراحم دولت که اطاعت اوامر حضرت آیةالله شیرازی را نموده و امتیاز را برداشت نیز تشکر کنند تا سایر مردم هم به شکر گذاری دولت بایشان اقتدا کنند حضرات علماء گفتند بر تقدیری که رفع عمل امتیاز بهمین مقدار تبعیض هم صدق بکند ولی مطلب هنوز با تمام نرسیده واصل مطلب و محاذیر ــ مداخله خارجه در بلاد که هنوز برقرار است نهایت امری که دولت انجام داده جبر و قهر در داخل مملکت است که ازمیان برداشته ولی هنوز باب تجارت دخانیه بر مسلمانان بسته ، و هنوز مداخله خارجی در میان است بعض از حاضرین مجلس که در صورت ظاهر علماء شریعت وخود را از اولیای ملت به قلم

می‌دهند و بوسیله موافقت با اولیای دولت فی‌الجمله مداخله و مرجعیتی در امور شرعیه بلد یافته اند در آن میان فریاد کشیدند که آقایان قباحت ندارد وزیر اعظم پادشاه را وکیل می کنید حالا که به زحمت و مشقت تمام این عمل را رفع کرده است، چرا تشکر نمی‌کنید و چرا بازهم مناقشه در کار میکنید ولی از آنطرف آقای سید محمد رضا را برانگیزانید تا دماغ آن نامرد متملق را به خاك مالیده او را در آن مجلس مفتضح گردانید بالاخره وزراء و تجاری که حاضر مجلس بودند جمعا درمقابل علماء اتفاق نموده که امتیاز خارجه از هیچ رو خللی ندارد بلکه اگر این امتیاز بالمره مدفوع شود ودست خارجی یکسره از این عمل مقطوع گردد ناچار هفتصد هزار تومان خسارت را دولت البته متحمل نخواهد شد عاقبت این ضرر بکلی دامن گیر رعیت بیچاره خواهد گردید آقای امین السلطان نیز از آن طرف درکمال اصرار به علماء که من به مقتضای وکالت خود عمل نمودم شما نیز بتعهد و شرط خود تان وفا نموده علی العجاله اذن بدهید ، غلیان

بیاورند خلاصه علماء را از آن طرف چهار موجه در میان گرفته رشته اصل مطلب را بکلی از کف ایشان بردند این بود که تصرف علماء در این اطراف و حواشی مطلب دیگر بجای سخنی بر ایشان باقی نمانده بالاخره در مقابل همه اصرارها چنین جواب گفتند که متارکه و امتناع مردم از استعمال دخانیات به حکم ما هانبوده است، تا اگر اکنون رخصت دهیم مردم ارتکاب جویند بلکه امتناع مردم بحکمی است که از رئیس علمای ملت در این خصوص صادر شده و هرکس بمجرد اطلاع اطاعت نمود اکنون چاره کار نیز همان مراجعه بخود آن جناب است که باید تفصیل را به عرض جنابشان برسانید هرچه در این خصوص بفرمایند همان است امین السلطان گفت پس شما علماء تلگرافی در این خصوص به جنابشان بفرستید حضرات علماء پذیرفتند وزیر اعظم امین السلطان فورا قلمدان حاضر صورت تلگرات سربسته مجملی در این خصوص از لسان علماء نوشته، و بر ایشان عرضه داشت که همین صورت حاضر را مهرکنند حضرات

علماء بدین اطمینان که حضرت آیة الله شیرازی باوصف آن دقت نظری که جنابشان را درکار است البته بدین تلگرافات دولتی که هیچ گونه شاهد برصحت رفع امتیاز نیست هرگز اعتماد نداشته رخصت نخواهند فرمود .

اولیای دولت نیز بدین خیال که بمحض آوازه این تلگراف حضرت اسلام پناهی رخصت خواهند فرمود .

تلگرافی که از طرف علماء بحضور حضرت آیةالله شیرازی فرستاده شد

بغداد بتوسط کارگذار ایران فورا بسامره فرستاده ، و جواب گرفته بتلگراف کنند قیمت پنجاه کلمه جواب قبول است خدمت سراسر سعادت بندگان حضرت مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آیة الله العظمی حاجی میرزا حسن دام ظله العالی امتیاز و اختصاصی که درمسئله دخانیات ازجانب اولیای دولت به خارجی داده شده بود بحکم اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه خلدالله ملکه از کل ممالك ایران برداشته شد و کل اهالی ایران

از زراع و کسبه وتجار مملکت تنباکو فروشان و غیره ازامروزبه بعد آزاد و مختارندکه تنباکو و توتون وعموم اجناس دخانیه خود را بهرکس و بهر قیمت و بهر نحوکه دلخواه آنها است بفروشند درتمام ممالك محروسه ایران بدون استثناء است ، لهذا لازم شدکه تفصیل بعرض حضور حضرت‌عالی برسانیم‌که‌دیروز بنابراحترام تلگراف حضرت‌عالی و بعض مذاکرات منسوبه به حضرت عالی اعلیحضرت اقدس همایونی خلدالله ملکه ماهارا خواسته و تحقیقات فرمودندکه آیا این شهرت حکم منسوب به حضرت‌عالی صحیح است آقای امین السلطان دام‌اقباله را مامور فرمودند بادستور العملهائی موکد و زحمات زیاد این‌عمل را موقوف وانحصار را برداشته خوب است‌که حضرت عالی دراین موقع تشکراین توجه ملوکانه را تلگرافا بحضور همایونی برسانید جمادی‌الاولی سنه ۱۳۰۹ میرزا حسن آشتیانی شیخ فضل الله نوری سید علی اکبر تفریشی امام جمعه تهران سید رضا پسر مرحوم آقاسیدصادق عبدالله بهبهانی .

تلگرافی که راجع برفع امتیاز به حکام مخابره شد :

پس ازاین مجلس نیز از جانب دولت رفع‌عمل امتیاز به توسط تلگراف نامها به جمیع ممالك محروسه رسما اعلان کرده تلگرافنامه به حکام ولایات‌عموما برحسب امر اعلیحضرت همایونی شاهنشاه ابلاغ‌شود بنابمرحمت و رافت قدر قدرت بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه .

نسبت بعموم ممالك محروسه بعدازاینکه معلوم شد که عمل انحصار تنباکو و مینوپل آن برعموم اهالی و رعایا قدری شاق است برای آسایش خاطرعموم اهالی و رعایا و تکمیل مزید دعا گوئی وجود مبارك اعلیحضرت این انحصار و مینوپل در تمام ممالك محروسه ایران‌ازامروز موقوف و متروك فرمودند وضرر و خسارت‌کمپانی را از ممر دیگر معین و مقرر خواهند فرمودکه بمرور به کمپانی پرداخت‌خواهد شدازتاریخ این تلگراف بدانید و به‌عموم اهالی وعلماء و اعیان و تجار وغیره هم اطلاع‌بدهید تنباکو و توتون وعموم اجناس‌دخانیه خود

را بهرکس و بهر قیمت و بهر نحو که میل دارند بیع وشراء نمایند وابتدا به مامورین وکسان اداره دخانیه اگرچه به رئیس آنها یقینا اطلاع داده شده است شما هم اطلاع بدهید که حکم از این قرار است و ضمنا به موجب امرهمایونی روحنافداه تاکید می‌شود مبادا نسبت به مامورین آنها خلاف قاعده وخلاف احترامی بشود که موجب تنبیه و سیاست شدیدی خواهد شد مردم هم خود شانرا از این زحمت آسوده دانند و به دعا گوئی وجود مسعود همایونی وشکرگذاری مراهم کامله همایونی خسروانه بیفزایند و بعض حرکات جاهلانه را بکلی موقوف نمایند وعرایض تشکرانه علماء را بعرض مبارك برسانند بتاریخ ششم جمادی الاولی سنه ۱۳۰۹ امین السلطان ۰

بالجمله اقدامات دولت در طهران که جای خود دارد در سایر شهرستانها هم اثری در مردم نبخشید درتمام ایران مردم در متارکه و امتناع در دخانیات ثابت مانده درانتظار اذن از آیة الله شیرازی بودند حقیقتا این حکم از امورعجیبه بلکه

از اعجب و قوعات عالم است ·

براستی میتوان گفت که نظیر چنین واقعه تعجب خیزد ر عالم بشریت دیده و شنیده نشده از قرار نامهائی که از تمامی شهرهای ایران در خصوص سئوال از صحت و صدور حکم مذکور بحضور آیة الله شیرازی فرستاده می‌شد و جوابهائیکه از طرف ایشان به سئوال کنندگان داده می‌شد که اکثر مردم ایران تا مدتی از صحت صدور این حکم از طرف آیة الله شیرازی (ره) اطمینان نداشته بلکه بشك محض در کمال تمکین اطاعت نمودند عجب این است که تمامی مردم با اختلاف سلیقه هائی که داشتند تنها بصرف انتساب این حکم به رئیس علماء و ملت اکتفا داشتند و به شك محض با اصرار هرچه تمامتر التزام نمایند ·

****

علماء دار الخلا فه آیة الله شیرازی را از جریان امر آ گاه می کنند

صورت بعض از نامه ها (نامه اول) بعرض ملا زمان حضرت آیة الله العظمی دام ظله العالی می رساند که‌آن‌وجو د مبارك از کافه مکاره د ر کنف حضرت احد یت جلت‌عظمته بو ده ظل مرحمت بر مفا رق عامه مسلمانان مستدام باد ضمنا مزاحم می شود که بعد اللتیا والتی که د ر چند مجلس گفتگو د ر باب امتیاز دخانیات نمود ند بالاخره عر یضه تلگرافی مجملی ازعلمای دار الخلافه بحضور مبارك فرستاد ه شد و آنچه حاصل ونتیجه‌آنست رفع امتیاز از داخله و اثبات آن نسبت به خا رجه که حمل به خارجه حق مخصو ص فرنگی باشد و بدیهی است چنانچه اصل آن بر خلاف قانو ن ملت بود ه از جهاتی تبعیض آن هم همین حال را خواهد داشت و این مطلب برملازمان عالی‌واضح بود ه که غالب تنباکو و تو تو ن را از جمیع بلاد ایران فر نگی به جبر به قیمت بخس خر یداری نمود ه و بندگان خدا د ر کمال

اضطراب و وحشت که آخر این کار به کجا منتهی خواهد شد اقلا این فرنگی زیاده از ده هزار نفر مباشر و تبعه دارد که ضمیمه هر یك چند نفر خواهد شد و رفته رفته تماما از دین خارج خواهند شد لاحول و لاقوة الاّ بالله و لااستعانة الا بتوجه حضرت حجة الله علیه السلام ۰

نامه دوم حجة الاسلام ادام الله تعالی ظلکم العالی اولا مسئلت و امید از درگاه خداوند مجید این که همواره وجود مسعود محترم حضرت‌عالی را درپناه عنایت وظل حمایت بی کرانه خود محفوظ بدارد و بساط نگهداری پاس شریعت را از آن یگانه مفخر انفس و آفاق و شیرازه مجموعه جمعیت واخلاق پاینده و مستدام بدارد تا از این نعمت‌عظمی روز بروز بر قوام شریعت مطهره وانتظام ملت مقدسه افزوده گردد اجمالا نتیجه این همه گفتگوهای اولیای دولت با علماء دراین مجالس این شدکه امتیاز دخانیه از داخله مملکت ایران مرتفع‌گردید حضرات علماء اباحه استعمال دخانیات را موکول به اجازه

حضرت مستطاب عالی فرموده در این خصوص تلگرافی ازلسان علمای دار الخلافه بحضور مبارك حضرت مستطاب عالی فرستاده شد همه مسلمین ازملت و دولت منتظر اذن و اجازه حضرت مستطاب عالی هستند انشاء اللّه تعالی هر چه صلاح اسلام و مسلمین باشد اشاره بدان خواهید فرمود مجملا معلوم شد مردم مسلمانند و در اطاعت و فرمانند علم اللّه تعالی در راس این مائه از جانب سنی الجوانب حضرت مستطاب عالی تجدیدی در دین شد که در غالب مآت سابقه نشده الحمد اللّه ثم الحمد اللّه حقیقت لذت اسلام تازه چشیدیم اسلامی بود مرده بحمد اللّه تعالی زنده شد بقول خود فرنگیان چنان که شخص راستگوئی شنیده بود و نقل نمود فرنگستان تا کنون سیصد سال بود که با هزاران مقدمات سیر خود را در ایران تا اینجا نزدیك به مقصد رسانیده بود و فعلا بسبب همین حسن عاقبت واهتمامی که از حضرت مستطاب عالی در این خصوص شد یك دفعه دو یست سال بقهقرا برگشت و یابی اللّه الاّ ان یتم نوره ولوکره المشرکون

بالجمله پس از فرستادن تلگراف علماء اولیای دولت بدین اشتیاق و آرزومندی که آیة الله شیرازی درجواب این تلگراف علماء استعمال دخانیات را اجازه فرمایند اولیای ملت نیز درکمال تشویش از طرف این معنی کهمبادا بسبب اجمال این تلگراف حقیقت حال بر آن حضرت مشتبه مانده از این رو رخصت فرمایند هر دو طائفه یك چند روزی را در انتظار جواب گذرانیده تا اینکه بالاخره جوابی ازجانب آن حضرت رسیده بدین صورت خدمت آقایان عظام علمای اعلام دار الخلافه ضاعف الله تعالی اقدار هم بشارت رفع دخانیه موجب مزید تشکر و امیدواری از الطاف ملوکانه گردید انشاء الله تعالی بسعی کافی دولت دست خارجه بالمره از ایران کوتاه خواهد شد محمد حسن الحسینی این جواب که جز تشکر از رفع امتیاز را متضمن نبود ازهیچ رو موافق میل ومقاصد اولیای دولت نیامد علماء از این معنی درکمال آسایش بر متارکه و منع خود شان استوار مانده اولیای دولت را نیز به ایشان مجال سخنی باقی

نماند جمعه بیست و سوم همین ماه که یك هفته از داستان آن مجلس گذشته بود صورت اعلانی بدر شمس العماره و سایر گذرگاهها و مجامع شهر نوشته بود بدین مضمون که برحسب حکم جناب حجة الاسلام شیرازی یوم دوشنبه آتیه جهاد است مردم مهیا شوید این شایعه شورانگیز دروغین نیز به زودی همه جا در شهر منتشر گردیده عمومی مردم را متهیج گردانید مردمان راستی به خیال جهاد افتادند درصدد کارسازی تهیه وتدارك و فراهم کردن اسلحه برآمدند حتی تا اینکه در این چند شب قبل از شب دوشنبه مردمان را درمقام وصیت ، و وداع بااهل وعیال خودشان ناله و افغانها بودکه تاچندین خانه بگوشش همسایگان می‌رسید فرنگیان که مقیم دارالخلافه بودند از سفراء وغیر سفراء همگی ازاین معنی سخت مضطرب و پریشان شده برای حفظ خودشان از دولت دراین خصوص اطمینان طلبیدند گفتند ما باطمینان دولت بدین مملکت آمدیم اکنون که ملت را حکم به جهاد آمده و رعیت درخیال کوشش

و ستیزه گی با دولتند وظیفه ما چیست و از طرف حفظ خود مان چگونه و بچه وسیله مطمئن باشیم اولیای دولت که در باره خود شان و حرمسرای سلطنت و سایر اجزای سلطنت بغایت مضطرب وهراسان بودند ازاین اطمینان خواستن خارجیان نیز چندین درجه بر وحشت و اضطرابشان افزوده خاطر شاه رااین معنی آزرده و مکه رگردانید این شدکه ازجانب شاه دست خط مفصل سخت وتهدیدآمیزی به جناب شریعت مدار ملاذ الاسلام آقای میرزا آشتیانی فرستاده ایشان نیز از این معنی‌که‌دلیل‌برفساد انگیز مفسدان صاحب غرض بود بی نهایت آزرده خاطر گشته‌بر حسب تقاضای حال جواب سخن در این خصوص نوشته فرستادند صورت این دستخط شاه را بملاحظه این‌که هیچ‌کس از تفصیل حال آگاه نشود در ثانی استرداد نموده هرکس‌را از این تفصیل اطلاعی بوده بهمین ملاحظه نتوانست اظهار کند تفصیل این گفت و شنود همانطور در پرده نهفته بماند ولی در ثانی مجددا از جانب شاه دستخط دیگری به جناب معظم‌الیه

شده وجواب نیز ایشان فرستادند که صورت هرد ونامه‌را عینا مینگاریم

صورت دستخط همایون : جنابا عریضه شمارا ملاحظه کردیم اولا این دستخط محرمانه بود و احدی نمی‌دانست بد نوشتیم یا خوب ثالثی نمی‌داند و نخواهد دانست ولی از کثرت اقدامات تلخی و این که بعدازاین همه زحمت و مرارت کاررا به این پایه با کمپانی خارجه تمام کرده و به این خوبی انجام داده ایم چرا باید مثل شما علمای بزرگ به مردم نادان عوام این طور اهتمام و مراحم ملوکانه ما را حالی نکنید که مردم آسوده شده پی کار خود بروند مگر شوخی بود که بعد از دادن همچو قرار نامه به فرنگی و این همه مخارجی که او کرده به این سهولت ازعمل خود دست بردارد پی‌کارش برود وفقره تجارت خارجه هم ابدا ضرری برعیت و تجارت ماندارد و نخواهد داشت واین حرف مفصل است باید یك نفر ازاولیای دولت بشما حالی نماید واینها موافق عهدنامه قدیم حق تجارت دارند کار تازه نیست در حقیقت تمام آن قراری که با کمپانی دخانیات

از داخله ایران داده بودیم تماما باطل و نسخ شد این کار را پیش از این نباید دنبال کرد البته شما در مجلس درس به تمام مردم حالی بکنید که این کار تمام است و گذشته است بر شما فرض است که بگوئید دیگر برای احدی مجبوریت باقی نماند و همه آزاد هستند در بیع و شراء اختیار مال خودشان را دارند کمال امیدواری وتشکر را از دولت داشته باشند که رفع همچو کار بزرگی را کرده است حالی کردن این فقره به مردم و عوام با شما است که ثناگو ودعاگو باشند شما می دانید که من همیشه احترام علماء را لازم می دانم بخصوص در حق شما یك نوع حمت قلبی داشته ، و دارم البته کمال اطمینان را از التفات باطن داشته باشید وابدا حالت یاس از آن نداشته باشید زیاده زحمتی نیست جواب را عرض بکنید ۰

جواب آشتیانی به شاه : بشرف عرض اقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلامیان پناه ایدالله دولته می رساند که دعا گو مایوس از مراحم ملوکانه نشده ونیستم و چون

دستخط مبارك سابقه مشعر بر بعضی بی‌مرحمتیها که کمال تنافی با فرط دعاگوئی وخلوص دعاگو داشت و داعی طمع ازدیاد مرحمت واشتداد مودت و مکرمت داشتم بعریضه سابقه جسارت ورزیدم

واما درخصوص امر به تشکر عموم علماء و رعایا از مراحم ملوکانه ومذاکره دعاگو درمجلس درس وغیره که دستخط مبارك شرف صدور یافته گذشته از آن که درمجلس ارتفاع بلیه مرفوعه و مفسده ممنوعه را اول المتشکرین بوده ام درامتثال امر حاضر و تشکر مراحم ملوکانه را درمجلس درس وغیره نموده کثرت مرحمت و شدت زحمت و مشقت بندگان اعلیحضرت همایونی را در خصوص اصلاح فی الجمله عمل دخانیات و تقاعد کمپانی وامثال امرهمایونی نصب العین خاص وعام خواهد شد که انشاء اللّه کمافی السابق بلکه بیشتر از پیشتر رجاء بمراحم ملوکانه حاصل شده باحسن الوجوه عموم رعیت اشتغال به دعاگوئی و مسئلت دوام دولت داشته باشند لکن مسئله غلیانرا همانطورکه اعلیحضرت قدر قدرت همایونی دستخط فرموده اند نباید معترض شد که

برامر شرب و استعمال اش جز تر تیب مفسده ثمره مترتب نخواهد شد و تامشاهده حکم تجویز و تحلیل از حضرت آیةالله شیرازی سلمه الله تعالی نکنند مرتدع نخواهند گردید دعاگوهم محض امتثال امر قدر قدرت اگر رای مبارك تعلق گیرد رقعه به جناب آقای وزیر معظم عرض نماید که مشتملا برتشکر از مراحم ملوکانه باشد و محتوی برعدم اصلاح بالکلیه لکن محرمانه بشرفعرض اقدس می رساند که انزجار و وحشت قلوب رعیت از این مسئله و تصرف خارجه در داخله به مرتبه ایست که گمان ندارم بغیر عدم تصرف کلی و رفع اصلی وعود بصورت اولی آسوده خاطر و امیدوار شوند بلکه شاید تکذیب دعاگو را نمایند خاصه با وضع حالیه کمپانی و اشتغال تام بلوازم امتیاز بجز سخت گیری در امر توتون و تنباکو که سابقا می‌نمودند و بجبر وعنف از تجار ماخوذ می داشتند از قبیل صنعت و اعمال گیروانکه وغیره که از لوازم تصرف در داخله است وعدم علم باسترداد و ملاحظه قرار نامه نسبت بعامه رعیت و اختصاص ببعضی از اولیای دولت

شایسته آنست که بملاحظه جذب قلوب رعیت و امیدواری به مراحم ملوکانه مقرر فرمایند که عجالتا کمپانی از تصرفات متعلقه بداخله که سبب استیحاش رعیت و اهل ملت است ممنوع وقرار نامه که استرداد شده مشهور نظر عام و خاص گردد الا قدس الاعلی مطاع ·

بالجمله در عصر یك شنبه که از طرف آن اعلان دروغین فتنه خیز عمومی مردم را شور و غوغا و فتنه انگیزی درسر افتاد خود راحاضر و آماده نمودند آقای میرزای آشتیانی بملاحظه کمال وحشت و اضطراب دولت جمیع علمای دار الخلافه را که طرف اعتماد و اعتنای عمومی بودند طلبیده شفاها سفارشهای اکید نمودند که امشب در مساجد و منابر هرکس مردمان اطرافی خود را ساکت و ساکن نموده جهال فتنه جوراازاین شور و هیجان فرونشانندعلماء نیز آنشبه را هرکس درمسجد خود به منبر رفته و در تکذیب این شایعه بیانات شافی و کافی نمودند که ای مردم اینگونه اعلانهای مفاسد خیز را از جانب علماء ندانید واینگونه

اکاذیب مجعوله را هرگز باور ننمائید در چنین موقع جهاد چه معنی دارد جهاد یعنی چه البته دشمنان ملت و بداندیشان دولت که همیشه در پی بازار آشفته می‌گردند اینگونه اعلانهای فتنه و فساد انگیز از طرف علماء جعل کرده نشر می‌دهند ، تا بدین وسیله به مقاصد فاسد خود راه یابند ۰

بالجمله علمای اعلام در آن شب خطابهای مفصلی سودمند بدین تقریبات بر مردمان فرو خواندند تا مردمان را از آن شور و هیجان فرو نشانده مردم قدری ساکت و آرام شدند ولی با همه این فرنگیانی که مقیم دار الخلافه بودند بسبب آن رعبی که از ملت اسلام آنان را فرا گرفته از آن اندیشه که از نفوذ حکم نخستین منسوب به حضرت آیة اللّهی در دلهای آنان فرو رفته بود با همه این اطمینان دادن علماء باز هراسان باکمال وحشت و اضطراب بعض از ایشان در لباس زنانه اسلامی که از مسلمانان اتباع خود شان باهزاران تملق بعاریت گرفته بودند شبانه گریخته از شهر بیرون رفتند و سایرین نیز که در شهر

وامانده بودند بالمره خودشان را پنهان داشته از آن همه اوضاع فرنگی باز از طهران به هیچ وجه اثری پیدا نبود سهل است که در تمامی کوچه و بازار دارالخلافه در این ایام چه از اجزای کمپانی وچه از اجزای سفارتهای خارجه و چه یکنفر فرنگی در تمامی این شهر برای نمونه پیدا نمی شد با همه این باز هم از وحشت و اضطراب آرام و آسایش از زنان گرفته شده بود این شد که یکی از سفرا مجلسی ترتیب داده و سایر سفرای خارجه را با رئیس کمپانی امتیاز ارسن نام دعوت نموده حاضر در آن مجلس شدند پس از پذیرائی سفیر خود ابتدا نموده جامی پر از می بدست گرفت و این عبارت بگفت بسلامتی اتفاق و اتحاد ملت اسلام ایران حاضران از شنیدن این کلمه برحسب رسم وعادت مردم فرنگستان این چنین کلمه در چنین موقعی کاشف از کمال اشتیاق و آرزومندی گوینده به این معنی است بغایت در عجب شدند بدیهی است سلامت اتّفاق کلمه ملت اسلام که رشته ازاینکه بکلی منافی مقاصدعموم فرنگستان است

امروزه همان اتفاق کلمه ملت اسلام است که عرصه را بر همه فرنگیان مقیم این شهر بدین حدّ تنگ گرفته سفیر چون آثار تعجب را از ایشان مشاهده نموده بگفتار آمد که غرض از تشکیل این مجلس بیان کردن همان جمله است اگر اجازه فرمایند بی پرده سخن گویم گفتند بفرمائید گفت همین عبارت را بگویم وشرح دهم اگر رخصت فرمائید آغاز سخن کرد ٠

آقایان امروزه معادل دو کرور مالیات من از اجناس و معمولات فرنگستان ازقبیل غلیان وسرغلیان وچینی وبلورد رجاهای خود موقوف و معطل مانده و حال آنها بالمأل هم معلوم نیست چه خواهد بود و سبب این وضع اختلال آمیز همگی را معلوم است که ارسن٠این مردصاحب امتیاز دخانیه عمل را برخلاف آئین مسلمانان بادولت گذرانیده و چون اینگونه عمل مطابق اصول اسلامیه نبوده است ٠

رئیس اسلامیان که بمراحل از حدود ایران دوراست رفع وابطال این عمل را در این دیده که مسلمانان رااز استعمال

دخانیات ممتنع دارد ۰

و در این مقام برآمده دوکلمه درخصوص منع مسلمانان از این عمل نوشت و فرستاد ۰

و این نوشته بمحض وصول درظرف یك روزه در شهر باین عظمت همه جامنتشر گردیده و بمحض اشتهاراین یك دو کلمه نوشته تمامی مسلمانان با اینکه هنوز صحت وصدق این نوشته بر اکثر و اغلب ایشان محقق نشده بود باحتمال این که شایدصحیح باشد این چنین عادت پانصد ساله را یك دفعه چنان که می‌بینید بالمره متارکه نمودند حالا شما سفرای محترم که وکلای دول بزرگ اروپا هستید و برحسب وظیفه و منصب بزرگ خودتان نظر در وجوه صلاح و فساد و منافع و مضار دولت و مملکت خود را درعهده دارید معین بفرمائیدکه منشاءاین‌همه خسارت و ضرر را کی و تدارك آنرا درچه می‌دانید ،این مطلب تا به‌این حد هنوز جزئی است و این مقدارها ضرر را می توان متحمل شد ولی هرگاه این مرد صاحب امتیاز اندکی دیگر این

معامله را دنبال کند و آن مرد بزرگ اسلام نیز برای دفع طرف مقابل بنای تشدیدی در امر گذارده بنویسد که شرب چای نیز همین حال را دارد هیچ تصور کرده اید چه مقدارها ما لیت ازاجناس و معمولات فرنگستان که لوازم این کار است از قبیل قند و چای و سماور و قوری و سینی و استکان و نعلبکی و غیراین ها بالمره عاطل و باطل مانده تا چه پایه ضرر بکلیه تجارت فرنگستان خواهد وارد آمد اینهمه گرفتن آسان است اگر این مرد مسلم القول بنویسد که تمامی امتعه و اجناسیکه از فرنگستان حمل و نقل به ایران می شود کائنا ما کان حالش همین واستعمالش روا نیست بلکه احتیاج مسلمانان باید مثل سابق از داخل مملکت فراهم شود شماره گرفته اید چندین باب بزرگ — تجارت تمامی دول اروپ ازاین رهگذر بالمره مسدود خواهد گردید این راهم گیریم هرگاه این شخص بزرگ نافذ الکلمه حکم بدهد که برمسلمانان حتم و لازم است که تمامی فرنگیانی را که در بلاد اسلام هستند همگی را باید قتل واعدام نمود هیچ میدانید

آنگاه چه خواهد شد و چقد رها نفوس از تبعه اروپا در این مملکت نابود وهلاك خواهد شد واین همه نفوس تلف شده راآنگاه بچه میتوان تلافی و تدارك نمود حال آنکه میدانید موافق‌قانون تمامی دول متمدنه روی زمین هرکس که در بلوای عمومی تلف شود خونش هبا و هدر خواهد رفت ،زیرا که مواخذه داشتن عمومی را در این خصوص از آنروکه تلافی فاسد بافسد است و نقض غرض و منافی مقاصد سیاسیه دول متمدنه خواهد بود ٠ بعد ازاین بیانات گفت معلوم است نه تنها دولت متبوعه من در معرض اینگونه مخاطرات واقع است بلکه دول متبوعه شما هم در این مخاطره هستند حتی دولت انگلیس دراین مفاسد و مضار شریك و سهیم خواهد بود من امروز شما خفتگان‌را بیدار می‌کنم تافردا هیچ یك از شما را نزد دولت متبوعه خود عذری نباشد تا هنوز وقت است پیش از آنکه این فتنه چنان غلظت ریشه داری گیردکه رشته چاره بالمره از چنگ هرکس بیرون‌شود فکری بکنید چون سخن این مرد خردمند کار آگاه بپایان‌میرسد

تمامی سفرا متوجه آرسن تنباکوئی شده می‌گویند سخنان این مرد دانشمند همگی درست و تمام است این وضع فساد آمیز فعلی وآنچه ازاین مفاسدکه بدین رشته و ترتیب پیش آید تمامی دول می‌داندکه سر منشاء همه اینها توئی و تحریك این فتنه را بدینگونه که امن و امان از مال وجان همگی دراین بلد برداشته شده است تو باعث بوده و هستی باید البته حکما هر چه زودتر درصدد علاج کار برآمده یا روسا فسخ وابطال این عمل نموده بالمره دست ازاین کار بداری و یا اینکه مخصوصا از روسای اسلام دراین خصوص امضا بیاوری آرسن امتیازی در جواب سفرا می‌گوید من چگونه دست از این معامله می‌توانم داشت حال آنکه در این کار تا کنون زیاده از چهار کرور به رشوه و تعارف و مرسوم و مواجب و تعمیرات و تهیه سایراسباب و لوازم خسارت کشیده ام سفیر مذکور نیز در جواب او می گوید مسلمانان را می‌رسد اینکه بگویند چون تو ازاول می‌دانستی این چنین معامله برخلاف اصول و قواعد ملت و بدون رضاوامضای

روسای اسلام است لاجرم این خواهد شد که خود بر ضرر خود اقدام نموده و این مبلغ خسارت را دانسته به کیسه خود وارد آورده و هرکس دانسته بر ضرر خود اقدام نماید البته غرامت او برکس دیگر نخواهد بود چنانچه این مطلب نیز از اصول مسلّمه ملت اسلام بلکه تمامی ملل است سفراء در این خصوص نیز تماما تصدیق نموده و صاحب امتیاز از هرگونه سخنی در جواب بماند

رفتن آرسن نزد وزیر اعظم و دسیسه بازی او: بیچاره آرسن تنباکوئی بسر وقت دولت ایران رفته بوزیر اعظم در آویخت که من با طمینان دولت اقدام نموده و زیر بار گران این همه خسارت رفته ام حالا بسبب این شورش و غوغای عمومی مرد مملکت از اصل عمل باز مانده ام سهل است که طرف مسئولیت تمامی دول نیز واقع شده ام شما در باره من از دو کار یکی را اختیار کنید، یا خسارتهای مرا غرامت کشیده و تدارك کنید تا کمپانی دست از عمل بر گرفته و پی کار خود رفته این فتنه بخود فرو نشیند ویا این که دولت ایران اقدام نموده این فتنه و غوغای عمومی راباجا زه

و همراهی علمای ملت فرو بنشاند و زیر اعظم برای تسکیت او چاره ندیده جز اینکه اجازه و امضای علمای ملت راقبول نموده مرد تنباکوئی دل به آروزی همراهی روسای ملت بسته بمنزل‌خود مراجعت نمود وزیر اعظم حسب التعهد بعض آن کسانی را که بظاهردر صورت اهل علم و بوسیله تملق گوئی اولیای دولت فی الجمله مرجعیتی درکارهای ملی بلدیافته اند طلبیده می فرستند بخانه فرنگی امتیازی که بیك تقریبی‌او را ازطرف ملت قانع بسازدآن یکه ننگ اسلامیان نیز با آن هیئت جلال‌وجبروت مستقیما تشریف فرمای خانه فرنگی تنباکوئی‌شده به این تقریب باو می‌گویدکه رئیس اسلام امروزه منم این متارکه وامتناع مردم نیز درحقیقت مستند بمنع‌من بود من یك چند روزی را به پاره ملاحظات نوعی صلاح وقت مردمان ملت را در منع دیده بودم منع‌نمودم اکنون که موجب منع‌از میان برخواسته البته‌این‌حرج و مرج را از دخانیات برداشته کمافی السابق مسلمانان‌را — رخصت واجازت خواهم داد صاحب امتیاز نیز فورا امر به سیگار

داده سیگار می آورند آن یك جهان ننگ مسلمین بدون توقفی وتاملی گرفته می‌کشد وحال آنکه در آنزمان براستی از یك سـر ایران گرفته تا سردیگر هیچ‌کس از مسلمانان حتی‌اجامرواوباش در هیچ‌جا حتی‌گوشه خلوت خانه خودنیز اقدام براستعمال دخانیات نمی‌نمودند این ناکس ننگین بدین مقدار قناعت — نداشته در پایان مجلس می‌گوید مطلب همانستکه گفتم ، بلـی ممکن است بعضی از باب غرض نفسانی از روی عناد با شخص من سر راه عمومی‌مردم را گرفته سر انگشت اخلالی‌دراین کـار گذارندعلاج اینان نیز آن است‌که باید به پادشاه عرض نمود تا عذرشان را ازاین بلد بخواهند و بر این تقدیر من‌بشما رسما تعـهد می‌دهم که رشته امور بر آن وجهیکه موافق میل‌و مقاصـد کمپانی امتیاز باشد مرتب و منظم گردد ولی با همه این ، بـاز الحق همین مقدارها باید ممنون و متشکر از اوبود کهنام‌وناموس مسلمانی‌را نامردانه یکجا مفت و مجانی بفرنگیان در نباخته‌بلکـه چنانچه معروف و مسلم است سه هزار تومان دراین‌معامله بنام

خودگرفته در مقابل اینکه بکلی رفع منع از دخانیات نموده ·

مسلمانان راحکم بحلیت بفرماید و پانصد تومان نیز به نام محررش گرفته در مقابل این که این حکم را که در حقیقت نقش برآب بوده رواج بدهد ·

بالجمله ننگین مومی الیه بسه هزار و پانصد تومان ناموس مسلمانان را به فرنگیان فروخته پیشرفت مقاصد کمپانی را متعهد گردیده بشرط اینکه کمپانی امتیاز نیز دولت را وادار نمایند که مانعین پیشرفت این حکم را عذر اقامت بخواهند فرنگی امتیازی علی العجاله دم گاوی بدست آورده بدین وسیله عرصه را بر دولت در این خصوص تنگ گرفت ·

****

تصمیم گرفتن دولت به تبعید میرزای آشتیانی و شورش مردم تهران

در روز یك شنبه دوم جمادی الثانیه از جانب شاه به میرزای آشتیانی پیغامی رسید که تکلیف شما منحصر به یکی از دو کاراست ،یا اینکه علنا در مجالس و منابر رفع منع دخانیه کنید یا اینکه چندی از شهر خارج شوید ،میرزای آشتیانی در جواب گفت : اقدام بر نقض حکم آیة اللّه شیرازی ممکن نیست، ولی معین است که رخت خود را از این موج فتنه بسلامت بیرون کشیده و از این شهر بیرون خواهم رفت امروز مرا بمن مهلت دهید فردا که دوشنبه است البته نقل مکان خواهم کرد ،اطرافیان او این خبر را در شهر نشر داده مردم شهر از عالم وعامی ، از این شایعه بغایت مضطرب شدند .

عصر روز یکشنبه و شب دوشنبه را همه اصناف مردم نیز در صحبت و گفتگوی تبعید میرزای آشتیانی گذراندند اغلب مردم مصمم شدند که فردا با میرزای آشتیانی از شهر خارج شوند .

در آن شب مجددا عبدالله خان والی از جانب نائب السلطنه ابلاغی به میرزای آشتیانی داد که شایسته و مناسب نیست شما در این کار باین قسم سختی و ایستادگی کنید فلان کس یعنی همان ناکس ننگین که شرح کردار ناهنجار زشتش سابقا مذکور شد بخانه انگلیسی صاحب امتیاز رفته و حکم داده سیگار آورند و مخصوصا کشیده و بکمپانی گفته است شما مرا از روسای اسلام میدانید سفیر می گوید ظاهرا از آنان باشید او می‌گوید من خود فعلا سیگار می‌شکم و مردم را نیز رخصت می‌دهم و متعهد نیز می‌شوم که این غائله بالمره از میانه برخیزد بشرط آن که شما نیز دولت را وادار نموده تامانعین پیشرفت این حکم راکه اسباب اختلال کارند از این شهر عذر اقامت بخواهند کمپانی هم در این خصوص دستاویزی بر دولت بچنگ آورده و دولت را بر این کار ملزم نموده است بنا براین شما خودتان را عبث در معرض ابتلا و گرفتاریها ندارید که از ایستادگی شما در این خصوص کاری ساخته نتواند بود میرزای آشتیانی نیز جوابی مناسب حال داده

مجملا اینگونه افسانها درجنابشان کارگر نیفتاده برعزم خود استوار ماندند صبح دوشنبه سوم جمادی الثانیه ابتداء علما و اهل علم دار الخلافه دسته دسته از هرمحله رو بمحله سنگلج که منزل ایشان است روانه شدندکم کم جمعیت مردم زیاد شد اکثر دکان و بازارها بسته و مرد مانش دسته دسته رو به خانه ایشان آوردند تاقریب ظهر همینطور فوج فوج ازهرصنف مردم بسنگلج آمده مجتمع شدند هنگام ظهر دیگر نوبت به زنان شهر رسیده زنان نیز دسته دسته فوج فوج جمع آمده جمعیت زنان نیز انبوه شده پس ازاین جماعت اول کار زنان این بود روانه بازارها شدند هردکان را گشوده دیدند خواهی نخواهی بستند تابجائی رسیدکه در تمامی شهر باین عظمت یك دکان دیگر گشوده نماند ،این جمعیت زنان با آن انبوهی وکثرت پس از بستن بازار تماما سرهایشان از روی چادرها لجن گرفتند و فریادکنان رو بارك دولت رفتند جمعیت مردان نیز باشور ، و غوغا وگروهی نیز با گریه وافغان ووا اسلاما گویان از دنبال

زنان روانه شدند جمعیت زنان با وصف این چنین هیئت ، و حال فریاد و فغان کنان در پیش، جمعیت مردان نیز با آن غلغله و غوغا اطراف زنان را فرا گرفته تمامی مرد و زن بدین هیئت وحال مدهش فزع انگیز در میدان ارك مجتمع شده — تفصیل آن هنگامه عظیم را بنوشتن نتوان بیان نمود ولی همینقدر در عظمت این هنگامه می‌توان گفت که چنین شورش و غوغای عظیمی را پیش از آنکه بمیان در آید هیچ وهمی نمیاندیشداین جمعیت زنان که در هنگامه جوئی پیشاهنگ شورشیان بودند نخست شاه را باسم شاه باجی و شاه باجی سبیلو مخاطب — ساختند بنای هرزه گوئی گذاشتند بصداهای خیلی بلند ، و صاف و صریح گفتند و شمردند در مقام هتك عرض وناموس‌بزنده و مرده شاه از هر رقم فحش ودشنام و نفرین و بدگوئی ابدا خود داری نداشته تا آنجا که بتصورشان می‌رسیدازهیچ رو فرو گذاری نکردند وهرچندکه زنان یك شطر وافری ازاین مقوله گفتار زشت و ناسزا میگفتند یك مرتبه صدای ضجه یا علی و یا

حسین از تمامی این همه مخلوق بلند شده دوباره زنان تجدید مطلع کرده هرزه گوئی را از سر می‌گرفتند از این چنین هنگامه عظیمی که دفعتاد ر میدان ارك بر پا گردید تمامی اجزاء دولت خاصه حرم سراهای سلطنتی را وحشت ود هشت عظیمی فراگرفته خورد و بزرگ مضطرب و پریشان شدند برحسب امرشامبا تعجیل هرچه تمامتر در صدد محافظت عمارات سلطنتی برآمده فورا توپهای ته پرکروب را بیرون کشیده و بر تمام دربند های عمارات سلطنتی نصب کردند و بجمیع عساکر حاضر پای تخت تفنگ و فشنگ مارتین توزیع نموده آحاد متفرقه افواج را اعلان حاضرباش دادندکه همگی تحت السلاح حاضر وآماده مدافعه و مقاتله باشند نائب السلطنه مضطر بانه بیرون رفت که شاید شورشیان را ببذل ملاطفت و مهربانی واظهار مراتب اشفاق و مراحم دولت تسکیت نموده ازاین جوش و خروش فرو نشانند جمعیت زنان که تشنه و مشتاق طرف خطاب حاضری می بودند حضور مدعی را غنیمت شمرده یکباره پرده حیا ازخود بر گرفتند

و بتفصیلی که نتوان به شرح آورد هیچگونه ناسزائی به تصور هیچ یکشان خطور نکرد مگر اینکه حضورا بصداهای بلند صاف و صریح گفتند واز هرگونه نسبت های زشت و ناروا واز هر رقم فحش و دشنام و نفرین و بدگوئی درباره هیچ یك مضایقه نداشته دست زدی در این خصوص برسینه هیچ یك از زنده و مرده و زن و مرد نگذاشته سوزش درون خود شانرابدین هرزه گوئیهای حضوری فرو نشاندند ودرضمن هرفصلی نیزفریادها بدین مقوله گفتار بلند بودکه ای خدا می‌خواهند دین مارا ببرند علمای ما را بیرون کنند تافردا عقد ما را فرنگیان ببندند اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند برجنازه مافرنگیان نماز گذارند ۰

بالجمله ــ فصل طولانی مفصلی نیز از این مقوله فریاد و فغان برآورده دوباره بر سر فحش وناسزا برمی‌گشتند، نائب السلطنه دیدعجب هنگامه و محشری است هرچندی با کمال ملاطفت و ملائمت می‌گفت همشیره‌ها فرنگی را بیرون می‌کنیم هیچ یك ازعلمای را نمی‌گذاریم بیرون بروند خاطرتان جمع باشد

بس است این همه فریاد و فغان نکنید اصلا وابدا از هیچ رو بخرج هیچکس نرفته سهل است که حضور مخاطب حاضر را غنیمت دانسته تا زبانشان را یارا بود آنچه می‌خواستند در باره هر کس گفتند و شمردند .

بالجمله جمعیت زنان پس از این هنگامه ها ازارك — مراجعت نموده بمسجد شاه رفتند مصادف افتاد که در آن هنگام آقای امام جمعه در بالای منبر مشغول موعظه وتهدید مردم بود بخیال اینکه شاید اینگونه فتنه عظیم را به پایه تهدیدات بتواند فرو نشانند جمعیت زنان هجوم آورده همینکه از وضع صحبت آگاهی یافتند یك دفعه آغاز فریاد و فغان کرده آنجا نیز بتفصیلی که شرح دادنی نیست قیامت کردند تا خواستند، و توانستند از گفتار فحش و ناسزا در باره امام جمعه نیز فروگذاری نداشته امام بیچاره را بافتضاح هرچه تمامتر از منبر بزیر آورده و از آنجا و باره بارك مراجعت نمودند جمعیت مردم بحدی شد که تمامی کوچه و بازارها و میدان ارك یك وصله پیوسته زن و

مرد بود راه عبور و مرور از کوچه و بازارها بالمره مسدود فریاد و فغان و اشریعتا (واسلاما) یا علی یاحسین از تمامی این همه مخلوق پیوسته بلند بود تمام شهر با این عظمت راچنان ضجه و غلغله و شور و شیون فرا گرفته بود که بوصف نتوان درآورد با وصف این چنین قیامت که برپاخاسته البته اجزاء دولت ، و سلطنت را که طرف آن هنگامه عظیمند بدیهی است تاچه پایه وحشت و اضطراب خواهد بود علی الخصوص که واسطه کاراین امتیاز بملاحظه استخلاص خودش که سرمنشاء این هنگامه خطرناك محسوب نگردد و این غائله وحشت انگیز ازنتائج ناگوار کار او شمرده نشود ذهن سلطنت را بالمره از بام مطلب پرت نموده امر این شور و آشوب را در نظر دولت بدین صورت وا نمودکرده بودکه این جماعت علماء از هوا خواهان جمهوری و در باطن جمهوری طلبند از قراری که معلوم می‌شود این‌جماعت سالها در پیجوئی این چنین فرصت بوده اند که به یك وسیله ودستآویزی مردم مملکت را بر دولت بشورانند اکنون که این

عمل امتیاز تنباکو به میان آمده این مسئله را برای پیش رفــت کارهای خود شان وسیله خوبی یافته بدین بهانه‌دست آویز مردم مملکت را بر دولت شوراندند مسئله امتیاز تنباکو بهانه‌ست حرف مدعای این جماعت در حقیقت خصوص‌سلطنت و منظور اصلی ایشان تهیج این فتنه وآشوب همان تنهاستیزگی بــا شخص سلطان است این بودکه در اثناء این هنگامه معتمد ـ السلطان عبدالله خان والی مضطربانه به مشقت تمامی‌خود را به جناب ملاذ الانام رسانیده که اعلیحضرت همایونی می‌فرماید مقصود شماها چیست بگوئید تا فورا انجام دهیم جناب معظم‌الیه فرمودندما بجز اینکه امتیاز را از داخله و خارجه مملکت یك سره مرفوع‌نموده مداخله فرنگی ازاین عمل بالمره مقطوع‌گردد مقصد و مقصود دیگری در نظر نداریم خان مشارالیه تعجیل نموده مراتب را بعرض شاه رسانید فورا ازجانب شاه دست خطی‌در این خصوص خطاب به نائب السلطنه صادر شدخان مشارالیه بفاصله اندکی بازآمده دستخط شاه را عینا بخدمت جناب ملاذ

الانام تبلیغ نمود ٠

نامه شاه به امین السلطان :

نائب السلطنه امتیاز داخله که برداشته بودیم امیتاز از خارجه هم برداشتیم و مردم مجبور درکشیدن قلیان نیستند تا حکم از جانب میرزای شیرازی برسد ٠

این دستخط شاه را بامر میرزای آشتیانی برای مردم خوانده شد ٠

ولی اصلا و ابدا درمزاج شورشیان تاثیری نبخشیده بلا فاصله عبدالله خان وزیر نزد میرزای آشتیانی رفته و از طرف امین السلطان وزیر اعظم نیز ابلاغی درخصوص رفع امتیاز خارجه آورده بود بخت برگشته درمراجعت مختصر پرخاشی کرد ناگهان شورشیان بر او حمله کرده تاقدرت و تاب کتك داشت زدند ٠

معتمد السلطان مجدالدوله نیز که برای استعلام حال علماء آمده بود تاخود را به میرزای آشتیانی رسانیدا و نیز ازاین

زد و خورد شورشیان بی بهره و نصیب نشد این بود که در مراجعت برای استخلاص خود تدبیری اندیشیده از میرزای آشتیانی — استدعا نمود که یکی از آقایان علما را همراه من بحضور همایونی بفرستید که مخصوصا این مطلب را از جانب علماء شرح دهد

بالاخره با وجود اینکه کسی اقدام براین همراهی نداشت جناب آقای علی اکبر پسر مرحوم آقا جمال را باصرار تمامی همراه خود گرفته مراجعت نمود مردم نیز در مراجعت بهمین ملاحظه که در معیت و پناه یکی از ارباب عمائم است متعرض او نشده مجد الدوله خود را در پناه مصاحبت معظم الیه تا بارك رسانیده آنجا که بمامن خودش بازگشته بود معظم الیه را در صحبت بانائب السلطنه سرگرم گذاشته از پی کارخود رفت نائب السلطنه نیز بدین قصد از ارك بیرون آمده که خود را بکاروانسرای وزیر نظام که محاذی ارك است رسانیده و از آنجا براه پشت مجمع الصنایع به منزل میرزای آشتیانی آمده این شورش وغوغا را فرو نشاند یك مرتبه از میان جمعیت که در

اطراف ارك مجتمع بود ند يك‌نفر سيد با شمشير برهنه‌وجمع كثيری نيز از دنبال او بجانب نائب السلطنه حمله آوردند ، نائب السلطنه همينكه از دور اين وضع وحشت انگيز رامشاهده كرد فورا رو بارك بر گشت شورشيان نيز تعاقب نموده در ميان ارك خود شان را تا نزديكی نائب السلطنه رسانيدندكه ناگاه از آن ميانه سيدمومی اليه شمشيری را كه در دست داشته به قصد نائب السلطنه پرتاب نمود ،نائب محمود از نوكران نائب السلطنه زيركی كرده چوبی را كه بدست داشته بجلو شمشيرانداخته كه شمشير به نائب السلطنه اصابت نكند نائب‌السلطنه درآن‌گير و دار از شدت دهشت قضا را زمين هم قدری گل آلود بود پای او لغزش كرده از يك پهلو به گل درافتاد فوراچاكران‌ازاطراف هجوم آورده نائب السلطنه را بر گرفته دست به دست قدری بردندتا اينكه درآن نزديكی اسب بی زين و برگی فقط با جل نمدين حاضر بوده چاكران همان اسب را به تعجيل به او رسانيده نائب السلطنه را بهمان وضع با لباس گل آلوده زود

اورابداخل عمارات رسانیده در عمارات را بستند ،نائب السلطنه باندرون رسیدغش کرده بیهوش افتاد جماعت شورشیان که از دنبال آمدند ، جمعی از بیرون عمارت مشغول سنگ انداختن شده تمامی چراغهای دولتی و شیشه‌های عمارتی که مشرف به خیابان است همگی را شکستند جمعی دیگر نیز به متابعت آن سیدمومی الیه جرات وجسارت نموده با غریو وغلغله روی به اندرون خانه نائب السلطنه یورش آوردند معین نظام ازچاکران مخصوص او تا اینگونه جرات را از شورشیان مشاهده نمود سربازان ترك را فرمان می‌دهد ۰

جمعیت مردم را هدف فشنگهای مارتینی‌قرار داده رو به طرف این همه جمعیت زن و مردکه در ارك‌واطراف ایستاده‌اند شلیك کنند فوج ترکان دلخواه ملت پرست ننگ این‌چنین‌حرکت وخیم العاقبه را برخود ودولت روا ندانسته فرمان اوراا طاعت نکرده سهل است که باقتضای‌فطرت پاك‌وغیرت ملت خواهیشان برحال بیچارگان ابنای ملت که از این‌اوضاع اختلال واغتشاش

آمیز مملکت خسته و بستوه آمده اند رقت گرفته و در انـد یشـه ممانعت سایرافواج بودند معین نظام همینکه فوج ترکان‌را متقاعد دید سر بازان خود نائب السلطنه را که مخصو صا بنام بی‌پد ران معروفـند فرمان داد برجمعیت مردم شلیك کنند این گر و ه بـی پد ران نیز بی باکانه یك دفعه رو بهمه این جمعیت زن مرد و بزرگ و کو چك شلیك کرد ند ۰

مسلمانان بیچاره دلخسته را که بخیال جلب نظر رأ فت و مرحمت دولت با امید واری تمام روی شکایت و دادخواهی به درگاه لطف و کرم پادشاه دادخواه آورده بودند ، هدف تیـر و تفنگهای مارتینی قرار داده مسلمانان مانند برگ خزان فـر و ریختند شماره کشتگان که از نکبت و محنت این زندگانی آسایش جستندعلی التحقیق بدست نیامد همینکه جمعیت پراکنده و متفرق شدند بدین ملاحظه که هرگاه این کشتگان را مردم از اینجا حرکت داده ازارك بیرون ببرند البته همگی خلق‌بهیجان درآمده جمعیت شورشیان از پیش هجوم آور به ارك شده

فتنه غلیظ تر خواهد شد .

فراشان و سر بازان را امر شدکه بتعجیل هرچه تمام تر کشتگان را از آن میانه بدر برده جنازه ها را درسرای اصطبل شاه پنهان سازند این بودکه عدد و نفوس قتل درست معلوم نشده مختلف می‌گفتند ولی از شصت و هفتاد متجاوز شنید منشد چنانچه از آن طرف هم از پانزده تن کمتر نقل نمی‌شد ودر این میانه سی و پنج الی هفده تن نیز گفته می‌شد بهرحال با همه این باز جمعیت شورشیان هجوم آورده چهار تن جنازه را از چنگ فراشان خواهی نخواهی گرفته بر روی تخته بارها انداخته بدر سرای جناب ملاذ الاسلام آقای آشتیانی بردند حقیقت قیامت کبری آنگاه برپا شدکه نعش این کشتگان را بدان محضر عام بردند مردمان یك سره از حالت شعور بدر رفته چنان شوری هیئت این جمعیت را فرو گرفت که هیچ‌کس را از خود آگاهی نماند تمامی مرد و زن بجوش و خروش آمده از تمام زن و مرد بزرگ و کوچك یك مرتبه ضجه بلند شدکه گوئیا شهر به این

عظمت را زلزله سختی فرا گرفته است هر چند پای کمیت بنان و بیان ازتقریر گذارش این حادثه عظمی لنك وصفحات کوچك وکوتاه مختصر رساله از نگارش تمامی تفصیل اوضاع واحوال عمومی در این واقعه ننك است .

ولی برای آگاهی دادن از اوضاع آن حادثه عظمی ، و تغییر وضع وحالی که مردم عمومی دارالخلافه را درآن‌هنگامه دهشت خیز کبری دست داد همین قدر می‌نگارم که از مشاهده آن وضع وحال ناگوار فزع انگیز کشتگان عموم مردم را چنان جوش و خروشی فرا گرفت که در آن حال هیچ کس‌راازمباشرت جنگ و مصادمت توپ و تنفك اصلا اندیشه وپروائی‌نبود سهل است که از بزرگ وکوچك زن و مرد هیچ کس‌را بجز کشته شدن آرزوئی و بجز هجوم آوردن بارك گفتگوئی نبود یقینا هرگاه در آن حال یك نفر ازعلمای اعلام‌دارالخلافه پیش افتاده رو به ارك روانه می‌شد تمامی این همه مخلوق سرها را برکف گرفته مانند سیل شهرآشوب بدنبال او داخل حرمسراها می‌تاختند

بالجمله اجزای دربار پیش ازاین هنگامه بغایت مضطرب ، و موحش بودند چنانچه یکی از حرمهای پادشاهی که در باغ نگارستان منزل داشت در همان غوغا با تاکید هرچه تمام تر از جانب شاه امر شد که باشتاب و تعجیل تمام ایشان را بحرم سرای مخصوص شاه بیاورند بعد ازاین هنگامه جدید به مجرد اینکه خبر بحرمسراها رسید زنان شاه چون انیس الدوله ، و جمعی دیگر از شدت وحشت و دهشت غش کرده بیهوش افتادند سایر اجزای حرمسراها نیز در جزع و فزع سخت افتاده به فریاد و فغان درآمدند در ضمن فریاد و فغان وزیراعظم امین السلطان را که واسطه کار این امتیاز و سر منشاء این هنگامه می‌دانستند طرف فحش وناسزا داشته که این فلان و فلان کاری کرد بسبب کار او اکنون هرشاخه گیسوی هر یکی از ما به چنگ چندین اجامر و اوباش خواهد افتاد شاه تا صدای شلیك بلند شد چوب دستی خود را از کف انداخته خطاب به عضدالملك کرد و گفت یقین آقا را کشتند یعنی نائب السلطنه‌را

بعد بعضد الملك می‌گوید برو ببین چه خبر است ولی هر چند آقا را کشته باشند غدغن کنید به مردم شلیك نکنند .

بالجمله از آنکه علما را در فتنه سازی و شورانگیزی غرضی نبود شورشیان را به هزاران التماس والتجاء و نصیحت فی ـ الجمله ساکت و آرام گردانیده قرار بر این شد که روز چهارشنبه در مسجد شاه مجتمع شده علماء نیز حاضر خواهند بود آن گاه هرچه تکلیف اقتضاء نماید معین خواهد شد از حسن اتفاق دامنه تظاهرات بشب کشیده علما بهر نحوی که بود مردم را متفرق کردند . این واقعه روز دوشنبه سوم جمادی الثانیه ۱۳۰۹ اتفاق افتاد

ولی جمعی کثیر از ارباب عمائم آن شب را در سرای جناب ملاذ الاسلام آشتیانی ماندند و در آن شب نیز عضد الملك باتفاق حاجی امین السلطنه به منزل جناب ملاذ الاسلام آمده داخل سرای اندرونی که مجمع مخصوصی جمع از اکابر علما بود رخصت طلبیده بدان مجلس حاضر شدند عضد الملك در کمال عجز و انکسار اظهار نمود که آقایان این رشته مواصلت واتحادی راکه

از سالیان درازی در بین ملت و دولت بسته و پیوسته است نه پسندیدکه اکنون بالمره ازهم گسسته گرددکه این‌معنی موجب اضمحلال دین ودولت هر دو خواهد بود دشمن ملت‌که پیوسته در پــی فرصت و در صدد ایقاع یکسنك تفرقه وایجاد دشمنی و خصومت فیما بین ملت و دولت است البته در این میانه فرصت را غنیمت شمرده بر شما چیره خواهد شد حضرات‌علما در جواب گفتتند اگر چه بعضی از روی غرض امر را بر پادشاه مشتبه‌داشته مطلب علماء را درجلوه گاه خاطر شاه بدین‌صورت وانمودکرده‌اند که ما جماعت‌علماء با شخص‌سلطان طرف نزاع‌افتاده ،و اصل وجود پادشاه رامنافی میل و مقاصد خودمی‌دانیم ولی‌نه چنین است ما ازاول تا کنون بجز رفع عمل این امتیاز مقصد ومقصود دیگری را در نظر نداشته و نداریم سخن ما ازاول تاکنون‌این بوده که پادشاه اسلامیان پناه رضاندهدکه گریبان‌رعیت اسلام گرفتار پنجه قهر وغلبه فرنگیان گردیده ،عرض و ناموس‌مسلمانی لگدکوب پای تحکم و افتزاحات مردم فرنگستان باشد ،افسوس

که شخص بی غرضی در میانه نبوده ونیست تاحق وحقیقت مقصود مارا به پادشاه رسانیده سخنان باطل فتنه و فساد انگیزمردمان کج اندیش مفسد را از ذهن پادشاه دل آگاه بیرون نماید .

عضدالملك مقاله علماء را در این خصوص تصدیق داشته متعهد شده است که همان شبانه شرفیاب بحضور شاه شده ، و مراتب مقصودعلماء را به شاه عرضه دارد .

بالجمله تمامی اجزای دولت و سلطنت را درآن شب از طرف واقعه دهشتناك روز وحشت و اضطرابی عظیم بود لهذا کل عساکر و نظامیها وافواجی را که حاضر دارالخلافه بودند با تمامی فراشان امر شدکه همگی را باتفنگهای مارتینی مسلح داشته در هر بند بندگذرگاههای تمامی شهر شب را تا صبح بیدار بوده حاضر و آماده مدافعه باشند خاصه اطراف عمارات سلطنتی را که دور تا دور سبزه میدان است امر شدکه عساکر پیاده صف بسته احاطه دارند و دورا دور ارك را نیزمقررگردید که تمامی سوارانی که حاضر پایتخت بودند تاصبح گردش نمایند

و درعمارات مخصوصی پادشاهی رانیزعلاوه بر سربازان ، و فراشان نیز مامورگردیده که حاضر سلاح بیدار و هشیار تا صبح پاس دارند انگلیسها و سایر خارجیان که مقیم دارالخلافه بودند جمعی ازایشان روانه و جمعی دیگر شبانه‌در لباس‌زنانه از شهر فرار نموده بهرسو رفتند وجمعی ازایشان که‌درشهر پنهان بودند برای محافظت اینان نیز جمعی کثیر از سرباز و سوار معین شدکه درکمال مراقبت و مواظبت آنان را حمایت نمایند .

بالجمله عضدالملك مرد خیر و صلاح اندیش همان شبانه مستقیما از مجلس‌گفتگوی با علماء شرفیاب حضور همایونی شده مطلب‌علماء را به بیان خوشی معروض حضور همایونی داشته و ازخود نیز برای اصلاح میانه پیرایه و خصوصیاتی چند اضافه نموده تا اینکه بهر قسمی بوده است خاطر شاه را از طرف آن تصورات کج اندیشانه که مردمان مفسد درباره علماء ذهنی سلطنت گردانیده بودند فارغ و آسوده نموده است .

و نیز در همان شب مفسده انگیزان حضرات علماء را خبر می دهند که دوصد سوار با یك ارابه کالسکه در موقع مخصوصی بیرون از شهر مامور و معین و مقرر گردیده است که همین امشب جناب ملاذ الاسلام آشتیانی بوضع مخصوصی که ترتیب داده اند شبانه بدان کالسکه باسواران روانه دارند این بود که حضرات علماء نیز از طرف این خبر وحشت و دهشت انگیز بتوهم وقوع چنین حادثه ناگوار در سرای جناب ملاذ الاسلام بسر برده و جمعی نیز قرآن در میان نهاده و به یکدیگر عهد و پیمان داده اند که در این خصوص از هیچ رهگذر ننشینند و در ممانعت و مدافعه ماموران باداباد تابجان بکوشند ۰

بالجمله حضرات علماء آنشبه را بدین شور واضطراب به پایان رسانیده صبح فردا که سه شنبه بود عضد الملك مجددا به منزل جناب ملاذ الاسلام آمده تفصیل عرایض دوشنبه خود را که ابلاغ در مقاصد علماء بحضور شاه معروض داشته سراسر شرح داده و حضرات علماء را نیز از مکنون شاه اطمینان و خاطر

جمعی کامل بخشیده بعد از تفصیل گذارشات دوشنبه خود از اضطرابی که علماء را از طرف آن خبر دروغین بود ماست آگاهی یافته در این خصوص نیز سوگندهای مغلظه یاد کرده که این قصه اصلاً دروغ و بدون منشاء بوده است شما در کمال اطمینان و خاطر جمعی ابدا گوش قبول بدین گونه افسانها ندهید•

باهمه این ها عصر سه شنبه از جا های مختلف خبر به حضرات میرسد که شب گذشته را به ملاحظه این که مردم متهیج بودند مصلحت ندانسته تاخیر انداختند ولی امشب راحتما امر شده است که ساعت پنج و شش جناب ملاذ الاسلام آشتیانی را بدان تفصیل بفرستند باهمه آن اطمینان دادنهای عضدالملك باز حضرات علماء بسبب این اخبار و نظر به این که وضع و روش دولت در تحت قانون و قاعده ومیزان معینی — منضبط نیست والا آن گونه اقدام و اهتمامیکه از جانب ملاذ الاسلام آشتیانی در خصوص فروسانیدن آتش ان فتنه نخستین محض محافظت ناموس ملت و دولت بظهور رسید چرا باید پاداش

این چنین عمل مصلحانه ایشان در نظر حق گذاری دولت این باشد که در هفته دیگر ایشان را عذر اقامت بخواهند ، و نیز بدین ملاحظه که فیمابین وزیر اعظم و عضدالملك چون خالی از فی‌الجمله کدورت نیست پس هرگاه این آشوب واختلالی را که در ظاهر انظار مردم اقدامات وزیراعظم منشا بوده است با اقدامات عضدالملك اصلاح وانتقام پذیرد هرآینه این معنی‌البته برطبع وزیر اعظم ناگوار و گران آمده از هیچ‌گونه اخلال در این خصوص خود داری نخواهد نمود .

بالجمله بدین ملاحظات حضرات علماء را قطع به صحت و صدق این خبر حاصل‌شده این بودکه در آن شب اهل علم دار الخلافه را نهایت درجه وحشت و اضطراب دست داده ، خاصه خانواده جناب ملاذ الاسلام آشتیانی که میتوان گفت در آن شب پریشان واندوهناك تر از ایشان درتمامی شهرنبودخود آن جناب گاهی به اندرون خانه زنان را از زاری و بی‌قراری و از ناراحتی تسکین داده امر به صبر و شکیبائی می‌فرمودند وگاهی

در سرای بیرونی مردمی راکه بدین جهت مجتمع بودند نصیحت فرموده ازفتنه سازی و شورانگیزی ممانعت می‌فرمودند .

بالجمله آنشب را تاساعت شش که موعد تعیین شده بدین منوال متوحش و مترقب صدق این خبر مدهش بودند قضارادر همان ساعت شش شخص محترمی با فانوس وجمعی‌نیز همراه اواز جانب عضدالملك ابلاغی آورده بود حضرات درنهایت ترس و خوف واضطراب که ناگاه صدای دق الباب و همهمه جمعیت ازکوچه بلند شدزنان اهل خانواده جناب ملاذالاسلام آقای آشتیانی را این معنی مسلم گردیدکه اینان‌همان‌ماموران‌دولتند که بقصد بردن جناب ملاذالاسلام آمده اند .

لاجرم یك مرتبه صدای ضجه ازخانواده آن جناب بلند شد تابالاخره که درخانه را گشودند معلوم شدکه آقای عضدالملك مخصوصا آنان را دراین خصوص جهت خاطرجمعی فرستاده‌اند آسوده وآرام شدند .

******

ازدحام مردم در مسجد شاه :

روزچهار شنبه مردم برحسب اعلانی که از علماء بد یشان شد بود در مسجد شاه مجتمع شده اثری از تفصیل اعلان سابق ندیدند لاجرم بسر وقت علماء باز آمدند مجددا ایشان را ازجانب علما باز اعلان شدکه بیرون رفتن جناب ملاذ الاسلام موقوف نشده و بنای اجتماع در مسجد شاه نیز چون منافی مصلحت بوده بهم خورده است علی العجالتا مردم در پی کسب و کارخود شان باشند تا هرگاه از نوع واقعه رخ دهد البته ایشان را آگاهی خواهند داد شب پنجشنبه ملك التجار طهران نزد آشتیانی رفته دستخط شاه را که در خصوص رفع اصل عمل امتیاز خطاب به وزیر اعظم امین السلطان شرف صدور یافته بود با مکتوبی که شخصا وزیر اعظم در این خصوص به جناب مستطاب ملاذ الاسلام نوشته بود تبلیغ نمود .

نامه شاه به امین السلطان

جناب امین السلطان امتیاز دخانیات داخله که چند روز

قبل موقوف شده بوداین روزها که امتیاز خارجه راهم موقوف فرموده ایم وکلیه این عمل بطور سابق شدبه تمام علماء وحکام ومردم اطلاع بدهیدکه مطمئن باشند وبرعایا حالی نمایند ۰

نامه امین السلطان به میرزای آشتیانی :

عرض می شود ملك التجار فرمایشات جناب مستطاب عالی را کاملا رسانیدندمایه کمال امتنان شدویقین عرایض اخلاص کیش راهم تماما وصحیحا بعرض رسانیده است وخاطر را ـــ مستحضر داشته است لازم دانستم که این مختصر راهم تحریر ومصدع خاطرعالی شوم که خاطرجناب مستطاب عالی از الطاف خاصه بندهگان اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی روحی فداه وازارادت واخلاص این بندها ازحالا تا هروقت بلکه بعون اللّه تعالی مادام مطمئن باشیدکه‌بهیچ وجه خللی و نقصی درآن حاصل نخواهد شد مشروط بر اینکه‌جناب مستطاب عالی هم به شبهات مفسدین وارباب غرض اعتنا نفرمائید وهر وقت هرچه عرض بشود ازاین بنده استفسار فرمائید تاحقیقه

معلوم شود زیاده ایام افاضت مستدام باد امین السلطان ·

یك چند روزی گذشت مجدداً وزیر اعظم ابلاغی خدمت جناب مستطاب ملاذ الاسلام آشتیانی فرستاده بودکه امتیاز رفع شده است چرا رخصت نمی فرمائید تامردم قلیان بکشند جناب ملاذ الاسلام باز همان جواب نخستین را اعاده فرموده‌اند وضع این حکم از من نبوده تا رفع آن نیز بدست من باشد این حکم از حضرت آیة اللهی بوده نقض این حکم و رفع نیز همان‌موکول محول بخود جناب ایشان است ·

ولی اولیای دولت ازاول تاکنون بهیچ‌گونه عذری ازعلما در این خصوص قناعت نداشته همه را از باب تعذر و طفره می‌پنداشتند این بودکه جناب ملاذ الاسلام پیغامی در این خصوص بعضد الملك فرستاده از ایشان خواهش نمودند که به یك تقریب خوشی خاطر شاه را ازاین‌معنی‌مصروف‌گردانیده که علمای دار الخلافه را از این تکلیف فوق الطاقه که‌در مقام نقض حکم حضرت آیة اللهی برآمد ممرد مرا رخصت د راستعمال

دخانیات کنند معاف دارند .

والحق از حسن کفایت واهتمام عضد الملك دراین خصوص دولت نیز از این معنی تا یك درجه صرف نظر نموده قرار بر این شد که حضرات علمای دار الخلافه هر یك جداگانه شرحی دراین خصوص تلگرافا بحضور حضرت مبارك آیة اللهی معروض داشته ضمنا از آنحضرت استحصال رخصت فرمایند و بملاحظه آن شدت و اهتمامی که دولت و ملت را دراین خصوص بود ملك التجار تعهد نمود که عرایض تلگرافی علماء را که دراین خصوص بحضور آیة الله شیرازی که معروض میدارند بوسیله حاج وکیل الدوله از کرمانشاه به بغداد تلگراف نموده و جوابش تلگرافنامها بوسیله پسر حاج حسن که مقیم بغداد است بطهران مخابره شود .

تلگراف حاج حسن از کرمانشاه به آیةآلله شیرازی

بغداد بتوسط حاج آقا عبد الرحیم حضور مبارك حضرت آیة الله العظمی آقای میرزا روحنا فداه هر چه تمامتر جواب گرفته

از بغداد بطهران تلگراف کنند ٠

جسارت بعرض می‌نماید علماء اعلام دار الخلافه سه‌طغری تلگراف بحضور مبارك عرض کرده و بتوسط جناب آقای ملك التجار دار الخلافه که از اجلاء اشخاص ودوستان فدوی است استدعای بذل مرحمت وعنایت درصد ورجواب کرده‌اند مستدعی آنکه از مرحمت جواب جناب معظم الیه وفدوی‌را قرین‌سرافرازی وافتخار فرمائید ،فدوی حسن ٠

صورت تلگراف آقای میرزای محمدحسن آشتیانی

بغداد بتوسط جناب حاجی عبدالرحیم وکیل الدوله خدمت ملاذ الانام حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آیة الله العظمی آقای حاجی میرزا محمدحسن دام عزه ، عریضه‌میدارد که امتیاز دخانیات از داخله ایران و خارجه آن بکلی به همت ملوکانه خسروانه و تدبیرات کافیه از جانب سنی‌الجوانب اعلی حضرت اقدس شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و دولته بتوسط حضرت مستطاب اجل اشرف وزیر اعظم آقای امین

السلطان دام اجلاله وکفایت ایشان از بابت آسودگی عامه رعایا واحترام حکم شرع که منسوب به حضرت عالی شده در باب منع ازاستعمال تنباکو و توتون رفع شده هرچند سابق بر این هم مطلب عرض شده بود چون سر بسته بود فی الجمله اجمالی داشت لهذا مجددا حاجت بعرض شد که صریحا اذن کشیدن قلیان وغیره را داده وضمنا اظهار قدردانی از این مرحمت ملوکانه بفرمائید و خدمت حضرت اجل را هم در ملت و دولت منظور داشته باشید الداعی المخلص میرزا حسن آشتیانی .

تلگراف آقا سیدعلی اکبر تفریشی به آیة اللّه العظمی شیرازی (قدس سره)

کرمانشاه ــ بغداد بتوسط جناب حاجی عبدالرحیم وکیل الدوله بشرف عرض حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیه اللّه فی العالمین آقای حاجی میرزا محمدحسن ادام اللّه افاضته می رساند که آنچه جناب شریعتمدار ملاذ الاسلام به عرض

رسانیده اند مطابق واقع می باشد انشاء الله مرحمت نموده تجویز شرب و توتون و تشکر از مراحم ملوکانه خدیوانه خواهید فرمود خادم شریعت مطهره علی اکبر تفریشی .

تلگراف حاج شیخ فضل الله نوری به آیة الله شیرازی :

کرمانشاه ــ بغداد بتوسط جناب حاج عبدالرحیم خدمت حضرت مستطاب حجه الاسلام و المسلمین آیة الله العظمی ــ ادام الله تعالی ظلّه العالی عرض می شود که چون سابقا به حسب حکم که از حضرت مستطاب عالی سمت انتشار یافت از نهی استعمال دخانیات بمجرد استماع عامه مسلمین اطاعت نمودند و بکلی ترک نمودند و فعلا نیز متروک است از آنجا که ذات اقدس همایون اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه دین پناه ایدالله شوکته همواره در تبعیت قواعد دین مبین کمال اهتمام و بذل جهد می فرمایند بتوسط حضرت مستطاب اشرف اجل وزیر اعظم آقای امین السلطان و کفایت ایشان محض استدعای

حضرت عالی و رعایت رعایای مملکت محروسه ایران رافت و مرحمت فرموده اند امتیاز انحصار که بخارجه مرحمت شده بود موقوف وید خارجه راازتصرفات دخانیات ایران در داخله‌وخارجه کوتاه و مسلوب الاختیار فرموده اند و حسب الامر اقدس اعلانات شافی بعموم رعایا شدکه به کمال امیدواری به مراحم ملوکانه بدعاگوئی وکسب و تجارت خودکما فی السابق من غیر تفاوت مشغول باشند و سابق بنحو اختصار تلگراف تشکرعرض شده بودچون فعلا رفع مانع بکلی شده و بالمره امتیاز بر داشته و امر بحد خودکما هو حقه رسیده مستدعی از حضرت عالی آنکه بعبارت صریح واضح بعد ازتشکر از مراحم ملوکانه اجازه فرمائید که خلق مشغول استعمال دخانیات کمافی‌السابق باشند واز مکاسب خود باز نمانند و مشغول بدعاگوئی سلامت ذات اقدس همایون شاهنشاه دین پناه متع‌اللّه المسلمین بطول بقائه و دولته باشند و این عرایض صادقانه‌از احقر فضل اللّه النوری است شیخ فضل اللّه نوری ٠

تلگراف امام جمعه به آیة اللّه شیرازی

بتوسط جناب مستطاب حاج عبد الهادی تاجر استر آبادی

خدمت حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آیة اللّه فی العالمین محمد حسن شیرازی دام ظله العالی در فقره تفصیلی واقع گردید که عرضش حضور عالی لازم است سواد دست خطی از حضرت عالی معروف گردید که عین عبارت آن بسم اللّه الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بایّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوات اللّه علیه است حرره الاحقر محمد حسن الحسینی ·

بعضی گفتند دست خط حضرت عالی نیست بعضی گفتند هست چون نسبت به حضرت مستطاب عالی داده شده بود شاهنشاه اسلام پناه به جناب امین السلطان امر فرمودند امتیاز دخانیه بکلی موقوف و برداشته شد و بحالت اولیه رجوع کرد و به زحمت امتیاز و انحصار دخانیات را از داخله و خارجه برداشتند و داعی و سایر آقایان علماء بشکرانه این مرحمت

تلگرافی حضور حضرت عالی عرض نمودیم جواب رسید چون تصریح نسبت بحلیت قلیان نشده بود بین عوام غائله مرتفع نشده است حال لازم شد تلگرافا عرض کنم که چنانچه قلیان حرمت ابدی دارد تلگراف فرمائید که دیگر احدی قلیان نکشد و چنانچه اصلا حرمت نداشته و یا بعد از رفع علت وبرداشتن امتیاز حرمت پیدا نکرده نیز مفصلا تلگراف فرمائید که جمیعا اطاعت نموده رفع تردید و فساد عوام بشود تعلیقه که در حق جناب شریعتمآب آقای حاج سیدعلی اکبر سلمّه اللّه تعالی فرموده بودید کتبا جواب عرض کردم علاوه بر این تلگراف که می‌فرمائید جواب این عریضه را نیز کتبا دستخط مبارك باذن و رخصت یاحرمت قلیان و منع مفسدین فرمائید که لازم است

امام جمعه .

اعلان مردم و اضطراب دولت و شاه

بسبب همان سبق ذهنی که دولت را باعلان دروغین مردم سود باهمه این تفاصیل بازهم دولت از طرف علماء ازهیچ روخاطر

جمعی نیافته درغایت تشویش واضطراب بودکه مبادا حضرات علماء را دراین ایستادگی واضراری که برمتارکه وامتناع از دخانیات دارند خیال فتنه سازی وشورانگیزی دیگر درخاطر باشدعلی الخصوص که درهمین ایام نیز همه روزه بدرودیوار ارك وسایر گذرگاههای شهراعلانهای تهدیدآمیز بدین مضمون ازطرف مردم نوشته وچسبیده میشدکه‌ای ناصرالدین شاه روز دوشنبه چون علمای ما عزیمت بیرون رفتن داشتند ما مردم محض متابعت مجتمع شده بودیم همچنین محض تظلم بودکه همه رعیت ازوضع سرپیچی توازاطاعت این امر جهان مطاع یگانه پیشوای نافذالحکم عالم اسلامی بستوه آمده اند وهمه کس‌را نکبت این وضع سرپیچی تو ناگوار است درآنهنگامه هیچ‌کس را اصلاخیال ستیزگی با دولت نبود تامهیای مدافعه باشند اکنون که وضع ملك بی اعتدالانه این دولت وسلطنت مشهود خاص وعام گردید رعیت را دراین دولت با اینکه غرق طوفان محنت وبلا باشند ازهیچ روحق وحد داد

خواهی نخواهد بود ما هم بفکر کار خود افتاده چنانچه شاید و باید برای خودمان بفضل خداوند تهیه لوازم جنگ واستعداد مقابلی با توپ و تفنگ ترا دیده حتی اینکه مخصوصا از قبیل تفنگهای مارتینی که تمام دل گرمی و خاطرجمعی تو به آنها است چه قدرها حاضر و آماده داریم هرگاه این داستان رفع امتیاز بازیچه وصوری از کار درآمد و معلوم شد که این همه اوضاع مبنی بر خدعه و فریب رعیت بوده هر وقت باشد ، با جمعیت واستعدادی که هرگز گمان نداری خروج نموده واگر در سوراخ جانوری پنهان باشی بیرونت آورده وخونت را نیز خواهیم آشامید ،فساد انگیزان میانه نیز برای به کرسی‌نشاندن سخنان مفسده خیز خود شان صورت اینگونه اعلامیه ها را از در و دیوار گرفته بنزد شاه می‌برند شاه هم نیز برای تسجیل‌بر علما مستقیما نزد میرزای آشتیانی فرستاد که اینها چیست وازکیست؟ واینگونه شورش وآشوب در مملکت از چه رو می‌تواند بود جناب معظم الیه در رجواب می‌گفتند عجب است از شاه که این

مقوله گفتار و کردار مردم را بر علماء حجت گرفته خاطر شاه بدین جهت از طرف علماء آزرده باشد ٠

بالجمله ملت و دولت با این شدت اضطراب همه در این انتظار بودند که در جواب تلگراف علما از طرف آیة اللّه شیرازی رخصت در استعمال دخانیات برسد شاید که بدین وسیله این غائله واغتشاش از میان برخیزد این بود ٠

تلگراف حضرت آیة اللّه شیرازی بمیرزای آشتیانی :

در نوزدهم همین ماه که ده روز بعد از تاریخ تلگرافات علما باشد قضاءرا تلگرافی از جانب مستطاب حضرت اسلام پناهی بنام آقای میرزا رسیده بدین صورت سرکار شریعتمدار افتخار مجتهدین العظام عماد الاسلام آقای میرزا محمد حسن سلّمه اللّه تعالی تلگراف جناب عالی وسایر علمای اعلام در باب رفع دخانیه رسید اگرچه به مراحم ملوکانه والتزام شاهنشاه دین پناه خلد اللّه ملکه باحکام شرعیه و فرمودن جنابعالی و سایر علما کثّر اللّه امثالهم کمال وثوق واعتماد است ولی چون تلگراف در

این وقت محل اعتماد نیست متوقع اینکه بخط شریف تصریح فرموده که انحصار بکلی از داخله وخارجه بحسب واقع ازایران مرتفع و دست اجانب را ازاین عمل بالمره قطع نموده‌اند ، و احتمال عود وتبدیل و تبعیض بهیچ وجه نیست تا سبب خاطر جمعی این جانب شود والان بموجب شریعت مطهره‌استعمال دخانیات جایز نیست و حکم به حرمت کمافی‌السابق بر قرار است تغییر نخواهد یافت محمدحسن الحسینی .

و نیز تلگرافی از جانب آن حضرت درجواب آقای امام‌جمعه دارالخلافه رسید بدین صورت جناب مستطاب ملاذ الانام‌ظهیر الاسلام‌آقای امام جمعه سلمه الله تعالی تلگراف جنابعالی درباب دخانیه رسید درصدور حکم سابق وارتفاع آن‌سئوال فرموده بودید بلی سابقا حکم کرده ام و هرچند جناب عالی و سایرعلمای اعلام تصدیق برفع اختصاص فرموده اید ونهایهٔ اطمینان و سکون نفس به معدلت وحسن نیست اعلیحضرت ظل‌اللهی دارم ولی بجهت عدم اعتماد بطریق تلگراف در

این اوقات فعلا رخصت موقوف است براینکه از طریق معتبر دیگر واقع حال بر خود حقیر معلوم شود و خود اخبار کنم و الا حکم بحرمت کما کان باقی است ۰

محمد حسن الحسینی

بالجمله از وصول این جوابها که بدین صراحت و وضوح در منع ازدخانیه تاکید وتشدید شده بود بر تشویش واضطراب اولیای دولت اظهار این تلگرافات را موافق صلاح وقت ندانسته به تلگرافخانه دارالخلافه وسایر تلگرافخانهای بلاد محروسه غدغن اکیدی شدکه در این خصوص هر تلگرافی که منافی مقاصد حالیه دولت باشد پنهان داشته اصلا اظهاری ندارند ، لهذا تلگرافاتی که در این خصوص ازجانب حضرت آیة اللّهی بسایر بلاد محروسه نیز فرستاده شد همه جا مامور تلگرافخانه پنهان داشته و تا این غائله در میان بود اظهار ننمودند صورت پاره این تلگرافنامه ها که به وسائلی چند بدست آورده ایم ، عینا می نگاریم ۰

تلگراف آیهٔ اللّه شیرازی به تبریز و اصفهان :

جناب مستطاب شریعتمدار ملا ذالانام ظهیر الاسلام آقا حاج میرزا جواد آقا دام علاه از آذربایجان سئوالاتی از حکم حقیر بحرمت استعمال دخانیات رسیده بلی حکم کرده‌ام ولی اکنون تغییر نیافته و برقرار است و تاخبر محقق برفسع حکم از حقیر بخود جنابعالی نرسد البته امر باستمرار ترك خواهیــد فرمود ٠

محمد حسن الحسینی ٠

اصفهان جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاج شیخ محمد تقی سلمّه اللّه تعالی از اصفهان سئوالاتی از حکم حقیربحرمت استعمال دخانیات شده بود بلی حکم کرده ام فعلا حرام است وتارفع ید فرنگی بالمره از داخله و خارجه بطریق تحقیق — معلوم نشود و خود اخبار برفع نکنم حکم منع باقی‌واجتناب لازم رخصت نیست ٠

شیراز جنابان مستطابان شریعتمداران آقا میرزا محمدعلی

و آقاشیخ محمد حسین سلمهما الله تعالی سئوال از حکم حقیر بحرمت دخانیات فرموده بودید بلی حکم کرده ام وفعلا حرامست و تا رفع ید فرنگی بالمره از داخله وخارجه بطریق تحقیق معلوم نشود و خود اخبار برفع نکنم منع باقی واجتناب لازم ورخصت نیست

محمد حسن الحسینی

تلگراف این جانب به یزد و سبزوار :

یزد خدمت سرکار شریعتمدار آقای آقا میرسیدعلی مدرس از تفصیل احکام محکمه بندگان حضرت مستطاب حجة الاسلام آیة الله العظمی دام ظله العالی برحرمت استعمال دخانیات به ایّ نحو کان البته اطلاع دارید ولی اکنون بر حکم مزبور باقیند و مقرر فرموده اند که مادام که رفع امتیاز بالمره از داخله وخارجه بطریق تحقیق برخود شان محقق نشود و اعلام جدید برفع حکم نفرمایند حکم به حرمت باقی واجتناب لازم و رخصت نیست .
دستخط مبارك بهمین مضمون خواهد رسید .

سبزوار خدمت مستطاب عماد الاسلام آقای حاج میرزا ابراهیم

شریعت ار دام علاه‌بجهت مفاسد مداخله اجانب د ربلاد اسلام بندگان حضرت حجة الاسلام آیة الله فی العالمین دام ظلــه العالی حکم بحرمت استعمال مطلق دخانیات بای نحو کا ن فرمود ماند که البته باطلاع جنابعالی رسیده محض اعلای کلمه حق عرض می‌شود که فعلا هم برحکم بحرمت باقیند و تــا رفع مداخله آنها از داخله وخارجه برخود شان محقق نشود اعلام برخصت نمی‌فرمایند حکم بحرمت باقی واجتناب لازم و رخصت نیست حسین النوری ٠

تلگراف خانهای بلاد محروسه نیز همه جا این تلگرافات را از مردم پنهان داشته و صورت آنها را بدارالخلافه اعلان ننمود و اولیای دولت را از تفصیل این تلگرافها مستحضر گردانید ٠

نامه امین السلطان به آیة الله شیرازی

این شد که امین السلطان چاره کار را منحصر بدین یافته که حقیقت حال را درحضرت آیة الله محقق و مکشوف گرداند تا بدین وسیله این غائله از میان برخیزد

لهذا در این خصوص عریضه ای کتبا بحضور مبارك حضرت اسلام پناهی معروض داشته اندصورت این عریضه را که به یك وسیله بدست آورده ایم عینا می‌نگاریم .

خدمت بارفعت شریعت آیت جناب مستطاب غوث الاسلام والمسلمین عمادالدین حجه الاسلام کهف الانام هادی المضلین افتخار المجتهدین آیة الله فی العالمین آقای حاجی میرزا محمدحسن مجتهدالعصر سلّمه الله تعالی دام افاضاته مشرف شود .

ملاذالاناما حجة الاسلاما قبله گاها چون این مسئله — اعطای امتیاز تجارت دخانیات به کمپانی درانظار و اذهان محل بعض شبهات گردیده و حقیقت آن در پرده خفامانده است ،واین بنده لازم شمردم سبب اقدام و ایقاع وجهت الغا وارفاع آنرا من البدوالی الختم بطریق ایجاز کماهوالواقع — باطلاع خاطر شریعت مظهر جناب مستطاب عالی دام افضاله برسانم که از بادی و خاتمه آن مستحضر شده بالکلیه کشف غطا

از این مسئله بشود لهذا بتصدیع می پردازد که چون در ایامی که مرحوم حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله به خدمت صدارت عظمی در این دولت جاوید مدت مفتخر بود با کمپانی انگلیس قرارنامه تمدید راه آهن از بوشهر تا گیلان را منعقد ساخت و قرارنامه مزبور بقدری متضمن خطرات دولتی وملتی بود که علاوه بر ثلمه های حقوق دولتی تمام حدود ملکی و ملی هباء منثوراء معدود بود همان اوقات ذات کامل الصفات اعلی حضرت قوی شوکت اقدس همایون ظل اللهی ارواحنا فداه خطرات مزبور را به نظر دقت ملاحظه وخود آن مرحوم را بالغاء آن قرارنامه ملکف و محکوم فرمودند هر قدر با کمپانی مزبور و دولت انگلیس مذاکره کرد مقصود حاصل نگردیده ، بر اصرار آنها افزود تا مشارالیه مرحوم شد بعد از آن نیزتا زمان مسافرت اخیره همایونی بفرنسگستان این مسئله بحالت اولیه باقی بود که تقریبا چهارده سال طول کشیده و برقوام ادعای کمپانی ومخاطرات افزوده بود در آن سفر بازحمات و تدابیر

و شمول تفضلات خداوندی آن قرار نامه میشومه لغو و این امتیاز تجارت دخانیات که آن وقت همچو می‌نمود که بهیچ وجه ضرری برای دولت و ملت ندارد برقرار شد و از آن مخاطرات عظیمه آسودگی حاصل آمد بعد از اقدام باجرای فصول این قرارنامه متدرجا معایب و مضار مخفیه این امتیاز نیز به ظهور پیوسته زراع وتجار و رعایای دولت‌علیه به مقام عرض و اظهار مضار مزبوره آمدند نظر به آنکه ذات ملکوتی صفات همایونی رعایت رعایای دولت ابد بنیاد را که ودائع محترمه رب العباد میباشند همواره برعهده شاهنشاهانه خود فرض می شمارند از فوائد این کار بکلی صرف نظر و بامحای آن عن الاصل امر ومقرر فرمودند مخلص با کمال شعف بالجنان والارکان مشغول اجرای این اراده مطاعه مبارکه بود که در آن بین از لطائف غیبیه فقره احراز شرب دخان الهام و مقوی اصل مقصود محمود همایونی گردیده شوق وجهد بنده نیز در الغاء وامحای این امتیاز بهزار چندان کشیده خالصا مخلصا کوشیدم تابحمدالله تعالی بکلی

محو و کان لم یکن شیئا مذکور اشده عموم رعایا و برایا و تجار و زراع آسوده و آزاد شدند والان وجها من الوجوه و لو بقدر الذره احدی از خارجه مداخله در زراعت و بیع وشری وتجارت وحمل ونقل و انتقالات دخانیات ندارد وعامل هائیکه در ولایات داشتند برداشتند الحق هم مشغولند که محاسبات خود را با مردم پرداخته بروند بعضی اخراج شده عنقریب حوزه ایران از وجود آنها خالی می‌شود منتها این است که دولت علیه ضرر و خسارت وارده بر آنها و مخارجی که کرده اند محض رفاه رعیت واجرای حمایت ملت و ترویج شریعت از ممر دیگری که ضرری برای احدی نخواهد داشت بمرور خواهد داد ۰

مقصود از غرض و زحمت این است که خاطر عالی از حقیقت این مسئله کما هو حقه مسبوق و مستحضر باشد که بعض مفسدین در ایران القاء شبهات نکنند وخاطر علمای ملت را از همچو پادشاه عادل بادل دین دارکدر ننمایند چونکه آن جنابعالی بهتر میدانید بعضی از فرق مختلفه باطله ازبابی ود هری و غیره

در میان مردم پنهان هستند وخود را در لباس دیندار واسلام محفوظ داشته درموقع از هیچ فتنه و فساد و بهم انداختن مردم مضایقه ندارند و برای اینکه در مملکت فسادی بر پا کنند و مسلمانان را به یکدیگر انداخته خود به مقصود برسند ۰

هر روز اعلانی از قول علمای دین مجاور عتبات عرش — درجات بر ضد دولت به عبارات رکیکه درکوچه و بازارمیچسبانند مردم صادق وساده عوام هم که خبر از جائی ندارند ، تصور حقیقت نبوده بعض عیوب و مفاسد از این امر ظاهر می شود که برای دین ودولت هرد و مضر است و این وظیفه علمای اعلام است که مردم را تنبیه و آگاه فرمایند فی شهرجمادی الاخرد ر سنه ۱۳۰۹ بالجمله درهمین ایام بسبب همین شورش وهیجان که میان مردم عمومی دارالخلافه و بلاد محروسه سایره در افتاده بود امنیت طرق و معابر مملکت رانیز تایکدرجه اختلال واغتشاش روی نمود و از این معنی یك به چندین نیز به وحشت و اضطراب اولیای دولت افزود ۰

تلگراف آیة الله شیرازی به میرزای آشتیانی

در این اثناء بفاصله یك چندی از وصول تلگراف نخستین حضرت آیة‌اللهی که در جواب تلگرافات علمای دارالخلافه ارسال شده بود تلگراف دیگری نیز از جانب حضرت اسلام پناهی بنام آقای میرزای آشتیانی در این خصوص رسید بدین صورت :

بسم الله الرحمن الرحیم :

خدمت سرکار شریعتمدار مجتهد الزمان ملاذ الانام ، آقا میرزا محمد حسن آشتیانی سلمه‌الله تعالی سابقا تلگرافی در امر دخانیه و تعلیق اذن بر وصول خط شریف عرض شده ولی فعلا محرمانه می‌نویسم در اصلاح این امر حال که اولیای دولت اقدام دارند باید جناب عالی برمکنون خیالات ایشان مطلع باشید و از کیفیت علاجی که در این باب متصدی میشوند مستحضر شوید که مودی به فساد دیگری نباشد که در علاج او بازگرفتاری جدیدی برای دین و دولت دست بدهد والبته آن سندی که دولت بفرنگیها داده مسترد دارند که دیگر اجانب امیدی

مملکت ایران نداشته باشند دیگر مقطوع الرجاء شوند وباید از جانب دولت اطمینان کاملی برعیت داده شود و فرمانی مستحکم در رفع ابدی این امر و مختاریت رعیت صادر شودکه بر بیع و شرای در داخله و حمل به خارجه مسلط باشند تاازهرجهت قلوب رعیت از وحشت و اضطراب بیاساید واز وخامت عاقبت این کار مامون شوند و تا تفصیل مطلب بهمین وجه برخود احقر به تصریح جناب عالی معلوم نشود اذن نمی‌توانم داد حکم به حرمت مستمر است و همین مطلب را باجناب آقای امین — السلطان در موقع مناسب مذاکره و مسئله را موافق صلاح دین و دولت فصل بفرمائید محمد حسن الحسینی .

این تلگراف نامه را چون نظر باصلاح دولت منافاتی تمام داشت دولتیان به میرزای آشتیانی نرسانده و مخفی نمودند

نامه شاه بامین السلطان : ضمنا چون تلگراف علما معلوم می‌شد که آنها اعتماد به رفع دخانیه بگفتار دولت ندارند لهذا شاه نامه دراین خصوص مینویسد نایب السلطنه امین السلطان

و سایر وزرای محترم دولت این یادداشت ما راملاحظه کرده ، و برای تجار محترم وغیره و تجار تنباکو فروش قرائت نمائید حکمی که پادشاه ودولت می‌کند او را خود دولت لازم الاجرا می داند وهر حکمی که می‌کند چه در داخله و چه درخارجه ازروی خدعه و اشتباه نخواهد بود .

یك وقت مقتضی شد عمل دخانیات را به کمپانی انگلیس بدهند دادند چندی بعد مقتضی شد که آن امتیاز راازآن کمپانی بگیرند و گرفتند اعلان دولتی هم نوشته و بهمه جا انتشار داده شد که این عمل از کمپانی گرفته شده است علاوه براین ، خود کمپانی انگلیس هم اعلانی نوشت که دولت ایران این امتیاز رااز من پس گرفت و کف یدازمن شد هر کس در طهران یا ولایات دیگر تنباکوئی بمن فروخته بیاید پول خود را بدهد وتنباکورا پس بگیرد و بهمه معابر چسبانده همه مردم را مطلع ومستحضر کرد که این امتیاز از من خلع شده باوجود این همه توضیحات واسناد و احکامی که صادر شد در فسخ و ابطال این قرارنامه های ـ

دخانیات باکمپانی کمال تعجب داریم از اینکه باز می‌شنویم درمیان مردم و تجار وغیر ذالك اشتباهی دراین فقره حاصل است که رفع دخانیات نشده واگر شده باشد موقتی است ·

اولا معلوم است که این انتشارات را اشخاص مفسد رذل که بدخواه ملت و دولت هستند می‌دهند واین اراجیف را شهرت داده اند البته هیچ شخص عاقل دولت‌خواهی نباید به این حرف های بی‌معنی واقوال مجعولی اعتنا بکنند بلکه بر همه اعالی و ادانی و بر همه نوکرها و رعیت های دولتخواه صادق وصمیمی لازم و واجب است که بعد از این از هرشخص مفسد مغرض که این حرف ها را بشنوند یااعلانی بیهوده بنویسند و نصب نماید و او را به بینند گرفته به حکومت تسلیم نمایند که آنها را تنبیه شایسته نمایند چرا که این نوع شهرتهای بی معنی مفسده انگیز باعث نا امنی تجار وکسبه و رعایا و تمامی‌اهالی مملکت و نا امنی طرق و شوارع شده وکسب و تجارت از میان خواهد افتاد وآن وقت دولت لابد می‌شود که برای نظم امور

تشدیدات فوق العاده بظهور برساند و خود شخص رئیس دخانیات البته نمی‌تواند بعد از موقوفی مجددا دخیل امور دخانیه بشود بقای این شخص رئیس دخانیات عجالتا در طهران برای این است که محاسباتی که با مردم دارد مفروغ و ادعای خارجی که در این امور کرده و با دولت دارد قرارش را داده و کار خود را تمام کرده راهش را بگیرد و از این دولت برود و این هم البته یک دو ماهی طول دارد که کارش تمام شده آن وقت برود از آن طرف رئیس تنباکو از تمام شهرها و بلاد های ایران امور و عملجاتی که برای اتمام این کار داشت چه از فرنگی و چه ایرانی تماما را متفرق واحضار و جواب داده چنانچه یک نفر در ممالک و بلاد ایران از این اشخاص نیست اگر در جائی باشد و کسی مطلع است بعرض برساند تا دولت او را خارج نماید و باز هم مکرر می‌کنیم که این کار بالمره خارجا داخلا متروک و موقوف شده است دائمی است و ابدا موقتی نیست و این امتیاز را بعد از این دولت باحدی از تجار خارجه و داخله

نخواهد داد تمام آسوده و مطمئن باشید تمام این یاد داشت به حکم و فرمایش ما است که دراین ورقه نوشته‌اند و سوادی ازاین فرمایشات را ملك التجار بر داشته بهمه جا منتشر نماید توشقان ئیل ۱۳۰۹ بالجمله باهمه اینها بازهم تمامی مردم با اصرار هر چه تمامتر بر امتناع و متارکه از شرب دخانیات ثابت وهیچگونه وقع و اعتنائی باعلان شاهنشاه نه بسته و همگی‌ازعالم وعامی بانتظار وصول جواب تلگراف علماء از سرمن رای نشسته بودند حا آنکه جواب تلگرافات علماء بدان صورت که نقل شدند مدتی بود در تلگراف خانه پس پرده اختفاء رفته و رو از مردم نهفته بود و اولیای دولت بدین ملاحظه که مبادا دوباره از نو شور و شورشی در میان مردم بپاخیزد مصلحت دراظهارآن‌نمیدیدند تا اینکه اتفاقا دستخطی‌از ناحیه بندگان حضرت اسلامیان پناه که در خصوص جواب سئوال از صحت حکم‌منسوب به‌آن حضرت درتحریم استعمال دخانیات همان اوائل امر شرف صدوریافته بود و در ضمن تلگرافی که سابقا بنام جناب شریعت مدار حاج

شیخ فضل‌الله نوری از سرمن رای فرستاده بودند نیزاشاره‌بدان دستخط شده بودچنانچه صورت آن تلگراف نامه درسابق عینا نقل نمودیم این دستخط مبارک اتفاقا همین ایام ازسرمن رای برای علماء رسیدصورت سئوال و جوابی بودکما ولا ازصحت حکمی که دراین خصوص منتسب بحضرت آیة اللهی اشتهار یا فته سوءال نمود در ثانی سئوال دیگری از حکم استعمال‌دخانیات بر تقدیر رفع این امتیاز شده بود جوابیکه دراین خصوص به دستخط مبارك حضرت اسلامیان پناه ملاحظه شد بدین صورت بود :

بسم الله الرحمن الرحیم : بلی صحیح است و همچنین‌ــ است هرچه سبب مداخله خارجه باشد در بلاد مسلمین‌وسئوالی که بر تقدیر رفع امتیاز شده جواب آنست‌که بر تقدیر رفع از این جهت منعی ندارد ٠

حرره الاحقر محمدحسن الحسینی ٠

علمای دارالخلافه که ازشدت اصرار اولیای دولت بررخصت

دادن در استعمال دخانیات بستوه آمده بودند و تقدیر رفع امتیاز نیز نزد خود شان محقق بود و سبب فحص از داخل و خارج به صدق اعلانات دولت و رفع کلیه امتیاز و ثوق ، و نیز اطمینان کامل یافته بودند همین رخصت و اذنی را که از این دستخط مبارك حضرت آیة الله استفاد میشد وسیله استخلاص خود از گرفتاری های سئوال وجواب با دولت قرار داده در سه شنبه بیست پنجم جمادی الثانی ۱۳۰۹ ه‍ ق از روی همین دستخط مردمان را از جانب حضرت اسلام پناهی اعلان بحلیت دخانیات ـ دادند این خبر وجد ونشاط انگیز نیز به زودی هرچه زود تـــر همه جا انتشار گرفته دسته دسته و فوج فوج وجدکنان از پی تحقیق این شایعه روی بدار الشرع علماء آوردند صورت ایـن دستخط نیز آنروزه چنانچه معروف و مسلم بود تا بده هزار نسخه رسیده و همه جا انتشار یافت آن روز خجسته فیروز همه اسلامیان را از دولت و ملت عید اعظم گردید .

اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذِی اَذهَبَ عَنّا الحَزَنَ اِنَّ رَبَّنا لَغَفورٌ شَکورٌ

شخص شاه در آن روز در نزهتگاه دوشان تپه بود بمجرّد وصول این خبر و آگاهی یافتن ازاین تفصیل همان روزدرکمال انبساط خاطر به شهر مراجعت نموده واهتمامات علمای ملّت رادر این خصوص خیلی تشکّر و ستایش کرد از آنجمله گفت حقیقت ماقدر علماء را نمی‌دانستیم علماء در واقع دولتخواه مابودند ،و به طورهای دیگر مطلب را حالی ما کرده بودند واقعاً ازاین اقدام و اهتمام علماء نه همین تنها بنیان دولت ایران مستحکم‌واستوار شد بلکه مخصوصاً دولت قاجاریّه نیز پاینده و برقرار گردید و الحق این گونه اظهارات دلیل کمال انصاف و حقیقت بینی و حق گذاری این پادشاه ملت خواه دل آگاه است البته هر کس از اوضاع که تاپیش ازاین واقعه در ایران بتدریج برقرار شده بود تفصیلا آگاهی یافته باشداو را مسلم است‌که بسبب آن نفوذ کلمه و اقتداری‌که دول فرنگستان را در ایران حاصل آمده بود دیگر ازاستقلال ایران تنها جز یك اسم بلاهیچ رسمی باقی نمی نمود .

در حقیقت وضع سلطنت ایران همان قصه (شیر بی پا و سر واشکم می‌مانست) مردم فرنگستان را این معنی مسلم بود که در تن این مملکت بعد از این همه لگدکوبی‌های پیاپی که ازخودی و بیگانه تدریجاً بر تن این مملکت وارد آمده ، دیگر جانی باقی نمانده است که بتواند مبدء حس و حرکتی گردد و این عقیده نه تنها مخصوص فرنگیان بوده سایر مردم کارآگاه رانیز نظر بوضع رفتاری که همسایگان از یک چندی به‌این‌طرف در ایران سلوک می‌داشتند واز هیچ‌کس و هیچ جاصدای سرفه شنیده نمی‌شد این معنی معلوم ومعین بودکه سلطنت ایران در یک‌حال نزع ممتدی است که در این آخریها باعتقاد شان دیگرکار ایران نزدیک بدم واپسین و نفس آخرین رسیده‌است و سبب عمده و منشاء اصلی این ضعف مزاج وانحطاط قوای ایران ما باین پایه همان ضعف نفوذ کلمه ملت بودکه به سبب حرکات فرنگی مآبانه بعض کارگذاران مملکت آن درجه نفوذکلمه و آن مرتبه اقتداری را که ملت اسلام در این‌مملکت دارا بود از

يك چندی به اینطرف بتدریج چندان کاسته و ضعیف شده بود که در ممالك ایران از آئین مسلمانی جز صرف یك صورت و اسم بی‌هیچگونه معنی و رسمی باقی نمانده بود بحدی که مردمان راسخ العقیده را نظر بباطن امرکه میدیدند درحقیقت کفرتمامی عالم حتی ایران هم فرا گرفته ۰

امیدواری تمامی بود که فرج موعود را جلوه شهود بهمین نزدیکها خواهد بود ، بطوری که بعض ارباب معرفت را گمان این بود و از این روش کار نیز چنین می‌نمود که حتی کهول همین عصر را درك سعادت ایام ظهور موعود سرور صاحب کار این ملت دست خواهد داد و مردم انگلستان نیز همین ضعف حال ملت میزان و مقیاس کار خود شان گرفته حرکات آینده خود شان را در ایران از این رو نقشه معین می‌کردند و چون روح ملت را در تن این مملکت بنهایت پژمرده و ضعیف یافته بودند این بود که مردم فرنگستان ازاین شور و جوش ملی ایران که در این واقعه امتیاز دفعتا بظهور رسید بغایت درعجب شده شور و

غلغله این هنگامه تمامی ممالك آسیا و اروپا را فرا گرفته سهل است که تا آمریکا یعنی ینکی‌دنیا نیز رسید تا یك چندی از زمان غلغله این هنگامه حصه بزرگی از صحائف صفحات واوراق روزنامه های تمام زمین را مشغول بخود می‌داشت از جانب دول بزرك حتی از آمریك که ینگی دنیا باشد در این واقعه بسفرای خود شان که مقیم طهران بودند وهمچنین بقونسلهائی که در بغداد اقامت داشته اند تلگرافنامه ها رسیده که این شخص مطاع نافذالکلمه (یعنی بزرگترین پناه اسلام واسلامیان قطب دائره عالم تشیع میرزای شیرازی)که درمقابل چهار دولت بزرگ دنیا از یك کلمه او چنین هنگامه عظمی برپا شده است کیست وحالات مخصوص او چیست ٠

بالجمله این بودکه بسبب آن اصرار و اهتمامی که مامورین خارجه را در پرسش وکاوش از جلالت وحالات شخصی حضرت اسلام پناهی می‌بود خیالات بسیاری مردم از این رهگذر پریشان شده که مبادا درباره آن حضرت سوء قصدی درنظر گرفته

باشند ۰

از حکیم طولوزان فرانسوی که از دانشمندان نامی اهل فرنگستان است و طبیب حافظ الصحه مخصوص پادشاه بطور موثوق این کلمه نقل شدکه در این خصوص گفته بود ما تاکنون معنی این مقاله اسلامیان را که در مقام دعا از جمله طلب فرج می‌کنند نفهمیده بودیم در این واقعه درست فهمیدیم که معنی و مقوله فرج چیست و این چنین امری غیر ممکن چگونه خواهد بوقوع رسید ۰

تلگراف آقای میرزای آشتیانی بآیة اللّه شیرازی

پس از آنکه از جانب علمای دارالخلافه مردم را اعلان به حلیت دخانیات داده شد و هنگامه فرو نشست و مردم پی‌کسب و کارخود رفتند آقای میرزای آشتیانی عریضه تلگرافا در این خصوص بحضور مبارك حضرت اسلام پناهی معروض داشته اند که عینا نقل می‌شود بتوسط جناب حاجی عبدالرحیم وکیل‌الدوله بعرض ملازمان حضرت حجة الاسلام آیه اللّهٔ العظمی فی‌الانام

دام ظله العالی می رساند ۰

درجواب تلگراف داعی صمیمی دستخط فرموده بودید آن تلگراف ابتداءً زیارت شد هر چند در باب رفع امتیاز دخانیه از خارجه بدون تبعیض و توقیت بصحابت پست نوشته از جهت آسودگی خاطر مقدس عریضه شد و فرستاده شد ، الان هم عرض می‌کنم که بهیچوجه در این باب تزلزل وتردیدی از برای بندگان حضرت مستطاب عالی نباشد واعتبار به عرایض اطرافی که بنای آنها به غرض یابی‌اطلاعیست نفرمایند ، یری الشاهد مالا یری الغائب ،وجود شریف بندگان اعلیحضرت ـ شاهنشاه جمجماه اسلا میان پناه خلد اللّه‌ملکه‌ود ولتها هتمامات ملوکانه بدیعه در رفع این امتیاز فرمودند که از قدرت غیر خود شان خارج بود ۰

و در انظار ارتفاع آن با اینکه طرف دول قویه بود ، و عمل گذشته بود باندازه هم که معتد به است کمپانی فرنگی متضرر شده و مع ذالك محض اطاعت حضرت مستطاب عالی و

آسودگی و دعا گوئی عامه رعیت از بابت خیرخواهی دولت و ملت منت گذارده متحمل ضرر شده رفع فرمودند و اعلانی که خود فرنگی در این باب کرده بود بصحابت پست آینده باعریضه مفصله از برای بندگان اقدس عالی دام ظله العالی فرستاده خواهد شد و حضرت مستطاب اجل اشرف وزیر اعظم آقای امین السلطان دام ظله العالی هم کمال سعی را در انجام فرمایش بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری خلد الله ملکه مرعی داشتند الحق کفایت نامه از ایشان بظهور رسید بلکه در هر مطلب مهمی که راجع بخیر دولت و ملت باشد همین طور اهتمام دارند و چون جوابی از ملازمان عالی در باب جواز استعمال بر تقدیر رفع امتیاز کلیتا زیارت شد قبل از وصول تلگراف اول درجواب داعیان وجلو گیری مردم ممکن نبود بعد از علمشان برفع امتیاز کلیتا و زیارت دستخط شریف اذن در استعمال بجهت استناد بحکم جناب عالی داده شد منتظر هستم تلگرافا یا کتبا اظهار تشکر و دعاگوئی وافی از

بابت این مرحمت ملوکانه بشود که خیلی بموقع است و این مطالب هم معلوم باشد که اهتمام بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری خلدالله ملکه در ترویج ملت کمتر از اهتمام ایشان در تایید دولت نیست حرره الداعی الصمیمی میرزامحمدحسن

۲۷ کانون ثانی مطابق ۹ رجب ۱۳۰۹ هـق

جواب تلگراف آقای میرزای آشتیانی از طرف آیة الله شیرازی

از جانب حضرت مستطاب اسلام پناهی نیز در جواب جناب معظم الیه تلگرافی رسید بدین صورت طهران خدمت مستطاب شریعتمدار افتخار المجتهدین العظام عمادالاسلام، آقای میرزامحمدحسن سلمه الله تعالی تلگراف جناب عالی در باب رفع امتیاز دخانیه و اعلان بترخیص استعمال بموجب نوشته احقر رسید البته آنچه صلاح دانسته اید عین صواب است و من بعد هم منعی از استعمال چنانچه اعلام فرموده اید نیست واز مراحم ملوکانه که قوام این دولت بود کمال امتنان وشکر گذاری دارم

و تلگراف تشکری بحضور شاهنشاه فرستادم مخابره کنند انشااللّه تعالی بمرحمت جناب عالی خواهد رسید واز حسن اقدامات و اهتمامات جناب مستطاب آقای امین السلطان دام اقباله‌هم جناب عالی اظهار کمال امتنان احقر را خواهند فرمود مکتوبی هم به صحابت جناب مستطاب عمدة الفضلاء والمحدثین حاجی میرزا باقر واعظ ادام اللّه تاییده فرستادم انشاءاللّه تعالی خواهد رسید ·

محمدحسن الحسینی

تلگراف آیة اللّه شیرازی به ناصره الدّین‌شاه

بتوسط جناب مستطاب شریعتمدار افتخار المجتهدین العظام عمادالاسلام آقای میرزا محمدحسن سلّمه اللّه تعالی بشرف عرض اعلیحضرت شاهنشاه غز نصره می‌رساند بشارت رفع اختصاص دخانیه برحسب تلگرافات‌علمای اعلام دارالخلافه کثّراللّه امثالهم موجب کمال شکرگذاری وامیدواری از مراحم ملوکانه گردید ·

البته باید اهل اسلام براهالی سایر ملل و دول بمرز بانی شاهنشاه اسلامیان اعزالله تعالی نصره مباهات نمایند که با کمال استقلال ونهایت مطاوعت رعیت همینکه محقق شد که این اختصاص منافی ملت و برعموم رعیت شاق است محض اعلا کلمه ملت و رفاه عموم رعیت صرف توجه ملوکانه و همت خسروانه فرموده باستمداد از میامن الطاف امام زمان ارواحنا فداه بالمره رفع همه مفاسد مترقبه را فرمودند و این سنت عادله را که واقعا موجب حفظ دین و دولت اسلام و مایه احیای مساعی جمیله سلاطین سلف شکر الله مساعیهم و سرمشق ملوك اعصار لاحقه در نشر عدل و ترفیه حال رعیت و محافظت حدود دیانت و ملت و بسط بساط امن و امان بود اجرا فرموده اند تا دلیلی بر فرط معدلت و مرحمت پروری شاهنشاه اسلامیان پناه باشد و این معنی سبب مزید تشکر کافه علماء ضاعف الله اقدامهم وعموم رعایا گردید همواره ازحضرت احدیت خواستارم که نعمت وجود سلطان عادل و پادشاه دین پرور را مستمرفرماید.

الاحقرمحمد حسن الحسینی .

حضرت آقای میرزای آشتیانی این تلگرافنامه تشکر آمیز حضرت اسلام پناهی را بتوسط وزیر اعظم بحضور همایونی فرستادند خاطر همایونی برحسب‌نقل در اظهارات حضرت اسلام پناهی بی‌نهایت خورسند و مسرور گردید ،و تلگرافی در جواب آن حضرت صادر گردید .

وزیر اعظم عریضه به جناب میرزای آشتیانی معروض‌داشته و تلگراف همایونی را که درجواب حضرت مستطاب آیة اللهی صادر شده بود درجوف عریضه خدمت آن جناب فرستادکه از ملاحظه جنابشان گذشته به تلگرافخانه ارسال فرمایند .

نامه امین السلطان به میرزای آشتیانی

عرض می شود امیدوارم انشاء الله تعالی وجود مسعود عالی مقرون به سلامت است رقیمه مطاعه عالی تلگراف حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای میرزا مدظله العالی رسید فوراازعرض لحاظ اقدس همایون گذرانیده از این نوع اظهار شکرگذاری حضرت معظم‌الیه خاطر مهر مظاهر همایون خیلی خورسند وخشوقت شد

و هم اقدامات جنابعالی خیلی خاطر همایونی راضی‌شد ، و بدیهی است که مراتب راچنانچه باید و شاید خاطر نشان حضرتشان فرموده اند و رفع اشکالات شده است .

جواب تلگراف آن حضرت را هم صادر و مرحمت فرمودند بنده لفا ارسال داشت که بملاحظه شریف جناب مستطاب عالی‌هم برسد و بعد به تلگرافخانه ارسال فرمائیدکه تلگراف شود و چون در تلگراف خودجنابعالی هم اظهار لطف و مرحمت در باره ارادت‌کیش فرموده اندمراتب امتنان و تشکر بنده را بنحویکه شاید و بایدخدمتشان مرقوم فرمائیدایام افادت وافاضت مستدام باد .

امین السلطان .

تلگراف ناصرالدین شاه بآیةالله شیرازی

بتوسط تلگرافخانه بغداد بسامره ،حضرت مستطاب حجة الاسلام آیت الله آقای حاج میرزا محمد حسن شیرازی سلمه الله تعالی تلگراف نامه آنجناب متضمن تحسین الغاء عمل تنباکو و فسخ قراردایکه موجب بعض توهمات و شکایتها شده بود ملحوظ افتاد نیت پاك آنحضرت در صلاح اسلام و مسلمین و خیر دولت و دین معلوم است و البته در نظر حق بین آنحضرت پوشیده نیست که حفظ صرفه وآسایش رعیت رافریضه ذمت خود شمرده و هرگزازاین وظیفهٔ اصلی غافل نمانده ایم دعوات خیریه و توجهات مقدسهٔ حضرت مستطاب عالی را منتظریم در هرمرحله بنیات ما مددکند وآنچه مایهٔ سعادت و سلامت این ملتست بخواست خدا تکمیل نمائیم وانشاءالله بهمت آنحضرت و اهتمام علماء اعلام اساس دین مبین محکم واین اخلاق ومعارف کهمزیت مسلمین درآنست ترویج شود تا بعون وعنایت باریتعالی بتوانیم تکلیف واجب خود راادا کنیم باز ازآنجنا بمستطاب التماس دعاداریم ،شاه

نا مه های آیت الله شیرازی بناصرالدینشاه و امین‌السلطان

بسم الله ارحمن‌الرحیم

بعرض انورا علیحضرت پادشاه اسلام پناه میرساند تلگراف نامهٔ که شرفصدور یافته بود موجب ازدیاد امیدواری ودعاگوئی ذات کامل‌الصفات اعلی حضرت گردید معلوم است که‌آنحضرت راجز اعلاء کلمه‌دین مبین و تقویت دولت تأیید قرین منظوری نبوده و نیست چنانچه علماء رامنظور همین واوامرمطاعه را که مبتنی براین است کمال تلقی بقبول داشته و دارند واگراحیانا بحضور مبارك عرضی نموده غیراز خیرخواهی وتمهیدعذر اولیای دولت مقصدی نداشته اند و اگردراثناء حرکتی ناشایست از بعضی جهال سرزده بحسب تحقیق ازاصحاب اهواءباطله و

اغراض فاسده بوده که بجهت انزجار دولت از علماء و تفرقه قلوب رعیت فرصتی بدست آورده بودند و الحمد للّه که اعلیحضرت پادشاه دین پناه که ضمیرانورش مرآت واقع ست بتدابیرشاهانه و توجهات خسروانه قطع طمع مفسدین و سد ابواب فتن اعداء دین خذلهم اللّه تعالی را فرمودند ۰

و مأمول ازحسن نیت و صفای طینت و سریرت اعلیحضرت اینکه دراعلاء کلمه اسلام وتقویت شریعت سید انام علیه و آله افضل الصلاة والسلام و قلع مواد شرور و معاصی وفساد وترفیه حال عباد و توقیر علماء اعلام بذل مرحمت فرموده همشاهانه مصروف دارند وصدق وعد خداوند جلت عظمته ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کید هم شیئا خاطر مبارك رااز ضررکید ومکرخارجه مطمئن داشته درقطع طمع وید تصرفات آنها درداخله مملکت کمال عنایت مرعی فرمایندکه بتأیید خداوند اقدس جلت قدرته وتوجهات خاصه امام عصرعجل اللّه تعالی فرجه و صلی اللّه علیه وعلی آبائه الطاهرین پیوسته فتح و ظفرو نصرت باد ولت ابدآیت

اسلام خواهد بودانشاءالله تعالی . محمدحسن الحسینی

جواب نامه امین السلطان ازطرف آیةاللهشیرازی

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای امین السلطان دام اقباله العالی مشرف شود ، بعرض میرساند رجاء واثق ازحضرت رب العزة جلت عظمته آنکه همواره وجود شریف جنابعالی در کنف حمایت حضرت امام عصرعجل الله تعالی فرجه وصلی الله علیه وعلی آبائه الطاهرین بوده موفق بنشر اعلام دین وحراست حوزهٔ اسلام و اقامه نظام ملت ودولت باشید ضمنامزاحم میشوم رقیمجات شریفه درامردخانیه رسید ازحسن اقدام واهتمام جناب عالی درانجام این امرکمال امتنان دست داد البته معلوم است که آنچه صلاح دین و دولت باو منوط واسباب انتظام ملت و مملکت باومربوط است انجام اورا باید جنابعالی برذمت همت خود فریضه شمارید وعرایض ناصحانهٔ علماءراکه جز ترویج شرع و تعظیم امردولت غرضی ندارید درحضور مبارك باحسن وجه عرضه بدارید ودراجرای ارادهٔ مطاعه اعلیحضرت همایونی عز

نصره در تجدید معالم دین و اصلاح حال عموم رعایا کمال معاونت و مساعدت بفرمائید تا باینواسطه هم علماء بروظیفه دعاگوئی مستمرباشند و هم رعیت متشکر شوند انشاءالله تعالی در همه حال براقامه سنن عدل واحیاء آثار ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر ازپیش مواظبت خواهید فرمود چه این معنی ظاهر است که وزرای عظام که کفالت مهام امورکلیه در عهده ایشان است در حقیقت مرآت دولتند وکلیه سوانح مملکت رامردم از مساعی ایشان میدانند و البته محاسن آثار موجب دوران ذکرجمیل وسعادت ابدی خواهد شد و بهمین ملاحظه پاره مطالب مهمه‌که‌شایسته است جنابعالی اصلاح آنها بفرمائید، در ورقه علیحده بصحابت جناب عمدة الفضلاء والمحدثین حاجی ملا باقر واعظ سلمه‌الله تعالی خدمت جناب‌عالی فرستاده‌ام انشاءالله تعالی برحسب مترقب و مأمول کمال مساعدت در انجام آنها خواهند فرمود ودر باب امر قبه‌مقدسه عسکریین علیهما وآبائهما افضل الصلوة والسلام که اقدام فرموده اند انشاءالله تعالی برکت توجهات

ائمه اطهار علیهم السلام اهتمام خواهند فرمود والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته ۰

محمد حسن الحسینی

جواب نامهٔ آیة الله شیرازی ازناصرالدین‌شاه

حضرت مستطاب قوام الملة و الدین مروج شریعت سید المرسلین سلیل آل طه و یس افتخار المجتهدین سراج هدایة المسلمین آیة الله فی العالمین فرید الدهر و وحید العصر حاجی میرزا محمد حسن دام افضاله همواره بتأییدات سبحانی وتوفیقات صمدانی مؤید و موفق باد ازوصول مشروحهٔ ممدوحه آن حضرت که عبارات باهرات آن فصل الخطاب واشارات زاهرات آن هادی اولولالباب و نور رشاد ازآن لامع وشرایط اجتهاد را قلب جامع بود قلب همایون ماکه بین اصبعی الرحمن و مطیع اراده قادر منان و احکام داور و جهان است مستیضی و مستنیر و خاطرمنیر ما ازفقرات وافی هدایات آن خبیر وبصیر گردید لازم شمردیم خاطر افاضت آثار آنحضرت راقرین اطلاع و استحضار

فرمائیم که ازفضل خداوند متعال و عنایات قادر ذوالجلال از بادی امر الی حال همّ خود را برحفظ حوزهٔ شریعت مقدسه مطهره و همت خویش را بروقایه احترام علمای اعلام معطوف داشته ازمداخله کسانی که قریحتهم جامده وعقیدتهم فاسده و اسواق شریعتهم کاسده و طبیعتهم حاسده است در این اقطار و امصار مانع و صادع شرع مطاع را تابع و مطیع بوده و ساعتی ازاین نیت بآنهمت غفلت ننموده ونخواهیم نمود ودر نصب مأمورین دولت و حکام غایة القصوای رعایت وملاحظه حال رعیت و تمامی عباد و انام را فرموده و خواهیم فرمود ودراین مقاصد خیریه که درآن رفاه عموم بریه و اقتضای عالم مدنیه بشریه همواره ساعی و جاهد هستیم والبته بعد ازملاحظه شرح نصیحت طرح آنجناب مستطاب که مفاهیم آن درقلب ما باکمال تمکین کمین گردیده است برمساعی جمیله در اجرای آن منظورات جلیله بدرجات کثیره و مراتب وفیره خواهیم افزود ودر اشاعه مقتضیات عدل و اضاعه هرگونه رسوم که مظنون جور و جهل باشد خود

داری نفرموده و نخواهیم فرمود و ان الله المعبود اصدق شاهد واکفی الشهود واما این معنی برخاطرشریعت مظهر آن جناب مستطاب غیر مخفی وعلم و احاطه که درهرباب دارید کافی و مکفی است که ازابتدای ایجاد و خلقت عباد و ابتداع و اختراع اضداد وانداد و شقاوت وسداد و ضلالت و رشاد همه با یکدیگر علی مقتضاءالاوقات ظاهرا درامور معاش مربوط و مخلوط بوده وابواب مراوده و مخالطه ظاهری مسدود نبوده حالا هم اگرمراودت یا مخالطتی باشد باقتضای آن مرابطت طبیعیه است نه مداخله ملکیه و ملیه یا اختلاس حقی ازاین ملت ودولت جاوید اساس زیراکه کاسب وتاجر و قاطن و مسافر ازدولت و ملت اسلام درتمام ممالک خارجه برای تجارت مباح منتشر و کذالک ساکن و عابر و مقیم و مجاور دراقطار و ممالک اسلام ازآنها ذاهب و آئب ومجاور و مسافرند و بحمدالله تعالی ازانفاس قدسیه آنجناب مستطاب هرگونه تصور مداخله آنها درامور مسدود ودائره مقدسه مطهره منزهه اسلام درحفظ و پناه ایزد معبود ورب ودود محکمو متقن

و مصون و محروس است و محفوظ است و امیدواریم که از طرف همایون ما این شرف را مهمل نگذاریم و همواره همم کامله را مصروف داریم و رجائی واثق آنست که روز بروز آثار ونتایج خیریه توجهات قدسیه آنجناب دربروز و ظهور و اعلای شریعت غری در اعلی درجه ظهور و اعتلا باشد واز باطن آنجناب استمداد و مخصوصا خواهش و تمنا مینمایم که در آن اعتاب عرش قباب مطهره منوره و مظان مخصوصه ما را ازخاطر شریعت اثر فراموش نداشته و همواره ازاخبار ساره سلامتی خود ونگارش مواعظ حسنه مسرور و مبتهج و دلخوش داشته موفق و مؤید باشند ۰

شهر شوال المکرّم ۱۳۰۹ (شاه)

جواب نامه آیة الله شیرازی از امین السلطان

خدمت شریعت آیت حضرت مستطاب قوام الملة والدین کهف الاسلام والمسلمین افتخار العلماء الراسخین فخر المجتهدین حجة الهادین فرید الدهر مجتهد العصر آقای حاج میرزا محمد حسن شیرازی ادام الله تعالی افاضته وظله علی مفارق المسلمین

مشرف شود ، ملاذ الانام حجةالاسلام قبله گاها گرامی رقیمهٔ
کرامت ضمیمه شریعت ترجمه که مصحوب جناب شریعت مآب
فضائل نصاب حاجی ملا باقر واعظ سلمه الله تعالی ارسال
فرموده بودید زیارت و اکتساب میمنت ازبرای دنیا و آخرت نمود
فرمایشات تلطف آمیز نصیحت انگیز و مهربانی ارادت خیز
بندگان حضرت مستطاب عالی ادام الله تعالی افضاله علی
المسلمین راهم ابلاغ نمود مخصوصا جناب معزی الیه‌را بحضور
مرحمت ظهور مبارك اقدس همایون ظل اللهی ارواحنا فداه
مشرف ساختم که ذریعه محترمه حضرت مستطابعالی را ابلاغ
نمود و جواب آن لفا ازمصدر سلطنت عظمی صادر وارسال شد
امیدواریم هیچوقت اشارات و معانی وعبارات پیغامات حضرت
مستطابعالی راکه بجناب حاجی ملا باقر فرموده بودید از نظر
محو و فراموش نکرده همواره آویزهٔ گوش بخود و زینت هوش و
حواس خود نموده درنهایت مواظبت همه رامراقبت نماید ، و
پیوسته مترصدم که انشاءالله تعالی ابواب مکاتبات و ترقیمات

فیمابین مفتوح بوده ترویج روح نماید استدعای مخصوص دارم که ازمحاسن نیات و توجهات قدسیه ارادت کیش را درآن اماکن فراموش نفرمائید ایام افاضت مستدام باد . بالجمله پس‌ازآنکه کار استعمال دخانیات دوباره براوج نخستین برگشت و شورش وهیجانی که میان عموم مردم برپابود فرونشست و نظم و نسق مملکت اسقرارگرفت و طرق و معابر بلاد امنیت یافت انگلیسهائی که بآرزوهای دور ودرازی بایران نقل مکان داده بودند همین مقدارکه دراین هنگامه عظیم جانی رابسلامت ازچنگ ایرانیان بدربردند فوزی عظیم شمردند رشته طمع خامشانراازایران بالمره گسسته و بساط اقامتشانرا درهم پیچیده بارمسافرت بر بستند و دسته دسته سرخود رابهردو دست گرفتند و بشتاب هرچه تمامتر ناکام وحسرت بدل ازمملکت ایران برفتند و قضارادراین اثناء نیز خیانت بزرگی‌ازصاحب امتیاز برای دولت و ملت ایران مکشوف گردید ، چون برحسب شروطی که دولت ایران بموجب قرارنامه امتیاز برای دارندگان آن قرارنامه متعهد شده بود

آنچه تاآنزمان که ازانگلستان بایران نقل داده میشد و باسم صاحب امتیاز دخانیه بود بالمره ازرسوم و عوارض گمرکی وتعرض مأمورین گمرك خانهای ایران آزاد بود هربسته وباریکه وارد گمرکخانه های ایران میشد بمجرد اینکه موسوم بنام‌ونشان‌صاحب امتیازبود بی هیچ پرسش و کاوشی گذرانیده بدر میبردند و وضع گمرکخانه های ایران براین بود .

پس‌از ابطال این عمل که رسما ازجانب دولت بهمه جافسخ اینعمل‌اعلان‌دادند اتفاقا درهمین‌اثناء چند صندوقی بنام‌ونشان رئیس دخانیه ازانگلستان وارد گمرکخانه ایران شد وکیل‌صاحب امتیاز بوضع پیشین خود خواست که صندوقهارا نادیده و نارسیده همانطور سربسته بطراری ازچنگ گمرکیان ایرانی بدر برد گمرکیان نیز سخت گرفتند که اکنون‌دیگروضع سابق‌برهم‌خورده ورسم این معاهده باطل گشته است و ازاین تاریخ ببعد باید رسم معمولی گمرك را اجرا نمائیم.

بالجمله عاقبت قرار میشود که شرح حال رابدولت خبرداده

تا هرچه دستورالعمل برسد ، دستورالعمل ازجانب دولت رسید که صندوقها راگشوده و بتحقیق‌رسیدگی‌نموده رهاکنند این بود که گمرکیان خواهی نخواهی‌صندوقها راگشوده پس‌از رسیدگی معلوم شد که کلا اسلحه وآلات جنگی مانند نارنجك و تفنگ و باروتهای بی بوورنگ وازاین‌قبیل ادوات وآلاتیکه‌متعلق بغرض شهرگیری و قلعه کوبی میباشد بود ،اولیای دولت ایران پس از آگاهی ازاین تفصیل بادولت انگلیس دراینخصوص مخابره نمودندکه مرد تاجر تنباکورا با تهیه اینگونه ابزارجنگی چه کار است این بود که دولت انگلیس ناگزیر اذعان به خیانت مرد تنباکوئی کرده دستورداد که عجالتا اورادرسفارتخانه انگلیس محبوس دارند تاپس ازفصل دعاوی اوکه بانگلستان معاودت نماید اورا بجزای قانونی این عمل مجازات دهند .

بالجمله پس ازچندی که بدعاوی صاحب امتیاز رسیدند ازجمله معادل دوکرور و دویست هزارتومان مدعی مصارف و مخارج بودکه برای تهیه و تدارك مقدمات و لوازم این عمل

مجموعاً از اول تا آخر مصرف و خرج نموده است که از این جمله مخصوصاً معادل چهارصد هزار تومان رامد عی بود که به رسم تعارف و پیشکشی به اولیای کار داده که در انجام این امر با خیال او موافقت و همراهی نمایند .

بالجمله بعد از مجالس چندی که برای فصل این دعاوی منعقد گردید نتیجه و حاصل همه گفتگوهای طرفین عاقبت قرار بر این شد که دولت ایران مجموعاً اصلاً وفرعاً معادل هشت کرور خسارت فسخ این معامله را ملزم گردیده بکمپانی امتیاز دخانیه دادنی باشد بدین تفصیل که این وجه را تدریجاً تا مدت چهل سال بکمپانی امتیاز ایفاء کند ، و از تاریخ معینی این مبلغ را توزیع وتقسیط برگمرکخانه های مملکت نمودند که کمپانی دخانیه همه ساله تا آخر مدت مذکور مبلغ معینی را از محل معین استیفاء نماید و دستورالعمل مخصوصی نیز از جانب دولت برای گمرک خانه های مملکت مقرر شد که مبلغ معینی را برگمرك اجناس مملکت خاصه اجناس دخانیه اضافه دارند .

بالجمله اینگونه مفاسد و تبعاتی که از عمل این امتیازدامن گیرملت و دولت ایران شد علی الخصوص با تعقب بآن پیرایه که نه تنها کشف ازخیانت مرد صاحب امتیازمینمود بلکهدرحقیقت مقاصد وخیالات انگلستان رادرباره ایران دلیل بزرگی بود حال و خیال مردم مزور و محیل انگلیسها برای دولت وملت ایران — واضح و هویدا اگرد انید این شدکه ازاین پس انگلیسها را در ایران ستاره عز و اقبال از اوج رفعت و جلالت یکدفعه روی بانحطاط و زوال آورد مردم انگلستان راکه دراین سالیان دراز چه زحمتها کشیده و چه رنجها برده تابوسائل مقدماتی چند موقعی رادرایران برای خودشان برآن پایهاکه سابقابه شرح آمد برقرارنموده بودند یکدفعه درانظار ایرانیان ازدرجهاعتبار و اعتناء ساقط شدند انگلیسهاکه سالها بود باهزاران نازو نخوت درمهام امور لشگری و کشوری مملکت استقلال فرمانروائی داشتند یکدفعه مقطوع الید شان ازهمه کارنموده عاطل وباطل بکنارشان گذاشتند آنهمه اوضاع فرنگی بازارایران باوصف آن

رواج و رونقها که سطری از آن در سابق نگاشته آمد یکدو ماهی از آن هنگامهٔ عمومی عظیمی نگذشت مگر اینکه خود بخود از هم پاشیده و بتدریج محو و منظم گشت قطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین

بحمد الله تعالی دور مسلمانی از نو تجدید شد کوکب سعادت و میك بختی مسلمانان دیگرباره ازبرج سعادت و اوج استقامت رخ نمود، خورشید منیر اسلامیت در آفاق ممالك محروسه ایران دوباره بتابش آمد عموم مردم را شوق و رغبت باسلامیت هرچه بود یك بچندین بیافزود در ماه مبارك رمضان ۱۳۰۹ همین سال که مسبوق بدان وقوعات گذشته بود علانیه و بر ملا روزه خوری در میان مردم نبود، سهل است که از آن رغبت و میلی که عموم مردمانرا بالطبع بوظائف مسلمانی و مراسم اسلامی و دین داری دست داده و از آن شوق و نشاطی که مسلمانان را بطاعت و عبادت روی آورده بود کثرت جمعیت و ازدحام مسلمانان در مساجد و مجامع و رواج کار و بازار ارباب محراب

و منبر بطوری جلوه نموده که حتی اینگونه جماعت وعاظ ازفرط شگفتی نتوانستند خود داری کنند ازمشاهده این وضع و حال نوظهورمسلمانان مکرر رمنابر بلسان آورده اظهارتعجب ، و شگفتیها کردند مطلب ازبسکه تازگی داشت ود رنظرها جلوه می نمود مکاتب و مراسلات ایران اینمعنی رابشروح وتفاصیلی د رسایر اقطارنیز نشر دادند جلالت شأن وشرافت عنوان علمای شریعت نزد ایرانیان واسلامیان که جای خود داشت برتمامی ملل ، و ادیان عالم ظاهر وآشکار گردید .

جمعی ازایرانیان که د ربلاد خارجه سکنی دارند عریضهٔ تشکرآمیزی د رخصوص این تغییر وضع و حال ایرانیان بحضور مقدس حضرت عالمیان پناهی معروض داشته و صورت آنعریضه را بطبع د رآورده وبرای پیشرفت مقاصد خود شان همه جا منتشر کردند خالی ازمناسبت نیست پارهٔ ازقسمتهای آن عریضه را عینا نقل کنیم .



نامهٔ ایرانیان مقیم خارجه بآیة الله شیرازی

عریضهٔ عموم اهالی ایران،موطنین بلاد خارجه به حضور باهرانور حضرت مستطاب سرکار شریعتمدار قبلة الانام حجة الاسلام ملاذ المسلمین آیة الله فی العالمین نایب الائمه المعصومین سلاله آل طه و یس سیدنا و مولانا خیرالامه، و وارث الائمه آقای میرزا محمد حسن شیرازی متع الله المسلمین بطول حیاته .

ما عموم اهل ایران که از وطن خود مهجور و درممالك خارجه متفرق هستیم ازآن توجهات ربانی که این اوقات ازطرف قرین الشرف آن محیی شریعت غرا درحق ملت ایران به ظهور رسیده بهزارگونه تشکرات بی پایان و حمد فراوان بکمال افتخار تقدیم آن آستان مقدس مینمائیم مدتی بود که ما بیچارگان ایران درمیان یك دریای مصائب از ترحم علمای دین خود بکلی نومید و مأیوس شده بودیم دست تفضل آن حجت کبری وآیت عظمی

بابراز یك نور ناگهانی چشم و دل ما رامنور ساخت و شعشعه افتخار ملت ایران رابساحت دور و نزد یك انداخت دروقتیکه دشمنان ملت ایران دوعین استقلال سرمست کامروائی ومشغول غصب حقوق مردمان ملت بودند بیك اشاره سرانگشت مبارك ارکان هستی آنان را متزلزل و کل ممالك اسلامرا مملویك حیات تازه فرمودند ۰

بظهور این قدرت آسمانی برکل عالم خاصه برملل اجانب بیش از همه وقت مبرهن ساختندکه روح اسلام وباطن شرع حضرت خیرالانام مالك مقدرات دنیاست ملل اجنبی فهمیدند که بمجرد اغفال بعض کارگذاران مملکت مالك ایران نمیتوانند شد و دیگران نیزحساب کار خود را نمودندکه ایران هنوز در زیرحمایت ایادی غیبیه و پنجه تسدیدالهی از پاره تعرضات غاصبین و متغلبین مصون و محفوظ است اهالی ایران نیز تا یك درجه قوت خود را فهمیدند وحق خود را شناختندکه همه افراد ملت واهالی این مملکت شریك و محق هستند علماء هم

تکلیف و مقام بلند خود را دانستند که مأموریت ایشان از جانب شارع مقدس در حفظ بیضه اسلام و حمایت حوزه دین چقدر مهم و عظیم میباشد .

خوش بجای خویشتن بود این اسیر خسروی

تا نشیند هر کسی اکنون بجای خویشتن

بالجمله کلمهٔ ملت در ایران وسایر بلاد دوباره قوت نفوذ یافت ، روحانیون یك برچندین بمقامشان نزد دولت افزوده شد وتوجه خاطر شاه بتعظیم از مقام روحانیت بیشترشد بطوریکه یکی دو ماه بعد از این واقعه ناصرالدینشاه هنگامیکه میخواست بعراق مسافرت کند علماء که برای تودیع بحضورش رفته بودند بمیرزای آشتیانی گفته بود :

" من نگهبان این فرقه حقه هستم خداوند زمام مهام این فرقه حقه را بدست من داده است که نگهداری کنم ، آخرجواب شیخ عبیدالله راکه بگوید جز من ؟ شما باید مرا در نگهداری این مردم اعانت کنید و مردم در مقام دولتخواهی تحریص به

متا بعت من و همراهی من نمائید تا بتوانم دفع خصم کنم آخر جماعت من کم است و گروه دیگر دشمنان قوی هستند که اطراف ما را گرفته اند ، من با شما شرط میکنم دیگر امتیاز ندهم وخود را مبتلی نکنم .

و بمرحوم شیخ فضل الله نوری وعده دیگر گفته بود :

" سابق براین رسم بود که علما در کارهای بزرگ مملکت طرف مشورت دولت میبوده اند این رسم ازمیان رفته خوب وضعی نشده از این ببعد باید کارهای عمده دولت بمشورت و صوابدید علماء تمام شود امتیاز دیگر بخارجه نخواهیم داد این جزئیات که هست مثل عمل کارخانه قند ابدا منافاتی با مقاصد ملت ندارد .

. بالجمله فرنگی مآبان ایران که باقتضای نیکی فطرت وپاکی سریرت هر روزه برضد اسلامیت خطابه های مفصل و مقاله های طولانی ساخته وپرداخته نشرمیدادند آنان نیز بعد ازمشاهده اینگونه تجدید رسمی که از اسلامیت در ایران بظهور رسید ورق دیگر دفتررا برگردانیده اینباره بالعکس برحسب تقاضای

وقت مقاله های طولانی و مفصلی درشرح وبیان حکمت حقیقت آئین قویم و مستقیم اسلام آراسته و پیراسته منتشر نمودند ،و ما صورت بعض مقالاتی را عینا مینگاریم ٠

هرکه عاقبت کارا نگریست ، عاقبت کارنگریست ٠

هرکه ازراه انصاف بگردید شایستهٔ هدایت نگردید ٠

هرکه چیزی درآغاز بدیده دقت دید درانجام آن ندامت ندید ٠

هرکه بمعانی دین مبین اسلام برخورد ازگلبن سعادت برخورد ، چنانکه هرگاه بدیدهٔ عقل و انصاف وعلم و اد راك باحکام دین مبین اسلام دیده شود معلوم خواهد شدکه این دین پاك وعاری از آلایش بوده بسبب فوز و فلاح و سرمایه اصلاح حال و موجب سعادت وتامین استقبال ایشان است دین مبین اسلام حقایق اسرارطبیعه و سلامت دنیویه وحقوق عمومیه و ماهیت بشریه احسن معیشت مقتضیه راآشکارا ساخت و سالکان خود را براه راست صلاح وفلاح رهنمائی نمود دین

عالی اسلام است که حقیقت و جدیت و موافقت آنرا علماء و حکمای شرق و غرب تصدیق کرده و اجرای احکام مقدسه اش با و لا د آدم امرشد وبدین واسطه حقایق اسلامیه از ترقیات علمیه وفنیه د رهرسوی تبین و تعمیم یافته است هیچ نقطه د را سلامیت که بموجب آیات کریمه کلام ربانی و احادیث شریفه نبویه علیه ا فضل الصلوة والتحیه تاسیس یافته پیدا نمیشود که جای نکته با شد ر خرد پذیرنباشد و هیچ جائی ازآن نیست که موافق فن حکمت نشود و هیچ امر و حکمی د رآن نیست که مغایرصحت شخصیه و عمومیه باشد شریعت غرای احمدی ودین مبین محمدی (ص) بقدری محکم و متین و مرتب و منظم و لا یتغیرولا یتصرف است د رحالیکه از یکهزارو سیصد و اند سال لمعه پاش میدان مدنیت شده و بعد ازآن طرز معیشت و اندیشه وافعال مرد مان چندان تغیر و تحول یافته که فزون از وهم و قیاس است تاکنون نه نقطه ازآن مغایر حال و زمان و نه سکته و نقیصه د راصل وفرع آن پدیدار شده است .کسانیکه قرآن وحکمت بیان راکه ازادله قویه

وحدانیت الهیه و از بزرگترین معجزات باهرالایات نبویه است بزعم سخیف و سقیمشان حاصل بیان وبنان بشر میدانند اگر یکبار این تکوّنات و تحولات متنوعه عالم رابامعان تحقیق و تدقیق نظرنمایند خواهند دانست که تزییل و تلفیق آن خارج ازقوه بنی نوع بشربوده و بخطای منکرخود شان مقرومعترف خواهند بود این یکی بارباب عقل و انصاف آشکاراست کهفرقان عظیم الشأن بطوری ازجانب خداوند رحمن تنزیل فرموده شده استکه هرگونه ملل مدنیه یا وحشیه که دربلاد شرق و غرب یا شمالی ویاجنوبی سکنی گرفته‌اند بی زحمت و صعوبت به قبول احکام آن تبعیت توانند نمود درحالتیکه ملل عیسویه را هبانان و کشیشان وروءسای روحانیه خود را گروه گروه بممالك وحشیه‌می فرستند که فرق غیرمتمدنه رابقبول دیانت خود شان دعوت و دلالت نمایند بازنتیجه ازآن بروفق مطلوب دیده نمیشود ولی بعکس‌انوارکرامت آثاراسلامیت بلاواسطه بسرعت قوه مغناطیسیه بهردیار انتشارمینماید ، دین مبین اسلام خورد‌ن‌گوشت خوك

راد رسیزده عصر اول ممانعت فرموده است و اکنون به وسیلهٔ
اسباب فنیه مثل ذره بین مکشوف و معلوم شده است که آن نیز
بجهت یك نوع کرمهای مولد مرض است که درمیان آن میباشد
دیانت مقدسه اسلام یکهزار و سیصد سال پیشتر به بشر فرمود که
از استعمال مسکرات اجتناب نمائید اکنون حکما و اطباء و اخلاقیون
غرب که بمدارج علیا و قصوی عالم مدنیت اعتلا نموده اند میفهمانند
که این موجودات جوهریه که مسکراتش نامند تا چه پایه بوجود
انسانی مضر و مدهش و موجب خسارت مال و جان و مخرب بنیان
انسان و مورث تنقیص حیات و موجد سفالت و سفاهت است لهذا
آنان نیز بممانعت شدید آن برخاسته و محلها بیاراستند وبدین
صورت حکمت و علویت فیوض مقدسه اسلامیت را معنا تصدیق ـ
نمودند همچنان که درسیزده عصر قبل این دین سلیم بازی قمار
را تحریم فرمود که نتایج آن هم اینزمان بواسطه دانشمندان
مغرب و مشرق معلوم گردید که از هرجهت به آلودگان آن چه
قدرها وخیم والیم است که علاوه بر تضییع عمر عزیز ومال طبا این

قدرها معلوم کرده اند که موجب افسردگی ودل مردگی و درد سر وانقلابات عقلیه و ارتعاشات بدنیه واختلال دماغ است.

بالجمله برمطالعه کنندگان محترم این رساله البته اینمعنی پوشیده نخواهد بود که همه این مفاسد ومصائب وخرابی وخسارت واین پایه موجبات فقروفلاکتی که از طرف عمل این امتیاز وغیرآن تاکنون تدریجا بر مملکت ایران وارد آمده که سوء تبعات ونتایج ناگوار آن تاچندین قرن دیگردامنگیرملت ودولت ایران خواهد بود، همه از آنستکه شریعت اسلام در این مملکت رتبت ومقام ونفوذ احکام چنانچه شاید وباید حاصل نبود سهل است که ملت اسلام آن درجه ومقامی را که در قرنهای پیشین بمساعی سلف شکرالله تعالی مساعیهم در این مملکت دارا بود ازیک، چندی باینطرف متدرجا چندان کاسته گردید که قصه اسلامیت ایران همه بعینها همان قصه شیربی یال ودم واشکم شده بود ازملت اسلام جزصرف یک صورت و اسم بلا هیچ معنی و رسمی درمملکت ایران برقرار وپدیدار نبود و نیز ملاحظه کند که آنرا معین ومبین خواهد بود که سبب اصلی این سوء حال و این

ضعف قوای ملت د راین مملکت همان عقد روابط و داد و ستد و اتحادی بود که از چندی باینطرف فیما بین اهل اسلام ومردمان ملل اجانب تأسیس یافته وتدریجا بوسائل مناسبات دوستانه وتعاطی مراسم موادت ومراودت بایکدیگر این معنی همی یوما فیوم کسب مراتب قوت وازدیاد نمود و هرچندی که قوت اینمعنی افزوده شد از قوت اسلامیت درمملکت بکاهید تا عاقبت کاربآنجا منتهی شدکه شطری ازآنرادرطی این رساله شنیدی از اینجا است که درضمن آیات کریمه قرآن مجید واحادیث شریفه اولیاء دین مبین علیهم الصلوة والسلام تااین درجه از کرامات و با این اصرارهای بلیغ منع از محبت و مودت و مراودت و معاشرت باخارجیان رسیده است چنانچه از آنجمله درقرآن مجید وفرقان حمید است که لا یّجد واقوماً یؤمنون بالله والیوم الاخر یوأدون من حاد الله و رسوله و لوکانوا آبائهم اوابنائهم اواخوانهم او عشیرتهم الی آخر ، خلاصه ترجمه آیات کریمه خطاب بهپیغمبر اکرم خود میفرماید نخواهی یافت هیچ قومی راکه به خداوند و

بروز وا پسین ایمان آورند ودوستی کنند با کسانیکه از حــد ود طاعت خدا ورسول آن سوافتاده اند اگرچه پدران یا پسران یا برادران یاقوم وقبیله ایشان باشند تاچه رسد به بیگانگان پس بموجب حکم صریح این آیه کریمه مردمان درظاهر مسلمان راکه بامردم ملل اجنبی خصوصیت ودوستی درمیان است ایشان را درحقیقت بهره و نصیبی ازایمان نخواهد بود ۰

و نیز ازآنجمله درقرآن مجید است : یاایهاالذین آمنوا لاتتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة وقدکفروا بما آمنتم بـه۰

خلاصه ترجمه خطاب بمومنین میفرماید : ای کسانیکه ایمان آورده اید زنهارید دشمن من ودشمن‌خود تانرادوستان برای خوداختیار نکنید اینمعنی شایسته ورواباشدکه شما اظـهار مودت کنید با کسانیکه حقانیت شمارا مینگرند ونیز دراحادیث اهل عصمت و طهارت بطرق متعدده و سندهای معتبره وارد استکه خدایتعالی به پیغمبری از پیغمبران خود وحی‌فرستاد

که گروه مومنان را بگو زنهار از طعام دشمن من بخورید ولباس دشمن من را نپوشید و درصورت وزیّ دشمن من ظاهر نشوید و راههائیکه دشمن من روند شما نروید که شما نیز مانند آنان گردید از دشمنان من خواهید شد ·

بالجمله چنانچه برارباب خبرت و اطلاع پوشیده نیست آیات وروایاتیکه به بیانات مختلفه وباشروح نورانی درافاده این معنی وارد شده است ولی نظر بآن مقصد عالی مقدس که ما را درآغاز نگارش این رساله منظور افتاده بود مناسب دانستیم که انجام رساله نیز بنقل یك چند آیه و روایت متکی الختام — گردانیم ·

والحمد للّه تعالی اولا واخرا وصلی اللّه علی خاتم النبیین وسید المرسلین وآله الائمة الهادین و سلم تسلیما کثیرا ·

محمد رضا زنجانی

* پایان *

قسمتی از انتشارات این مؤسسه

۱ ــ امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار	هاشمی رفسنجانی
۲ ــ ره‌آوردهای استعمار	دکتر مهدی طارمی
۳ ــ مزدوران استعمار در لباس مذهب	ضیاءالدین روحانی
٤ ــ بهائیت دین نیست	ابوتراب هدائی
٥ ــ دو فیلسوف شرق و غرب	حسینعلی راشد
٦ ــ جهان دیگر	دکتر بی‌آزار شیرازی
۷ ــ ماهیت و منشاء دین	فضل‌اله کمپانی
۸ ــ چرا شیعه شدم ؟	محمد رازی
۹ ــ شخصیت جوان از نظر اسلام	ضیاءالدین نجفی
۱۰ ــ اسلام بر سر دوراهی	حقیقی بخشایشی
۱۱ ــ امام علی (ع)	جورج جرداق
۱۲ ــ نقشه‌های استعمار	هشترودی
۱۳ ــ درسی که حسین (ع) بانسانها آموخت	هاشمی‌نژاد
۱٤ ــ دکتر و پیر	هاشمی‌نژاد
۱٥ ــ مشکلات مذهبی روز	هاشمی‌نژاد
۱٦ ــ قرآن و کتابهای دیگر آسمانی	هاشمی‌نژاد
۱۷ ــ حسن (ع) کیست ؟	فضل‌اله کمپانی
۱۸ ــ قصص قرآن	مصطفی زمانی
۱۹ ــ اسلام و تحولات زندگی	محمد قطب
۲۰ ــ قانون اساسی اسلام	فرید گلپایگانی



مؤسسه انتشارات فراهانی

بازار بین‌الحرمین تلفن ٥۳۰٤٦٥

بازار کاشفی تلفن ٥٦۲٥٤۳

۲۰۰ ریال